

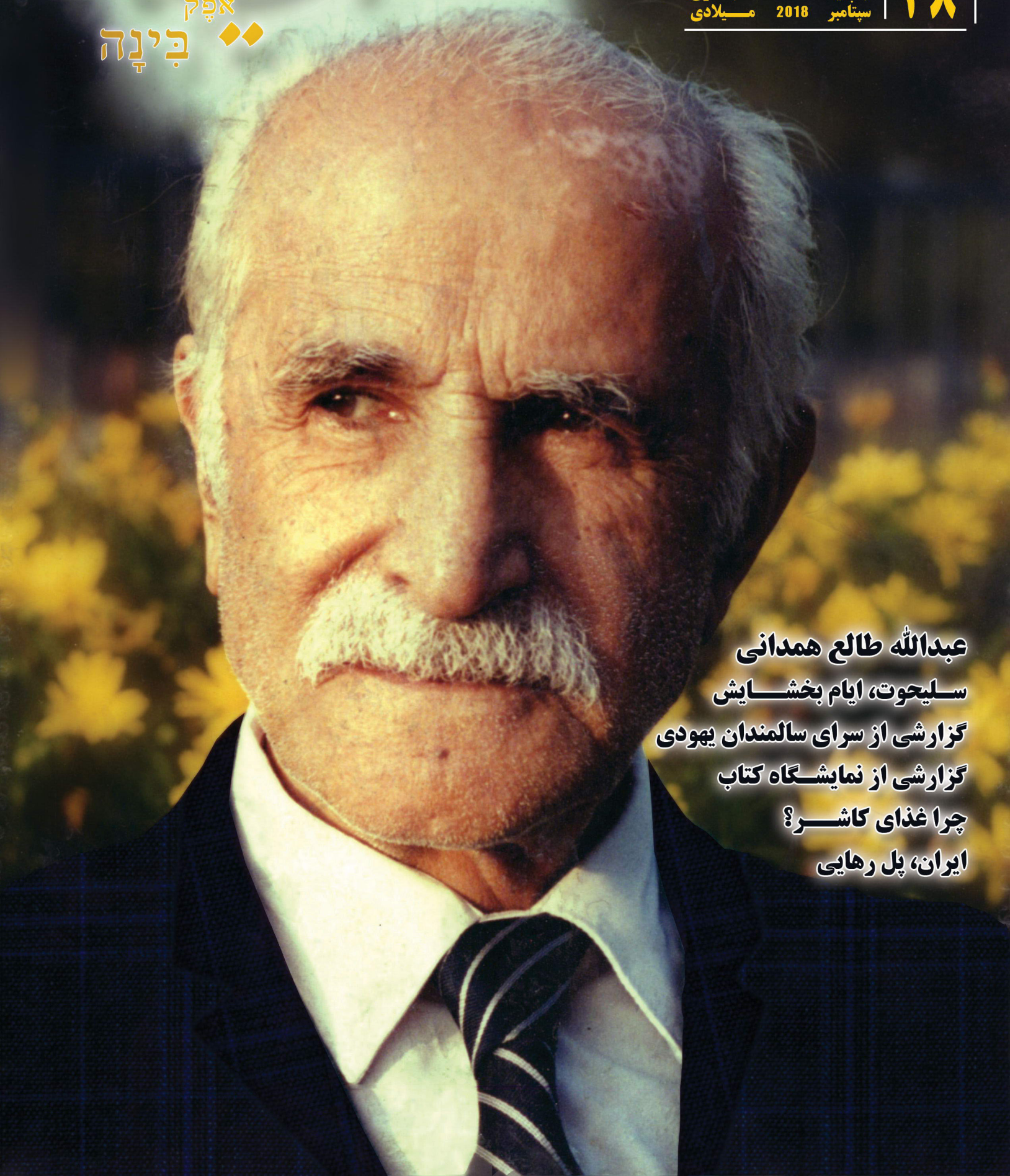
فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

شماره	سال	پیوسته
۴۸	تابستان ۱۳۹۷	شمسی
	תשרי 5779	عبری
	سپتامبر 2018	میلاדי

بافت

אפק

ביתה



عبدالله طالع همدانی
سلیحوت، ایام بخشایش
گزارشی از سرای سالمندان یهودی
گزارشی از نمایشگاه کتاب
چرا غذای کاشر؟
ایران، پل رهایی

שנה
טובה



انجمن کلیمیان تهران و
هیئت تحریریه نشریه افق مینا، فرارسیدن سال ۵۷۷۹ عمبری،
روش هشانا، روزه کیپور و عید سایانها (سوکا)
را به تمام هم کیشان عزیز شاد باش عرض میکند
باشد که صلح و برکت در سراسر کیتے سایه کتھر شود.





فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال بیستم - شماره ۴۸

تابستان ۱۳۹۷ شمسی

تیشری 5779 عبری

سپتامبر 2018 میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسئول: دکتر همایون سامه‌یخ

سردبیر: فرانک عراقی

مدیر اجرایی: نسترن جاذب

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

آرش آبابی - شرگان انورزاده - اتوسا آرمین - آیدین برخوردار
ژان پایاب - نیوشا پایاب - نسترن جاذب - تینا ربیع‌زاده - رحمن دلرحیم
لیورا سعید - المیرا سعید - امید شایان‌مهر - مردخای امین شموئلیان
فرانک عراقی - فرزاد طویبان - فرینوش لازار - امید محبتی مقدم
مهران ملک - دوریتا معلمی - بهادر میکائیل - الهام مؤدب
امیرفراز نعیموت - بهزاد نصیرزاده - مرجان یشایایی و مژده یمینیان .

ویراستاران: آرش آبابی - فرانک عراقی

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: نسترن جاذب

طراحی جلد: مردخای امین شموئلیان

امور چاپ: بهزاد نصیرزاده

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - نمابر: ۶۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی: bina126@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است.

عکس روی جلد: عبدالله طالع همدانی، مرد هزار چهره عالم ادب و هنر.

افق بی‌نا - אִפְקָ בִּינָה - در عبری به معنای چشم‌انداز آگاهی و بصیرت است

● سخن سردبیر: انتخابات و نقش مردم جامعه / فرانک عراقی / ۲

● سرمقاله: تجربه‌های تلخ و شیرین / دکتر همایون سامه‌یخ / ۳

*** مذهبی**

● سلیحوت، ایام بخشایش / امید شایان‌مهر / ۴

*** گزارش و مصاحبه**

● عبدالله طالع همدانی، مرد هزار چهره‌ی عالم ادب و هنر / فرانک عراقی / ۵

● دل‌نوشته‌های پدرم / شیرین طالع / ۷

● من اندیشه را شعرتر می‌کنم / ابراهیم سعیدیان / ۸

● گزارش نمایشگاه بین‌المللی کتاب / مهندس بهادر میکائیل / ۹

● پیروز سیار، بیمودن راهی ۲۵ ساله / مرجان یشایایی / ۱۳

● گزارش حضور ایرانیان کلیمی در مراسم سالگرد امام / مهندس بیژن آصف / ۱۷

● گزارشی از سرای سالمندان یهودی / فرانک عراقی / ۱۹

● نقش کلیمیان در دوران دفاع مقدس / مهندس آیدین برخوردار / ۲۳

*** فرهنگی، اجتماعی**

● سپنتا نیکنام، حضور یک اقلیت مذهبی در شورای شهر / مرجان یشایایی / ۲۷

● طلاق در آیین یهود / نسترن جاذب / ۲۹

● ایران، پل رهایی / اتوسا آرمین / ۳۳

● گذری بر تاریخچه کنیسه‌های تهران (اتفاق) (بخش پایانی) / مهران ملک / ۳۶

● یهودیان یوگسلاوی / دکتر ژان پایاب / ۳۸

● مردم‌شناسی پوشاک یهودیان ایران در دوره قاجار / افشین میرعبدالله لواسانی / ۴۰

● جام‌جم را از چه کسی طلب کنیم (بخش پایانی) / الهام مودب / ۴۳

● زنان موفق در کسوت عدالت / مهندس فرینوش لازار / ۴۵

● آشنایی با مشاهیر یهود جهان: آبراهام مزلو / نیوشا پایاب / ۴۷

● انجمن بانوان کلیمی، هفتادمین سال فعالیت / فریده پوراتیان / ۵۲

● داستان کلیمیان تهران / مهندس آرش آبابی / ۵۴

● فرهنگ یهودی‌های شیراز / رحمن دلرحیم / ۵۷

*** ادب و هنر**

● پسران و دختران فراموش شده انقلاب / هارون یشایایی / ۵۸

● بررسی متنی و سندی متون مقدس یهودی-مسیحی / مهندس آرش آبابی / ۶۰

● تا انتها حضور / المیرا سعید / ۶۲

● زندگی را چه دیر فهمیدم / رحمن دلرحیم / ۶۳

● سرزمین آرزوها / شرگان انورزاده / ۶۴

● گزارش کتابخانه / لیندا لوی شوقی / ۶۴

*** روانشناسی**

● نقد و بررسی انتقاد / دوریتا معلمی / ۶۵

● مهارت‌های زندگی کودکان و نوجوانان / لیورا سعید / ۶۸

● ضرورت نیاز پیش‌دبستان برای کودکان ۳ الی ۶ سال / یائل هارونیان / ۷۰

● مادر و پدر بگذارید روی پای خود بایستم / الهام مودب / ۷۱

*** طنز**

● صورت من مثل لبو، سرخ شده بود / رحمن دلرحیم / ۷۳

● زنگ پرورشی / شیپورچی / ۷۵

*** تغذیه**

● چرا غذای کاشر؟ / مژده یمینیان / ۷۷

*** حقوقی**

● ارث و تکالیف ناشی از آن / امیرفراز نعیموت / ۸۰

*** گزارشات و اخبار**

● گزارش کمیته ورزش انجمن کلیمیان / مهندس بهادر میکائیل / ۸۳

● اخبار / مهندس امید محبتی مقدم / ۸۴

● مناسبت‌های تقویمی / مهندس آرش آبابی / ۹۲



کهن سخن سردبیر

انتخابات و نقش مردم جامعه

فرانک عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه نگاری)

انتخابات انجمن کلیمیان تهران در پیش است و به‌طور قطع و یقین این امر در جامعه‌ی ما رویداد مهمی است که در هر دوره افراد زیادی را درگیر خود می‌کند.

«انتخابات یک فرآیند تصمیم‌گیری رسمی است که طی آن مردم یا بخشی از مردم برای اداره‌ی امور عمومی خود، شخص یا اشخاصی را برای مقامی رسمی به مدت معلوم، با ریختن رای به صندوق‌های انتخاباتی بر می‌گزینند.» (ویکی‌پدیا)

در جامعه‌ی کوچک ما خوشبختانه افراد زیادی وجود دارند که صلاحیت حضور در انجمن را دارند و می‌توانند این امر مهم و وظیفه‌ی خطیر را بر عهده بگیرند، اما متأسفانه داوطلب‌چندانی برای این امر دیده نمی‌شود.

عده‌ای از آنها از دور دستی بر آتش دارند ولی میل و رغبت چندانی برای حضور در صحنه از خود نشان نمی‌دهند. تعدادی نیز مدتی درگیر فعالیت‌های اجتماعی می‌شوند و بعد از مدتی سرخورده شده و حتی حاضر نیستند دیگر در محافل اجتماعی ظاهر شوند، چه برسد به کارهای اجتماعی.

اما به قول بزرگی که می‌گفت بالاخره همیشه کسی هست سکان این کشتی را به دست گیرد و کشتی بی‌ناخدا نمی‌ماند، ما هم امیدواریم بزرگان جامعه به صحنه بیایند و افرادی با صلاحیت فقط و فقط جهت خدمت به عموم مردم جامعه و نه به خاطر پست و مقام و صندلی داوطلب این امر مهم شوند و انجمن را در دوره‌ی آتی با همدلی و همفکری اداره کنند.

در هر دوره‌ای در انجمن کم نبودند بزرگانی که از وقت و مهارت خود استفاده کردند و مشکلات و معضلات جامعه را پی‌گیری و حل کردند. امروزه جامعه‌ی ما بسیار آسیب‌پذیر است و آنچه که بیشتر طلب می‌کند، اتحاد و همدلی است و این اتحاد و یکپارچگی نشأت گرفته از بزرگان و سران جامعه است، چرا که کوچکترین اختلافی در سطوح بالای اجتماع اثرات جبران‌ناپذیری بر کل جامعه دارد.

ضمن عرض شادباش به مناسبت فرارسیدن سال نو ۵۷۷۹ عبری و آرزوی سالی پر از برکت و صلح و صفا برای تمامی جهانیان به ویژه ایرانیان و هم‌کیشان عزیز، امیدوارم انتخاباتی بدون تنش و پربار در پیش داشته باشیم و مردم ما حضور پرشوری از خود نشان دهند، چراکه این حق عموم مردم است تا بهترین‌ها را انتخاب کنند و برگزیده‌شدگان نیز متقابلاً به نحو احسن پاسخ این اعتماد را بدهند. ■



تجربه‌های تلخ و شیرین

دکتر همایون سامعی

رئیس انجمن کلیمیان تهران

اعضاء محترم جامعه

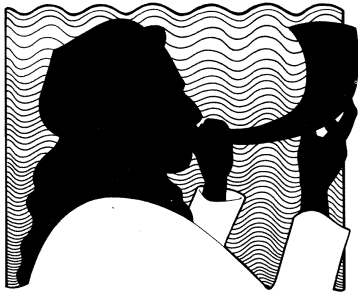
حدود سه سال و نیم از شروع فعالیت این دوره‌ی انجمن کلیمیان تهران می‌گذرد و حدود ۷-۶ ماه بعد از آغاز کار هیئت مدیره شروع به کار می‌کنند. در این چند سال اخیر انجمن کلیمیان وقایعی را تجربه کرد که بعید می‌دانم در طی چهل سال گذشته شبیه آن اتفاق افتاده باشد. بنده به عنوان رئیس و مسئول انجمن کلیمیان تهران نه به عنوان درد و دل، بلکه بیان تجربه‌های تلخ و شیرین (که قسمت عمده‌ای از آن به تلخی می‌گراید) برخی از این مسائل را خدمت هم‌کیشان عزیزم بیان می‌کنم. تمام مسئولین جامعه در هر پیام و سخنرانی و گفت و گویی اولین راهنمایی خود را به افراد، ایجاد اتحاد و یکپارچگی در جامعه عنوان می‌کردند و هم‌اکنون نیز شعار خود را همین می‌دانند ولی متأسفانه بزرگ‌ترین معضل این است که آن چه می‌گوئیم به آن عمل نکنیم و همین تناقض و دوگانگی با کمال تأسف که جامعه نیز کشیده می‌شود.

از زمان شروع به کار این دوره‌ی انجمن افرادی با سنگ‌اندازی و چوب لای چرخ گذاشتن در مورد هر فعالیتی در انجمن چنان مشکل‌تراشی می‌کردند که برای انجام کار و تصمیم‌گیری هر چند بسیار ساده برای جامعه، لازم بود ساعت‌ها بحث و جدل می‌کردیم که نتیجه‌ای جز اتلاف وقت و انرژی اعضا نداشت. به یاد دارم زمانی که اختلاف نظر مراجع دینی به فضای مجازی کشیده شد و باعث توهین و تهمت‌ها و بی‌احترامی به اشخاصی شد که شأن و منزلتشان مستحق چنین بی‌اخلاقی‌هایی نبود و در پی آن همین اختلاف و یارکشی به اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان نیز سرایت کرد و بعضی با پشتیبانی این افراد بی‌تجربه و قدرت‌طلب به سنگ‌اندازی‌های خود با شدت بیشتری ادامه دادند بدون آن که بدانند دود این آتش فقط به چشم جامعه می‌رود و بس. گوئی برای بعضی اصلاً جامعه مهم نبود. توهین به بزرگان دینی در فضای مجازی بابتی شد جهت توهین به مسئولان و زحمتکشان جامعه، از یاد نمی‌برم زمانی که کنیسای باغ‌صبا فرو ریخت و بار عظیمی از غم و اندوه گریبانگیر جامعه شد و این در حالی بود که این نگرانی و اندوه در دل بنده و دیگر مسئولان هزاران بار بیشتر سنگینی می‌کرد چرا که وظیفه ما ساخت کنیسیایی در شرق تهران بود چرا که ساکنان این منطقه را دچار مضیقه کرده بود ولی کسانی هم بودند که فقط به تخریب انجمن می‌اندیشیدند و نه به تخریب کنیسا و باز هم فضای مجازی مورد سوءاستفاده قرار گرفت، تهمت‌های بی‌شماری به مسئولین وارد شد، به یاد دارم که افرادی در کنیساها حضور پیدا کردند، دم از تخلفات بی‌شمار می‌زدند و وعده‌ی ارائه مستندات می‌دادند و حتی افرادی به خاطر تخریب نکردن باج هم می‌خواستند. به فعالان، خادمان و افراد فرهنگی جامعه انگ دزدی و کفر زدند (هر چند که بعدها ادعاهای خود را انکار کردند) که این عمل هدفی جز قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی نداشت، گوئی که ایجاد شکاف و شقه شقه کردن جامعه برای آنها مهم نبود ولی با گذشت زمان و در سال آخر فعالیت انجمن بین افراد فعال انجمن، هم‌فکری و یکپارچگی بیشتری ایجاد شد که خود باعث خوشبختی است.

متأسفانه ما شاهد انجام این روند در دیگر شهرهای یهودی‌نشین شده‌ایم و ای کاش آنان از تجربه‌ی انجمن کلیمیان تهران بهره می‌بردند و در نهایت مردم آگاه و فرهیخته ما هستند که می‌اندیشند و نتیجه می‌گیرند.

انتخابات انجمن کلیمیان تهران در پیش است توصیه بنده به جامعه‌ی گرانقدر این است که حتماً در انتخابات شرکت کنند، مطمئن هستم جامعه کلیمیان در تهران با تفکر و تعقل عمل کرده و بدون تأثیر گرفتن از شایعات و تهمت‌ها، در کنار صندوق‌های رای حضور پیدا کرده و با تحقیق کامل در مورد کاندیداها و عملکرد آنان طی سال‌های گذشته به افراد صالح رای خواهند داد. بنده با حفظ احترام، از تمامی افرادی که کاندید می‌شوند تشکر می‌کنم زیرا که می‌دانم و می‌دانند که باید بیش از سه سال از عمر خود را صرف جامعه کنند. هدف همه‌ی کاندیداها اعتلای جامعه و یهودیت باید باشد و نه قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی، همه باید بدانند که احترام به تمام اقشار جامعه یهودی جزو وظایفشان هست. برای حفظ احترام جامعه یهودی ایران، احترام به مسئولین و همکارانشان الزامی است.

در آخر پیشاپیش به تمام منتخبین جامعه تبریک گفته و امیدوارم در خدمت به هم‌کیشان عزیز موفق باشند. ■



سلیحوت، ایام بخشایش

امید شتایان مهر

فعال اجتماعی

و عضو کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران

صفات را با صدای بلند اعلام می‌کنیم، در واقع شهادت می‌دهیم که خدا کیست و ما چه هستیم. ذکر این خصلت‌ها دارای چنان نیرویی است که بزرگان ما در تلمود چنین نقل می‌کنند: که تکرار و عمل به این صفات همیشه در روح انسان تغییر قابل ملاحظه و شایانی ایجاد می‌کند.

هنگامی که ویژگی‌ها و خصلت‌های باری تعالی را در زندگی خودمان منعکس می‌کنیم، درمی‌یابیم، دینداری و خداشناسی که در وجود همه ما پنهان شده بود، طنین قوی‌تری یافته و به خدا شبیه و شبیه‌تر می‌شویم. پس بایستی کاملاً سعی کنیم که مبادا در این دنیایی که شبیه به جنگلی پر از حوادث هیجان‌انگیز است، جان عزیز خود را در معرض خطر انداخته و از راه راست منحرف شدیم. چتر نجات ما آن است که با تضرع و دعا به سوی خدای خود بازگشت نموده و طلب بخشایش نماییم و عبادت و صداقت را با کمال میل و دوستی به پدر آسمانی خود ابراز نماییم و ساعات و دقائق عمر گرانبها و ارزشمند خود را با اشتغال به اعمال نیک سپری کنیم. پرستش خدای تعالی و تقرب به سوی او، منوط به قلبی است بی غل و غش. همان قلبی که با نخ نامرئی به درگاه حق متصل است و تظاهرات آن از راه دهان که تضرع آن دل پاک را آشکار می‌نماید صورت می‌پذیرد.

همان‌گونه که در شب‌های ماه «الول» یهودیان خود را از شیرین‌ترین ساعات خواب محروم کرده و برای خواندن «سلیحوت» در نیمه‌های شب تاریک تا سپیده دم صبح با قلبی شکسته، عفو گناهان خود را از خداوند رحیم تقاضا می‌نمایند، ما هم موظفیم هر روز از روزهای عمر خود را مانند این ایام شمرده و اراده راسخ خود را برای طلب بخشش از خداوند یگانه نشان دهیم.

زندگی، انشایی است که تنها باید خودمان بنویسیم. باشد که: موضوع انشای زندگی‌مان «خدا»، مقدمه‌اش «عشق او» و انتهایش «نگاه او» باشد. ■

«الول» آمد ... ماهی که با فرا رسیدنش قلب فرزندان محبوب خدا بیشتر از همیشه به تپش می‌افتد و هوس نزدیکی و قربت هر چه بیشتر به درگاه پدر آسمانی آشکار می‌گردد.

هنگامی که ماه الول برای یهودیان فرا می‌رسد، همه چیز متفاوت می‌شود. ایامی که سی روز ادامه پیدا می‌کند و پیش از روز بزرگی همانند «روش هسانا» است. این روزها، زمانی نیست که برای برقرار کردن تعادل بین دخل و خرج و امور مادی و دنیوی تلاش کنیم، بلکه زمانی برای عشق ورزیدن، آرزو کردن، اصلاح شدن و بخشش و عفو و بازگشت است.

ایامی که حال و هوای «سلیحوت» ما را وادار می‌کند تا خودمان را برای حضور در دادگاه عدل الهی آماده کنیم. روزهایی که با فرا رسیدن آن نوای تشووا و توبه در وجود هر انسانی طنین‌انداز شده و هر فردی را به طرق مختلف به خدا نزدیک می‌کند. این زمان از سال، هنگامی است که بنا به شهادت «یشعیای نبی» خداوند به ما نزدیک است تا بتوانیم به راحتی او را طلب کرده و بیابیم. اگر چه پرده‌ای نامرئی که ما خودمان با انتخاب‌های اشتباه و گناهانی کوچک و بزرگ میان خود و خدای خود به وجود آورده‌ایم، ما را از تقرب به سوی او محروم ساخته، با این وجود آداب مختلفی که در این ماه نهفته است به ما این قدرت را می‌دهد که بتوانیم سدها را شکسته و پرده‌ها را کنار زده و به سوی او بازگشت نماییم.

یکی از آدابی که به ما کمک می‌کند که تعارض بین جسم و روح را رفع کرده و قلب و ذهن ما را به خالق یکتا پیوند می‌زند خواندن نیایش «سلیحوت» است.

«سلیحوت» تفیلابی است که از ابتدای ماه الول شروع شده و تا یوم کیپور ادامه پیدا می‌کند. موضوع اصلی در «سلیحوت» ذکر سیزده خصلت رحمت خداوندی است.

هر یک از این سیزده خصلت رحمت الهی در وجود هر یک از ما نهفته است. هنگامی که با هم می‌پیوندیم و این



عبدالله طالع همدانی

مرد هزار چهره عالم ادب و هنر

فرانک عراقی

کارشناس ارشد روزنامه‌نگاری

عبدالله طالع همدانی، فرزند سلیمان در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در همدان در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد.

خانواده طالع به نسبت شرایط فرهنگی آن زمان بینش آینده‌نگرانه‌ای داشتند. در زمانی که تحصیلات اولیه حتی در حد خواندن و نوشتن، چندان تشویقی نمی‌شد، عبدالله خردسال به مدرسه معروف آلیانس رفت. اشخاص نامداری چون برادران نی‌داود، برادران محجوبی، سید کریم امیری فیروز کوهی و میرزاده عشقی از آن مدرسه فارغ‌التحصیل شده‌اند.

وی تحصیلات ابتدایی را در آلیانس گذراند و سپس به مدرسه تأیید همدان راه یافت. نحوه تدریس زبان فارسی در مدرسه‌ی تأیید شهرت داشت اما دیری نپایید که او دوباره به آلیانس برگشت چرا که در آنجا امکان فراگیری فرانسه و انگلیسی فراهم بود. طالع، تحصیل را تا مقطع سوم متوسطه ادامه داد اما در آن زمان مرتبه بالاتری در همدان وجود نداشت و به ناچار علم تعطیل شد و به دنبال آن به کار تجارت پرداخت.

مرحوم طالع از دوازده سالگی دارای قریحه و طبع شعر بود و در بیست سالگی به عضویت انجمن ادبی همدان در آمد. آشنایی او با مولانا یوسف‌زاده غمام همدانی ذوق او را تکمیل کرد، ولی ذوق حقیقی او در موسیقی بود. او برای آموختن موسیقی و ساز تخصصی ویولون نزد تقی خان شایگان رفت و در اندک مدتی پیشرفت شایانی کرد به طوری که استاد از تعلیم او خودداری و ادامه کار را به خودش واگذار کرد. چندی نیز در محضر استاد صبا به هنر خود افزود.

از سال‌های ۱۳۱۰ به بعد دوران شکوفایی فعالیت‌های وی در سه عرصه موسیقی، سخن‌سرایي و ساخت تصنیف و آهنگ‌های بی کلام که گاه آن را با صوت خوش خود توأم می‌کرد، آغاز شد. در نشریات آن زمان مثل ایران، شفق سرخ، توفیق (که ابتدا نشریه ادبی بود و بعدها فکاهی شد)، مجله عالم نسوان، کانون شعراء گل‌های رنگارنگ و... قلم زد. هم به طنز و فکاهه می‌سرود (با نام مستعار لوطی کمانچه همدانی) و هم به جد ساز می‌نواخت و می‌خواند. دیدار عارف قزوینی نقطه عطفی در زندگی طالع بود. تشویق عارف کارساز شد و او با شوق بیشتری به دنبال هنر رفت. جوان نوزده ساله‌ای که نخستین ترانه خود را با نام باد خزان ساخته و نزد او آمده بود بسیار مورد توجه عارف قرار گرفت.

طالع از سال ۱۳۱۹ در تهران ماندگار شد و در همه زمینه‌های مورد علاقه خود فعالیت می‌کرد، چند نمایشنامه نوشت و در سال ۱۳۲۳ به رادیو راه یافت و با بزرگانی همچون نی‌داوود و قمرالملوک وزیری همکاری کرد. طالع در هجده سالگی با قمر و نی‌داوود در همدان به واسطه کنسرتی در سینما اکباتان آشنا شده بود و این آشنایی به همکاری آنها انجامید. در رادیو ضمن نوازندگی و نوا سازی با عنوان خواننده بی‌نام صدایش را به خانه‌های مردم تهران رساند. در سال ۱۳۲۶ با بالفوریا ازدواج کرد و حاصل آن سه دختر و دو پسر بود. او در بازار مشغول به کار تجارت بود اما هرگز هنر را رها نکرد.

یادداشتی بر کتاب دیوان یهود

من کیم ذره‌ای از مهر وجود / نقطه‌ی کوچکی از بود و نبود
شاعرم شاعر ملی یهود...

به تازگی کتابی تحت عنوان دیوان یهود، اثر عبدالله طالع همدانی، شاعر ملی یهود در به چاپ رسیده است. این کتاب که با همت فرزندان آن مرحوم در آمریکا به چاپ رسیده است، شامل برگزیده اشعار درباره‌ی اعیاد، جشن‌ها، شخصیت‌ها و وقایع تاریخی یهودیان ایران است.



مرحوم طالع ذوق منحصر به فردی در سرودن اشعار داشت و حتی فی‌البداهه در وصف شخصیت‌ها و مناسبت‌ها شعر می‌سرود.

شیرین طالع، دختر آن مرحوم در مقدمه کتاب می‌نویسد: «صفحاتی که پیش رو دارید، سهم پدر از یهودی بودن نیست. او به آنچه که می‌نوشت، باوری عاری از خرافه و تعصب داشت و مهربانانه آرزو می‌کرد تا دیگران و آیندگان هم بدانند ریشه‌شان در خاکی است که باید حرمتش را شناخت، حتی اگر از آن سال‌ها به دور باشند، همان‌گونه که خود با آرزوی دیرینه‌اش روی در همین خاکی کشید که

از دیگر تخصص‌های او می‌توان موشح سرایی^۱ را ذکر کرد. هیچ شاعر معاصر ایرانی به اندازه او تا به حال موشح سرایی نکرده است. یادبودهایی در رثای غمام، سلیمان حبیب، عارف، مرتضی نی‌داوود، رهی معیری، غلامحسین بنان، صبا، روح‌الله خالقی و قمرالملوک وزیری سروده است. دیوان طالع مشتمل بر هفت هزار بیت است. طالع به لهجه راجی (پهلوی قدیم) کلمی‌های همدان و کاشان و اصفهان تسلط کامل داشته و اشعار و تصنیف‌های بسیار به این زبان دارد که چاپ شده است.

عبدالله طالع مدتی نیز عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران بود و گام‌های خیر بسیاری نیز در این راه برداشت. وی انسانی شریف و درویش مسلک و از معدود افرادی بود که عقل معاش و ذوق و هنرش را توأمان داشت و هرگز یکی را فدای دیگری نکرد.

سرانجام، مرد هزار چهره عالم ادب و هنر در آبان ماه ۱۳۸۲ خورشیدی در نود سالگی از دنیا رفت.

خبرگزاری‌ها نوشتند:

استاد عبدالله طالع همدانی، آخرین ترانه سرای بازمانده از نسل تصنیف سرایان بین نسل عارف قزوینی و نسل نو ایران چشم از جهان فرو بست.

روحش قرین رحمت...

به تازگی دهنوشته‌های استاد با عنوان دیوان یهود، به همت فرزندان ایشان در آمریکا به چاپ رسیده و انگیزه‌ای شد برای یادآوری از یک هنرمند.

با که گویم ای فلک درد نهران خویش را
تا به کی بندم ز نالیدن دهان خویش را
استخوانم ز آتش غم سوخت کو یارب نمی
تا که بنشانم دمی سوز نهران خویش را
بسکه از سوز درون چون درد پیچیدم به خود
عاقبت بر باد دادم دودمان خویش را
بر پریشان خاطر طالع عجب نبود که خود
در کف اغیار بسپردن عنان خویش را

^۱ - موشح یا توشیح یکی از آرایه‌های ادبی در شعر است که اگر حروف اول هر بیت یا مصرع به دنبال یکدیگر قرار گیرند، نام یا لقب کسی یا واژه‌ای یا بیت و جمله‌ای دیگر تشکیل شود و در معنی لغوی به معنی آراسته و مزین است.

دل نوشته‌های پدرم

شیرین طالع

داستانم، این گونه است که مهاجرت حتی بعد از چندین سال حتی نتوانست ذره‌ای از تعلق خاطر را نسبت به خاکی کم کند که در آن هویت خود را شناختم، آنجا که حتی دیوارهایش بوی پدری و مادری دارد و لزوماً حس در برگرفته شدن در میان بازوئی نامرئی که گرمای پشتیبانی و حمایت را به یاد می‌آورد.

غم سنگین غربت که همواره دیواری بود بین من و ماندگاری، هنوز علامت سوال بزرگی است که در ذهنم باقی مانده و با ناباوری از این که معنای تعلق خاطر بدین گونه ریشه‌دار و ملموس است. تعلق خاطر به سرزمینی که زبان محاوره‌اش فارسی است با واژگانی یکسان با پارسی زبانان بیرون از این مرز و بوم اما با معنایی متفاوت که از کودکی آموخته بودم.

این تعلق خاطر ارثیه‌ای بود که از پدر به یادگار مانده از او که تا واپسین لحظات، عشق به ایران و جامعه‌اش را حتی با لذت همنشینی با فرزندان‌ش تاخت نزد و اکنون خاک آشنای خود را این چنین عاشقانه در میان گرفته است که گویی سر بر دامن مادر نهاده است.

سال‌ها قبل در اندیشه چاپ اشعار پدرم بودم اما سردرگمی زندگی در غربت و سازگاری با دنیای جدید این تلاش را نیمه‌گذار و خواهرم نسرين، قافله سالار این راه شد و امروز اولین مجموعه یادگار پدر، عبدالله طالع همدانی، هنرمندی که به عنوان «شاعر ملی یهود» برای سال‌ها شناخته می‌شد، با نام دیوان یهود به چاپ رسید. اما نه تنها اشعارش که به مناسبت‌های مختلف مذهبی سروده شده بود، بلکه یادواره‌ای است کوچک از حضور پدر به بلندای یک عمر در جامعه‌ای که نسبت به آن احساس دین و تعهد می‌کرد. اکنون که سال‌ها از بودن و رفتن پدرم می‌گذرد و لاجرم زمان رنگ آشنای نامش را برای نسل جدید کمرنگ‌تر کرده است، شاید این مجموعه سبب شود تا جوانان جامعه‌ی ما بدانند

مادرانه، اقلیت و اکثریت را در ذات به یک دید، می‌دید و مهر می‌ورزید، نکته‌ای که پدر به خوبی شناخته بود...»

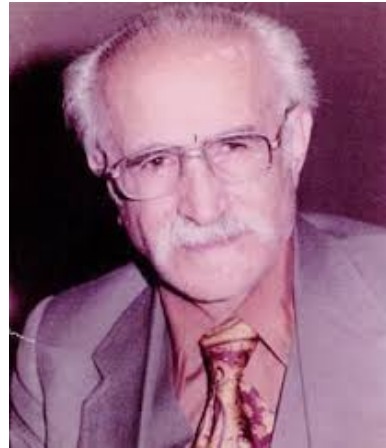
پس از اشعار، در ادامه، تصویر اسناد و مدارکی منتشر شده که هر کدام گواه تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی طالع همدانی است. این اسناد که همگی سربرگ‌دار هستند و دارای هویت‌اند نهادهای مختلف جامعه را شامل می‌شوند و دارای ارزش و اعتبار هستند، از کانون خیرخواه گرفته تا انجمن کلیمیان همدان و سندج و تهران، از وزارت ارشاد اسلامی گرفته تا سازمان دانشجویان یهود تهران و کانون پیشبرد فرهنگی و اجتماعی یهود و تقدیرنامه‌هایی از نمایندگان مجلس در دوره‌های مختلف و لوح‌های افتخاری که به مناسبت‌های مختلف به آن مرحوم اهدا شده است. در انتهای کتاب عکس‌های خاطره‌انگیزی چاپ شده که هر کدام یادآور دوره‌های مختلف زندگی طالع است.



من اندیشه را شعر تر می‌کنم

من اندیشه را شعر تر می‌کنم
 ترا از غم دل خبر می‌کنم
 اگر که نبینم ترا لحظه‌ای
 به عکس قشنگت نظر می‌کنم
 غم هجرت آتش به جان می‌زند
 من امشب دو دیده به در می‌کنم
 تو روزم سیه کردی ای بی وفا
 شب تیره را هم سحر می‌کنم
 ز شهرم برفتی نبینم ترا ...
 به قصد وصال سفر می‌کنم
 تو زیباتر از گل شدی ای صنم
 ترا دیده و من نظر می‌کنم
 چو مهر و وفا را بریدی زمن
 به قلب چو سنگت اثر می‌کنم
 دو روز جوانی به پایت گذشت
 به پیری جوانی هدر می‌کنم
 اگر مال دنیا طلب می‌کنی
 ز سر تا به پای تو زر می‌کنم
 اگر قطره‌ی آب دریا شوی
 صدف گشته آبش گهر می‌کنم
 چو کوهی که آتش فشان گشته‌ای
 نگاهی به تو پر شرر می‌کنم
 اگر که «گل اندام» یارم شوی
 ترا سرمه‌ی چشم تر می‌کنم
 بگویم نیائی عزیز دلم
 به کوی تو دلبر گذر می‌کنم
 به خاک در کوی تو می‌رسم
 همان خاک را هم به سر می‌کنم
 ز شب تا سحر از غم هجر تو
 منم آریا چشم تر می‌کنم

ابراهیم سعیدیان



که در پشت سر امروز آنان مردانی قدم گذارده بوده‌اند که با وجود امکانات کم و جهان‌بینی متفاوت در ته قلبشان، به نظام پایداری این اجتماع کوچک اقلیت عشق می‌ورزیده و باورش داشته‌اند و مردان بزرگتری که هنوز در کنارشان مانده‌اند تا به درستی سبب پیوند جامعه اقلیت با اکثریت باشند.

جوانان ما باید بدانند که درخت تناور آبروی این جامعه‌ی کوچک به‌دست پدرانشان کاشته شد و نهال نازکش از چشمه‌ی باور اندیشه و حمایت آب خورد تا امروز آنان بر این تنه تکیه کنند و سایه‌ی آن، خستگی روزهای تنهایی را از تن‌شان به‌در کند.

او اولین و والاترین در این راه نبود و آخرین نیز نخواهد بود. او تنها کوشید تا حرف و احساسش را با ردای زیبایی نظم بیوشاند، شاید که کلام بزک کرده در نزد مردم مقبول تر افتد و راه شنیدن هموارتر.

بعد از این دل‌نوشته‌ها به زودی دیوان اصلی او که مجموعه‌ای از اشعار اوست از چاپ بیرون خواهد آمد و تقدیم ساحت شعر دوستان خواهد شد.

از دور، دست تمام کسانی که مردانه در این جامعه ماندند، کوشیدند و ساختند را با نهایت خضوع و ارادت می‌بوسم و از مسئولین نشریه‌ی بینا که مشعل‌دار این فرهنگنامه‌ی وزین هستند سپاسگزارم که فرصتی این‌چنین را مهیا ساخته‌اند.

امید که قصورات لفظی، چاپی، و معانی به دیده‌ی اغماض نگریسته شود و از خاطر نرود که این کتاب، فرزند پدر ندیده‌ای است که دیگران پرورشش داده‌اند. ■

گزارش سی و یکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب

مهندس بهادر میکائیل

فعال اجتماعی و عضو کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران



اردیبهشت ماه هر سال، بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی ایران زمین، تحت عنوان نمایشگاه بین‌المللی کتاب برگزار می‌شود.

سی و یکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب که اولین تجربه دکتر عباس صالحی در مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دکتر جوادی در مقام معاون فرهنگی این وزارت‌خانه و رئیس نمایشگاه بود. پس از دو سال مجدداً در مصالای امام خمینی (ره) برگزار گردید و همچون سال‌های قبل سالن بین‌الملل به مدیریت چهره نام آشنای جامعه کلیمی، دکتر غلامرضا نوعی میزبان غرفه جامعه کلیمی با نام انجمن کلیمیان تهران بود.

و آغاز به کار نمایشگاه انجام گرفت و نهایتاً نمایشگاه سی و یکم روز سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه توسط دکتر عباس صالحی در مصالای امام خمینی (ره) رسماً افتتاح گردید. همچنین در همین روز ضیافتی توسط سرپرست وقت شهرداری تهران در برج میلاد و ضیافت دیگری به دعوت سفیر صربستان در باغ کتاب نیز برگزار گردید که نمایندگان غرفه انجمن کلیمیان در کلیه برنامه‌های فوق حاضر بودند.

یکی از دستاوردهای نمایشگاه امسال حضور جمعیت زیادی از علاقمندان و بازدیدکنندگان از غرفه‌های برپا شده بود که در سالن‌های نمایشگاه با دیدگاه‌های متفاوت و برداشت‌های اعتقادی - ادبی و اجتماعی گوناگون به چشم بازدیدکنندگان آمد و آنها را از تنوع در بیان هنر و ادبیات و غنای آن در فرهنگ ایرانی آگاه می‌ساخت.

تلاش برپاکنندگان غرفه انجمن کلیمیان بر این اصل قرار داشت که کتاب‌های مربوط به یهودیت و اعتقادات فرهنگی و اجتماعی یهودیان همچنین تاریخ طولانی زندگی یهودیان در ایران و موقعیت کنونی آنها در جمهوری اسلامی ایران را فراهم کنند و در اختیار علاقه‌مندان قرار

تیم مدیریت و برپا کننده غرفه انجمن کلیمیان با بهره‌گیری از تجربه دو سال گذشته خود، حمایت بی‌دریغ و فراوان دکتر سیامک مره‌صدق، نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی، مشاوره و راهنمایی شورای روحانیت و نهایتاً مهر بی‌پایان هیات مدیره انجمن کلیمیان به ویژه ریاست و مسوول کمیته فرهنگی کار خود را از اسفندماه ۹۶ آغاز کرد.

پس از کارهای ابتدایی و اولیه به منظور مکاتبه با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی و تأییدیه حضور انجمن کلیمیان در نمایشگاه امسال، محل غرفه توسط مدیران در نیم طبقه اول شبستان مقابل غرفه آلمان و در نزدیکی صربستان و تونس دو مهمان ویژه امسال معین شد.

طراحی و اجرای دکوری متفاوت و زیبا، انتقال کتب و تجهیزات، تعیین زمان کنفرانس‌ها و همایش‌ها، انتخاب سخنرانان، متصدیان و کارشناس‌ها، طراحی و چاپ بروشورها و پوسترها از دیگر کارهایی بود که تا زمان شروع



سخنرانان : حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، رهبر دینی کلیمیان ایران ، دکتر سیامک مره‌صدق، نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس و هارون یشایایی چهره ماندگار جامعه کلیمی.

پیش از آغاز این کنفرانس از کتاب «روزی که نام خود را دانستم» اثر هارون یشایایی توسط معتمدین جامعه کلیمی به همراه مهندس حسین سبزه، معاونت اجرایی بخش بین‌الملل نمایشگاه رونمایی شد و همچنین کلیپی در مورد موضوع مورد بحث که توسط هارون یشایایی و آیدین برخورداری ساخته شده بود، پخش گردید.

در پایان این کنفرانس که مورد استقبال شایان علاقه‌مندان قرار گرفت، دکتر غلامرضا نوعی نیز به ایراد سخنرانی پرداخت.

دوم : بررسی متون ادیان توحیدی و مشترکات آنها، چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه در سرای اهل قلم.

سخنرانان : هاراو صیون تهرانی به همراه نمایندگانی از سایر ادیان توحیدی .

سوم : وضعیت نشر در اقلیت‌های دینی پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت در سرای اهل قلم.

سخنرانان : هارون یشایایی به همراه نمایندگانی از سایر ادیان توحیدی

دهند. امسال چندین کتاب جدید نیز در غرفه ارائه گردید:

* روزی که اسم خود را دانستم، اثر هارون یشایایی
* آموزش زبان عبری، تألیف سادات منصوری با همکاری و ویرایش مهندس آرش آبایی

* علم الهی، با ترجمه مهندس امید محبتی مقدم

* پرندگان ایران، تألیف فرید مبصر

* معجزه‌ی باور ، نوشته کاترین عاشریان

همچنین یک قسمت مجزا برای نشریه افق‌بینا اختصاص یافته بود و آخرین شماره این نشریه نیز در ایام نمایشگاه عرضه گردید.

به علاوه در تمام مدت نمایشگاه، کارشناسان علوم دینی یهود و همکاران در مسائل اجتماعی و فرهنگی یهود و ایران در غرفه حاضر بودند و به سؤالات علاقه‌مندان پاسخ می‌دادند. فضای گفتگو نمایش‌گر فرهنگ تسامح و تعامل و خویش‌داری بین مراجعه‌کنندگانی از ادیان مختلف و افراد با عقاید و نظرات متفاوت با یکدیگر بود.

امسال سه کنفرانس توسط مدیران نمایشگاه و غرفه انجمن کلیمیان برگزار گردید که مورد استقبال همکیشان و هم‌وطنان عزیز قرار گرفت.

اول : نقش کلیمیان در دوران دفاع مقدس در سالن کنفرانس ملل یکشنبه ۱۷ اردیبهشت



- مهندس عزت‌اله ضرغامی، رئیس سابق صدا و سیما
- مهندس مصطفی هاشمی طباطبائی، رئیس سابق سازمان تربیت بدنی
- مدیران اداره امور اقلیت‌های مذهبی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- دکتر علی فریدونی مدیر کل امور مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- حجت‌الاسلام دکتر ارزانی، دبیر ستاد کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور
- حجت‌الاسلام مسچی، مشاور حوزه‌های علمیه در امور ارتباطات
- صابر قدیمی، نویسنده و طنزپرداز
- دکتر حاتمی، استاد دانشگاه تهران و ناشر برتر
- دکتر سعید تقوی، ریاست سازمان امور اقلیت‌های مذهبی
- مدیریت موزه دفاع مقدس
- معاونت فرهنگی سازمان ارتباطات اسلامی
- دکتر غلام علی حداد عادل، رئیس فرهنگستان لغت
- جواد انصافی، هنرمند و پژوهشگر

در طی مدت نمایشگاه خبرنگاران و گزارشگرانی به غرفه مراجعه و با مسئولین جامعه کلیمی و مدیران غرفه به مصاحبه پرداختند از جمله :

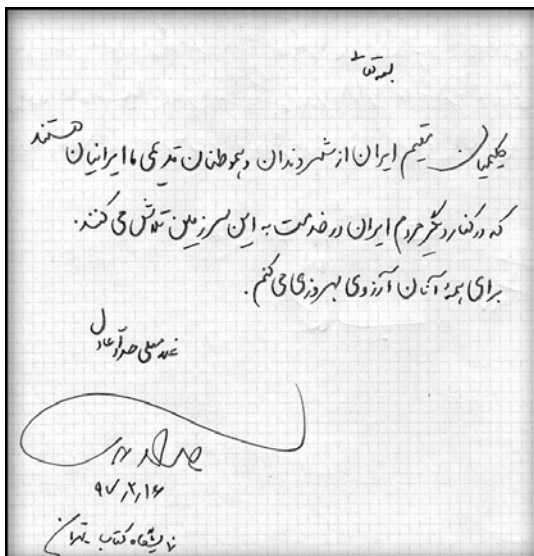
- گروه مستندسازی صدا و سیمای جمهوری اسلامی
- روزنامه مردم‌سالاری
- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- خبرگزاری شبستان
- خبرگزاری ایرنا
- خبرگزاری روشا
- باشگاه فرهنگی شب‌ویز
- خبرگزاری ایبنا
- Press Tv
- تارنمای آپارات

در روزهای برگزاری بسیاری از مسوولان و بزرگان علم و ادب در غرفه حضور یافته و اظهار محبت کردند و دفتر یادبود مربوط به این روزها را با نوشته‌های خود مزین کردند از جمله:

- دکتر جوادی، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس نمایشگاه، سید محمود دعایی، مدیر مسوول روزنامه اطلاعات و نماینده سابق مجلس
- مدیر مرکز قرآن آستان قدس رضوی

ساسانی فرد، هاراو نیما رنگ‌کار، هاراو پیام خاکشور، امید شایان‌مهر، امید محبتی مقدم، دکتر رامین لاله‌پور مهمانان ویژه حاضر در غرفه: حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر سیامک مره‌صدق، دکتر همایون سامه‌یح، هارون یشایایی، مهندس آرش آبایی و فرانک عراقی سرپرست‌های غرفه: شارونا هارون شیلی، فرانک عراقی، شهاب شهامی‌فر، رامین سخایی، فرشاد یادگار، شهرام فروزان‌فر و فرزاد طویبان

متصدیان غرفه: پرسا برآوریان، شهاب اسحاقی، آیدین برخوردار، دلارام دلرحیم، فراز نعیموت، آنا جبرئیل، سارا لاله‌پور، بهاره کدخدا، سام یروشالمی، فراز یروشالمی، پیام کهن‌صدق، پویا مصری، آرین دانیال مفرد، سمیرا شادپور، دانیلا یومطویبان، سامان سامه‌یح، فراز فروزان‌فر، لیورا رفوآ نورا موریم، پریسا برادریان، عسل بنازیدی، الین یروشالمی، پرهام ذکریاپور، شایان ملک‌ان، سینا شیرازی، شروین شیرازی، امید کدخدا، ستاره درخشان، لونا یومطویبان، شادی شهامی‌فر، ادوین ملک‌ان، آیدین برخوردار، شرمینه داوودزاده، الناز حریریان، الینور گنجی، دنیا کاهن، کامیار نظیری، مهیار نظیری، طناز حریریان و داوود گوهریان همکاران: دکتر سلیمان کهن‌صدق، هرصل گلشیرازی، بهداد میکائیل، نعمه کدخدا، آزاده بن‌ذکریا، رامین شلومو و شادی نیسانی در خاتمه امید است در جهت اعتلای فرهنگ غنی ایرانیان یهودی و شناخت هر چه بیشتر دین یهودیت به هم‌وطنان عزیز اقدام مؤثری صورت گرفته باشد. ■



- حجت‌الاسلام امینی، معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت
- هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم
- سفیر صربستان در ایران
- هیأت مدیره و بازرسان انجمن کلیمیان تهران
- هیأت امنا و رئیس بیمارستان دکتر سپهر
- هیأت امنا و رئیس سرای سالمندان یهودی معتمدین و مسوولین کنیساها
- انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس کلیمی
- دبیران عبری و دینی
- رئیس و هیأت امنای ستاد خیریه کوروش
- هیأت مدیره سازمان بانوان یهود ایران
- هیأت مدیره خانه جوانان
- هیأت مدیره گروه دانش‌آموزان سازمان دانشجویان یهود
- سرپرستان سازمان جوانان باغ‌صبا
- نمایندگانی از هیأت مدیره‌های انجمن‌های اصفهان و شیراز و کرمانشاه.
- ابراهیم سعیدیان، شاعر کلیمی
- سردبیر و هیأت تحریریه نشریه افق بینا
- در خاتمه به معرفی مسوولین و دست‌اندرکاران نمونه انجمن کلیمیان در نمایشگاه سی و یکم می‌پردازیم:
- مدیران نمونه: بهادر میکائیل، بهزاد نصیرزاده، آیلین تشخیصی، امید شایان‌مهر، آیدین برخوردار.
- طراحی غرفه، دکور، بروشور و پوسترها: فرید هنزقیه
- اطلاع‌رسانی: آیدین برخوردار
- عکس‌های اولیه دکور و تدارکات: داوود گوهریان، اجرای دکور و بروشورها و پوسترها: بهزاد نصیرزاده
- مشاوران: فرانک عراقی، شهرام فروزان‌فر، فرزاد طویبان، دکتر سیامک مره‌صدق، دکتر رامین لاله‌پور، حاخام حمامی لاله‌زار
- تأسیسات (نور، برق): امید کدخدا، سامان خالپری، پرهام ذکریاپور، سامان کهن، ژاکب شادی
- کارشناسان مذهبی: هاراو صیون تهرانی، هاراو — بهرداد



گزارشی از ترجمه جدید عهد عتیق و عهد جدید پیروز سیار، پیمودن راهی ۲۵ ساله

مرجان یشایایی

(روزنامه‌نگار)



پیروز سیار، مطرح‌ترین مترجم ایرانی کتب مقدس تورات، عهد عتیق و عهد جدید، ۱۱ تیر ۱۳۹۷ در جمع دوستان کلیمی حاضر شد تا از کتاب‌ها و تجربیات خود در ترجمه‌ی این آثار بگوید.

در کنار معرفی این کتاب‌ها، نشست‌ن پای صحبت‌های سیار و شنیدن راه دراز و دشواری که طی کرده و هنوز در حال پیمودن آن است، آنقدر جذاب بود که تا پاسی از شب، همه‌ی ما را در آن محفل انس بیدار و هوشیار نگه داشت.

این کتاب‌ها تنها ترجمه متن نیست، بلکه مقدمه‌ها و توضیحاتی که سیار در کنار ترجمه‌ی دقیق این متون آورده، می‌تواند راهنمای خوانندگان بسیاری باشد که این روزها به مطالعه‌ی این کتاب‌ها روی آورده‌اند. در هر صفحه پانوشته‌هایی دیده می‌شود و کتاب‌ها شامل فهرست اعلام هستند، یعنی هر مکان یا شخصیت یا موضوعی را می‌توان با مراجعه به فهرست انتهایی کتاب پیدا کرد. فهرست‌های چهار زبانه‌ی اعلام نیز در این کتاب‌ها وجود دارد و مهم‌تر از آن این که کتاب تورات (و تنخ) با تیتروهای موضوعی منتشر شده است. سیار با استفاده از کتاب‌های مرجعی که در اختیار داشته، عناوینی را بند به بند یا فصل به فصل اضافه کرده است.

درباره‌ی ترجمه‌های پیروز سیار تا به حال چندین نشست برگزار شده که آخرین آن به همت علی دهباشی و مجله بخارا بوده است.

سیار صحبت‌های خود را با ذکر دوستی و صمیمیت سال‌های دور با آرش آبایی و هارون یشایایی آغاز کرد و در توضیح چشم‌انداز راه دشواری که پیموده، این طور ادامه داد

آرش آبایی که بانی تشکیل این جلسه بود، پیروز سیار را این‌گونه معرفی کرد: او متولد ۱۳۳۹ و فارغ‌التحصیل رشته‌ی کارگردانی سینما از کشور فرانسه است. تازه‌ترین ترجمه‌ی عهد جدید را به فارسی انجام داده و نیمی از عهد عتیق و مجموعه‌ی «کتاب‌های قانونی ثانی» عهد عتیق را به پارسی برگردانده است. سیار که به گفته‌ی خود سال‌ها است، حدود ۲۵ سال، دلمشغول ترجمه‌ی کتاب‌های مذهبی یهودی است، ترجمه‌ی دو کتاب «حکمت سلیمان» و «حکمت بن‌سیرا» را نیز که از کتب عهد عتیق‌اند به صورت مجزا منتشر کرده است.

وی در ادامه‌ی طرح ترجمه‌ی کتاب مقدس، پس از انتشار جلد اول عهد عتیق مشتمل بر کتاب‌های پنجگانه‌ی تورات، به تازگی برگردان جلد دوم عهد عتیق را نیز با عنوان فرعی «کتاب‌های تاریخ» منتشر کرده است. این جلد که ادامه‌ی تورات یا کتاب‌های شریعت است، کتاب‌های یوشع، داوران، روت، اول و دوم سموئیل، اول و دوم پادشاهان، اول و دوم تواریخ، عزرا، نحمیا، طوبیا، یهودیت، استر، اول و دوم مکابیان را در بر می‌گیرد.

قرن‌های چهارم و پنجم میلادی سخنانی نقل شده که دلالت بر آشنایی ایرانیان با متون کتاب مقدس و ترجمه‌ی این اثر به دست آنان دارد. شخصیت اول یوحنا زربین‌دهان (قرن چهارم میلادی) پطریارک قسطنطنیه است که بعدها لقب قدیس گرفت. او در یکی از موعظه‌های خود گفته است که تعالیم مسیح به زبان پارسیان ترجمه شده است. شخصیت دوم نویسنده‌ای به نام تئودورتوس انطاکی، متولد انطاکیه، است که یک سده بعد (در قرن پنجم میلادی) در یکی از کتاب‌های خود اظهار داشته است که پارسیان نوشته‌های رسولان و انجیل‌نگاران را وحی آسمانی می‌دانند، و این اشاره‌ی تلویحی به ترجمه کلام عیسی به زبان فارسی باستان دارد.

در کنار این مستندات، مستشرقان اروپا قرن‌ها بر این عقیده بودند که یهودیانی که پس از دوران اسارت بابل در قرن ششم پیش از میلاد در مناطق مختلف ایران (به گفته‌ی هامان در کتاب استر، در سراسر امپراتوری ایران) باقی ماندند، ترجمه‌ی کهنی از کتاب مقدس عبری به زبان فارسی باستان ترتیب دادند که به دلیل نزدیک بودن به متن‌های اولیه، بعدها برای تثبیت متن کتاب مقدس عبرانی مورد استفاده قرار گرفته است. البته تاکنون سندی که موید این عقیده باشد یافت نشده است.

اما کهن‌ترین نمونه‌های ترجمه‌ی کتاب مقدس به زبان‌های باستانی ایران در کشفیات سده‌ی گذشته به دست آمده است. در اوایل قرن بیستم، یک هیئت کاوشگر آلمانی در نزدیکی تورفان در ترکستان شرقی (سین‌کیانگ فعلی در جمهوری خلق چین)، در ویرانه‌های یک صومعه مسیحیان نسطوری اسنادی را کشف کردند که تحقیقات مربوط به تاریخ ترجمه‌های کهن کتاب مقدس را متحول کرد. در این صومعه سندی دوازده برگه‌ی حاوی ترجمه‌ای بسیار قدیمی از تعدادی از مزامیر به فارسی میانه یا پهلوی به دست آمد. این سند «مزامیر پهلوی» نام گرفت. در صومعه‌ی مزبور علاوه بر ترجمه‌ی پهلوی مزامیر، ترجمه‌ی سُعدی کتاب‌هایی از عهد عتیق و عهد جدید نیز به دست آمد. کشف این اسناد در اوایل قرن بیستم، تاریخ ترجمه‌ی کتاب

(توضیح اینکه در سخنرانی ایشان منظور از کتب مقدس، فصول عهد عتیق و عهد جدید است):

«برای ارائه‌ی ترجمه‌ی درست و دقیقی از کتاب مقدس، سال‌ها در خصوص ترجمه‌های فارسی و خارجی این کتاب تحقیق کرده‌ام، متون را گاه بر اساس چندین منبع کنار هم قرار داده و مطابقت داده‌ام و این جستجو و تفحص گاه مرا به کتابخانه‌های خارج از ایران مانند کتابخانه‌ی واتیکان یا کتابخانه‌ی ملی فرانسه کشانده است، کتابخانه‌هایی که اخذ مجوز ورود به آنها برای تحقیق در باره‌ی نسخه‌های خطی قدیمی کار آسانی نیست. کتابخانه‌ی واتیکان مقررات سختگیرانه‌ای برای صدور مجوز دارد، چون با وارد شدن به این کتابخانه، دستیابی به گنجینه نسخ خطی کهن و ترجمه‌های قدیمی عهد عتیق و عهد جدید و سایر منابع کمیاب یا نایاب میسر می‌شود. مثلاً در این کتابخانه نسخه‌های اصلی تعدادی از نامه‌های شاه عباس و شاه سلطان حسین صفوی به پاپ‌های زمان خودشان نگهداری می‌شود که در صورت اخذ مجوز، می‌توان آنها را بازبینی کرد.»

توضیحات پیروز سیار روشن کرد که همه‌ی امکاناتی که از آنها استفاده کرده به اهتمام شخصی او فراهم شده و برای همراهی با هیچ سازمان دولتی یا غیردولتی وی دست یاری دراز نکرده است.

آنچه در ادامه می‌خوانید، دنباله‌ی صحبت‌های سیار در جمع علاقمندان کلیمی است:

آنچه درباره‌ی تاریخ ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس تا زمان حاضرمی‌شناسیم، از یک سو گزارش‌هایی است که در منابع کهن آمده است و از سوی دیگر نسخه‌های خطی و چاپی قدیمی است که از دوران قدیم باقی مانده و در کتابخانه‌های بزرگ ایران و خارج از ایران نگهداری می‌شود. کهن‌ترین گزارش‌هایی که در آنها به ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس اشاره شده، در آثار آبابی کلیسا آمده است. میراث آبابی کلیسا در کتاب بزرگی مشتمل بر بیش از ۱۶۰ جلد، به اهتمام دانشمند فرانسوی ژاک پل مینی گردآوری شده است. در این کتاب دو جا از قول دو شخصیت مسیحی

کردم که اصل این نسخه‌ها را در کتابخانه‌ی ملی فرانسه مطالعه و بررسی کنم.

حال نکته اینجا است که وکیتی ندانسته کار مهمی انجام داد که نقطه‌ی عطفی در تاریخ ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس به شمار می‌آید و آن الهام فکر ترجمه‌ی کتاب مقدس به زبان و خط فارسی بود. ما کل تاریخ ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس، اعم از عهد عتیق و عهد جدید، را به سه دوره می‌توانیم تقسیم کنیم. نخست ترجمه‌های کهن به زبان‌های باستانی ایران مانند پهلوی و سُعدی، سپس ترجمه‌های فارسی‌یهود و سرانجام از زمان جامباتیستا وکیتی به بعد، ترجمه‌های به زبان و خط فارسی. اینها سه دوره‌ی متمایز از هم هستند. کار وکیتی باعث شد این ایده پا بگیرد که کتاب مقدس به زبان و خط فارسی ترجمه شود. از آن زمان، یعنی از اوایل قرن هفدهم میلادی، وارد عصر این رده از ترجمه‌های کتاب مقدس می‌شویم که در آن هم مبلغان مسیحی و هم کلیمیان فارسی‌زبان نقش مهمی ایفا کردند و ما در واقع دوران ترجمه‌های فارسی‌یهود را پشت سر می‌گذاریم.

مایلم قبل از ادامه صحبت، کمی درباره کتابخانه واتیکان که چند بار به آن اشاره کردم توضیح بدهم. کتابخانه واتیکان شامل دو قسمت است. یکی بخش کتاب‌های چاپی و دیگر بخش نسخه‌های خطی. عمارت قدیمی کتابخانه‌ی واتیکان قدیمی‌ترین کتابخانه باقیمانده‌ی اروپا است. بخش نسخه‌های خطی دارای قرائتخانه‌ی بسیار زیبایی است که سراسر دیوارها و سقف آن مزین به نقاشی‌های قدیمی است و اهل تحقیق به آن نام «معبد» داده‌اند. این کتابخانه مکانی تاریخی محسوب می‌شود که در آن نسخه‌های خطی قدیمی به زبان‌های مختلفی همچون یونانی، لاتینی، عبری، سریانی، آرامی، فارسی و... حفظ شده است. آشنایی به روش کار در این کتابخانه یکی دو روز وقت می‌گیرد. برای بررسی یک نسخه‌ی خطی، اول باید کد نسخه را پیدا کرد. در ورودی بخش نسخه‌های خطی، تالاری وجود دارد که در آن فهرست‌های نسخ خطی بالغ بر حدود هزار جلد نگهداری می‌شود. تصورش را بکنید، حدود

مقدس به زبان‌های باستانی ایران را چند قرن به عقب برد. به دلیل محدودیت وقت جلسه، باید جهشی چند قرن انجام دهیم تا بتوانیم به یکی دیگر از نقاط عطف تاریخ ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس اشاره کنیم.

در اواخر قرن شانزدهم میلادی، محقق و جهانگرد فلورانسی جامباتیستا وکیتی از طرف پاپ زمان خود ماموریت یافت که به ایران سفر کند و نشانه‌هایی از ترجمه‌های کهن کتاب مقدس به زبان فارسی باستان به دست آورد. وکیتی به شهرها و مناطق یهودی‌نشین آن دوران در فارس و همدان سفر کرد. او نشانه‌ای از ترجمه‌های باستانی پیدا نکرد، اما در عوض به خوشه یا خانواده‌ی مهمی از ترجمه‌ها برخورد که امروزه اصطلاحاً «فارسی‌یهود» نامیده می‌شود. مراد ترجمه‌های فارسی عهد عتیق است که به دست یهودیان ایران انجام گرفته و در آنها متن فارسی به خط عبری نوشته شده است. وکیتی این ترجمه‌ها را که حاوی مزامیر و کتاب‌های دیگری از عهد عتیق بود در شهرهای لار و شیراز و همدان یافت و آنها را خریداری کرد. سپس برای آن که این ترجمه‌ها را به خط فارسی بازنویسی کند و آنها را برای فارسی‌زبانان قابل استفاده گرداند، الفبای عبری را فرا گرفت و کاتبی به نام شمس‌الدین خنجی را پیدا کرد که کاتب مهمی بوده و در حال حاضر نسخه‌هایی به خط او در کتابخانه‌های مهم اروپا مانند کتابخانه واتیکان یا کتابخانه ملی فرانسه یا کتابخانه‌ی امبروزیان میلان نگهداری می‌شود. وکیتی در جزیره‌ی هرمز مزامیر را از روی سه نسخه‌ی فارسی‌یهود برای شمس‌الدین خنجی می‌خواند و شمس‌الدین متن را به خط فارسی تحریر می‌کرد. سپس وکیتی به هند رفت و در شهر آگرا تعدادی از کتاب‌های عهد عتیق (کتاب‌های امثال سلیمان، جامعه، غزل غزل‌های سلیمان، استر، روت) را باز از روی ترجمه‌ی فارسی‌یهود برای کاتبی به نام دولتخان طرزی خواند و او آنها را تحریر کرد. این نسخه از لحاظ تذهیب و تزئینات هنری حاشیه‌ی صفحات و بین سطرها چشمگیرتر از سایر نسخه‌ها است و احتمالاً برای اهدا شدن به پاپ یا پادشاه تهیه شده است. خوشبختانه من این امکان را پیدا

آشنا باشد. معادل چنین تحقیقاتی در سایر زبان‌های اروپایی به چشم نمی‌خورد و عالمان فرانسوی قرن بیستم حقیقتاً در این زمینه پیشتاز بوده‌اند.

سال‌ها قبل طی مطالعاتی که در زمینه‌ی کتاب مقدس انجام می‌دادم، به کتاب‌هایی برخورد کردم که در هیچ‌یک از ترجمه‌های فارسی برگردانده نشده بودند و تحت عنوان «کتاب‌های قانونی ثانی» شناخته می‌شدند. مراد کتاب‌هایی است که دارای نسخه‌ی اصلی عبری بوده‌اند، اما با ترجمه‌یونانی خود حفظ شده و به دست ما رسیده‌اند و نسخه‌ی اصلی عبری آنها تا به حال پیدا نشده است. نکته‌ی جالب توجه اینکه موضوع چند عدد از کتاب‌های قانون ثانی به تاریخ قدیم ایران ربط پیدا می‌کند، چون اصولاً بخش‌هایی از تاریخ کهن ایران در کتاب مقدس انعکاس پیدا کرده است و این گزارش‌ها یکی از منابع تاریخ‌نویسان قدیم بوده است. گزارش‌های کتاب مقدس در خصوص تاریخ کهن ایران در آثار مورخان قدیم همچون طبری و مسکویه انعکاس پیدا کرده است و من سال‌ها قبل در مقاله‌ای که در باره‌ی مقبره‌ی استر به زبان فرانسه نوشتم، به پاره‌ای از این اشتراکات اشاره کردم. در کتاب عزرا فرمان‌کورش و داریوش ذکر شده است که بر اساس آن، یهودیان تبعید شده اجازه پیدا می‌کنند به سرزمین خود بازگردند و معبد اورشلیم را بازسازی کنند و ظروف طلا و نقره‌ای که پادشاه بابل نبوکدنصر از معبد اورشلیم ربوده و به بابل آورده بود، به ایشان باز پس داده می‌شود.

در ترجمه‌ی کتاب مقدس برای افزایش دقت کار سعی کرده‌ام برگردان‌های مختلف را با هم مقایسه کنم. زمانی که این کتاب‌ها وارد بازار شدند، به دلیل خاص بودن موضوع آنها، تصور نمی‌کردم مخاطب زیادی داشته باشند، اما خوشبختانه امروز این کتاب‌ها به چاپ‌های مکرر رسیده‌اند و مخاطبان بسیار از طیف‌های مختلف و با علائق متفاوت مشتاق خواندن آن هستند. و نکته‌ی مهمی که مایلیم در پایان اضافه کنم این است که این ترجمه‌ها بدون هیچ‌گونه تغییری در متن، به شکل کامل خود چاپ شده‌اند. ■

هزار جلد فهرست نسخ خطی! نسخه‌های خطی فارسی در پنج جلد از این فهرست‌ها به صورت مستقل یا در کنار نسخه‌های ترکی و عربی ذکر شده‌اند. در کنار اینها، نسخه‌های «ژودئو-پرسان» یا فارسیهود هم رده‌بندی شده‌اند که تنها منحصر به ترجمه‌های متون کتاب مقدس نمی‌شود، بلکه آثار شعرای رباعی‌گوی یا مثنوی‌سرای یهودی ایرانی مانند شاهین را نیز در بر می‌گیرد که تقریباً هم‌دوره‌ی حافظ بوده و اشعار فارسی او به خط عبری تحریر شده است. کتابخانه واتیکان مقررات دقیقی دارد که بر اساس آن، هر محقق که اجازه‌ی ورود و استفاده از منابع آن را پیدا می‌کند، روزانه تنها می‌تواند به پنج نسخه دسترسی پیدا کند، از صبح تا ظهر سه نسخه و از ظهر تا عصر دو نسخه. در نتیجه محقق که در این کتابخانه کار می‌کند، باید با توجه به تعداد روزهایی که در مجوز او ذکر شده است، تعداد نسخه‌هایی را که می‌تواند بررسی کند با توجه به اولویت آنها در نظر بگیرد.

درباره‌ی ترجمه‌های پیروز سیار تا به حال چندین نشست برگزار شده که آخرین آن به همت علی دهباشی و مجله بخارا بوده است

کار بنده در زمینه‌ی ترجمه‌ی کتاب مقدس در چنین بستری انجام گرفته است. این پروژه بیش از ۲۰ سال قبل آغاز شد. البته بخش‌های مختلف عهد جدید و عهد عتیق از مدت‌ها پیش از آن و از دوران نوجوانی همواره از آثار مورد علاقه‌ی من بوده است. اما به دلیل اشکالات و ناهمواری‌هایی که بعضاً در ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس وجود داشت، به تدریج به ترجمه‌های آلمانه‌ی این کتاب به زبان فرانسه روی آوردم و هرچه بیشتر از آنها استفاده کردم. ترجمه‌ی فرانسه‌ی «کتاب مقدس اورشلیم» که ماخذ اصلی کار من بوده است، توسط ۳۳ نفر از بزرگ‌ترین عالمان متون عهد عتیق و عهد جدید به زبان فرانسه برگردانده شده و نیای ترجمه‌ها و تصحیح‌ها و تحسیه‌های مدرن کتاب مقدس است. این تحقیقات نوین در خصوص متون عهدین عمدتاً به زبان فرانسه انجام شده و محقق که قصد پژوهش در این زمینه را داشته باشد، حتماً باید با این زبان

گزارش حضور جامعه ایرانیان کلمی

در مراسم بیست و نهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

مهندس بیژن آصف

نماینده انجمن کلمیان تهران در ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی

اتوبوس برای انجمن آشوریان و یک اتوبوس برای انجمن خلیفه‌گری آرامنه اعزام گردد. ضمناً یکی از روحانیون آرامنه به عنوان نماینده ادیان الهی مراسم دعا در کنار ضریح آن حضرت را عهده‌دار شود.

روز یکشنبه ششم خرداد ماه به نمایندگی انجمن کلمیان تهران در ستاد مرکزی بزرگداشت مراسم بیست و نهمین سالگرد حضرت امام خمینی اطلاع داده شد که ساعت ۶ بعدازظهر دیدار با یادگار حضرت امام، آیت اله حاج سید حسن خمینی در صحن پاپیون حرم مطهر حضرت امام برگزار خواهد شد که در این دیدار از طرف جامعه کلمیان تهران حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح نجف‌آبادی و بیژن آصف حضور داشتند.

آیت اله سید حسن خمینی پس از ورود به پاپیون به حضار خوش‌آمد گفته و سخنانی درخصوص حضرت امام راحل بیان نمود که در مورد فروتنی و خصلت بخشندگی ایشان و مبارزات سیاسی ایشان بود. در پایان سخنان یادگار حضرت امام راحل، سردار موحدی ریاست ستاد مرکزی برگزاری مراسم سالگرد حضرت امام، بیژن آصف را به عنوان نماینده انجمن کلمیان تهران در ستاد مرکزی برگزاری بیست و نهمین سالگرد حضرت امام خمینی معرفی نمود که یادگار حضرت امام با خوشروئی تمام نامبرده را پذیرفته و احوالپرسی و محبت فرمود.

در این دیدار دوستانه آصف از ایشان دعوت کرد که در مراسمی که به منظور بزرگداشت حضرت امام راحل روز سه‌شنبه ۸ خرداد ماه در محل کنیسیای یوسف‌آباد برگزار خواهد شد با حضور خود به جامعه کلمیان افتخار دهد.

پیرو دعوت ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی و نامه‌ی واصله به انجمن کلمیان تهران جهت معرفی یک نفر نماینده برای تشکیل جلسه‌ی کمیته‌ی ادیان الهی برگزاری مراسم بزرگداشت بیست و نهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در جلسه‌ی انجمن کلمیان تهران یهودا آصف (بیژن آصف) به عنوان نماینده‌ی انجمن کلمیان تهران در ستاد مرکزی مراسم بزرگداشت بیست و نهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) انتخاب گردید.

روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۹۷ یهودا آصف (بیژن آصف) در جلسه‌ی ستاد مرکزی در محل ستاد واقع در حرم مطهر حضرت امام (ره) شرکت نمود که در این جلسه ادوین فرهاد نماینده‌ی انجمن آشوریان و خانم خادم نماینده‌ی انجمن زرتشتیان حضور داشتند.

در آغاز جلسه سردار موحدی ریاست ستاد مرکزی مراسم بزرگداشت حضرت امام خمینی (ره) به حاضرین در جلسه خوش‌آمد گفته و سپس در مورد برنامه‌های مراسم بزرگداشت سالگرد بیست و نهمین سال ارتحال حضرت امام بحث و گفتگو به عمل آمد که برنامه‌ها به شرح زیر تعیین و اعلام گردید.

برنامه‌ی ادای احترام ادیان الهی به ساحت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در روز چهارشنبه ۹ خرداد ماه در حرم مطهر و با حضور نمایندگان ادیان الهی در مجلس شورای اسلامی، روسا و اعضاء انجمن‌های مذکور و جمعی از آحاد مردم شریف. در این رابطه مقرر گردید دو اتوبوس برای انجمن کلمیان، یک اتوبوس انجمن زرتشتیان و یک

سخنران پایانی برنامه دکتر زارع بود که مطالبی در مورد ادیان و حمایت ادیان از انقلاب و امام راحل و همراهی با ملت بزرگ ایران برای پیشبرد این کشور سخنانی ایراد نمود.

در پایان برنامه جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار برای روح پرفتوح حضرت امام و ملت ایران و حضار حاضر و میهمانان ارجمند دعا نمودند.

در این مراسم جمعی از خبرنگاران خبرگزاری‌های مختلف حضور داشتند.

برنامه پایانی مراسم بزرگداشت بیست و نهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی مراسم ۱۴ خرداد بود که مقام معظم رهبری در این مراسم روز دوشنبه ۱۴ خرداد ماه ۹۷ ساعت ۶ بعدازظهر وارد صحن مطهر حضرت امام راحل شدند و مطالبی درخصوص حضرت امام و دشمنی آمریکا با انقلاب ایران ایراد نمودند و ساعت ۷/۵ بعدازظهر مراسم پایان یافت.

در مراسم فوق از جامعه‌ی ایرانیان کلیمی حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح ریاست انجمن کلیمیان تهران، مهندس امید محبتی مقدم عضو هیئت مدیره‌ی انجمن کلیمیان و مسئول روابط عمومی انجمن کلیمیان و مهندس شاهین آشوری دبیر انجمن کلیمیان و بیژن آصف عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان، پرویز کهن عضو شورای کنیسی‌ای یوسف‌آباد، سلیمان گبائی‌زاده از کنیسی‌ای یوسف‌آباد، داوید یومطوبیان عضو کمیته املاک انجمن کلیمیان تهران، ابراهیم سعیدیان مسئول کانون فرهنگی و اجتماعی کلیمیان تهران و مردخای شموئیلیان مسئول سایت و امور کامپیوتری انجمن کلیمیان تهران حضور داشتند. ■

طبق سنوات هر ساله روز سه‌شنبه ۸ خرداد ماه مراسمی به مناسبت ۲۹ سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی در محل کنیسی‌ای یوسف‌آباد با حضور سردار موحدی ریاست ستاد مرکزی برگزاری مراسم بزرگداشت سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی، رضایی یزدی جانشین ریاست ستاد مرکزی، خالوئی عضو ستاد مرکزی و دکتر زارع معاون حجت‌السلام یونسی دستیار ریاست جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و دکتر همایون سامه‌یح رئیس انجمن کلیمیان تهران، ادموند معلمی و مهندس امید محبتی مقدم از اعضای محترم هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و دکتر سلیمان کهن صدق نایب رئیس انجمن کلیمیان تهران و جمع کثیری از همکیشان عزیز و امید ماخانی بازرس انجمن کلیمیان تهران ساعت ۹/۳۰ بعدازظهر برگزار گردید.

برنامه با تلاوت آیاتی از تورات مقدس توسط یعقوب دانیال مفرد آغاز گردید. سپس بیژن آصف نماینده‌ی انجمن کلیمیان تهران در ستاد مرکزی بزرگداشت مراسم بیست و نهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی با شعار حضرت امام خمینی مبنی بر: ایران مال همه‌ی ماست، توحید مذهب همه‌ی ماست و ما همه ملت واحد هستیم با ترجمه‌ی عبری آن مراسم را آغاز نموده به حضار حاضر در مراسم خیر مقدم گفته و در ابتدا از دکتر سامه‌یح ریاست هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران برای ایراد سخنرانی دعوت به عمل آورد. دکتر سامه‌یح در سخنانی در مورد انقلاب اسلامی و نظریات حضرت امام درخصوص اقلیت‌های دینی صحبت کرد. سپس از سردار موحدی ریاست ستاد مرکزی برای سخنرانی دعوت به عمل آمد و وی درخصوص حضرت موسی علیه‌السلام و تشابهات اسلام و یهود مطالبی بیان فرمود. سپس جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار ریاست دارالشرع مرکزی کلیمیان ایران نیز مطالبی درخصوص حضرت امام خمینی عنوان نمود. سپس هارون یشایایی پشت تریبون قرار گرفت، مطالبی در مورد ملاقات با حضرت امام خمینی در پاریس بیان نموده و به حمایت‌های جامعه‌ی ایرانیان کلیمی در راهپیمایی‌های سال ۱۳۵۷ و حضرت امام راحل اشاره کرد.



گزارشی از سرای سالمندان یهودی

وابسته به انجمن کلیمیان تهران

فرانک عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه‌نگاری)

موهای سپیدشان را که می‌بینی، قد خمیده و صورت و دست‌های چروکیده‌شان را که می‌بینی، دلت از غم پر می‌شود. بعضی‌هایشان راه رفتن و حرف زدن را مدت‌هاست فراموش کرده‌اند. گویی با زمین و زمان هم قهرند. با نگاهی خالی از زندگی به نقطه‌ای خیره می‌شوند و بعد از مدتی به جایی دیگر. اینجا زمان متوقف شده. بوی پیبری و مواد ضدعفونی کننده از در و دیوار به مشام می‌رسد. اما در بین‌شان هم هستند کسانی که هنوز حواس‌شان به‌جاست و از دیدن برق خوشحالی در چشمان‌شان می‌درخشد. همه روزی پیر خواهند شد اما امیدوارم هیچ پیبری تنها نباشد. انگار منتظرند، منتظر عزیزانشان که گویی آنها را فراموش کرده‌اند. چند قطعه عکس تنها پل ارتباطی آنهاست. این‌هم غنیمتی است...

این‌گونه طبقه‌بندی می‌کند:

۴۵-۵۹: میانسال

۶۰-۷۴: سالمند جوان

۷۵-۹۰: سالمند

۹۰ به بالا: خیلی سالمند

بررسی‌های جمعیتی نشان می‌دهد که جمعیت جهان رو به سالمندی است و روند آن در آینده سریع‌تر از قبل خواهد بود و ایران هم از این قضیه مستثنی نیست، جامعه کوچک ما نیز همین‌طور.

سرای سالمندان یهودی با بیش از ۴۰ سال قدمت دستمایه‌ای شد برای تهیه این گزارش. حدوداً بیست سال پیش نیز از این مجموعه گزارشی تهیه کردم که در شماره ۴ نشریه بینا (سال ۱۳۷۸) به چاپ رسید. اکنون بعد از سال‌ها مجدداً از این مرکز گزارشی تهیه کردم که تقدیم حضور خوانندگان نشریه می‌گردد.

سالمندی بخش پایانی چرخه حیات آدمی است که با توجه به محدودیت قوای جسمانی، بیشتر از سایر بزرگسالان در معرض انواع بیماری‌ها قرار دارند. امروزه با توجه به پیشرفت تکنولوژی و مسائل دیگر جامعه، فضاهای بخصوصی در شهرها به عنوان خانه سالمندان به وجود آمده که تحت نظر ارگان‌های مختلف دولتی و غیردولتی فعالیت می‌کنند.

اما هدف اصلی این مراکز، ایجاد فضایی امن و آرام برای آسایش فعالیت‌های سالمندان است. سالمندی یک جریان طبیعی در زندگی انسان است و خواه ناخواه مرحله جوانی و قدرتمندی می‌گذرد و روزگار پیبری و سالمندی فرا می‌رسد. در این دوره شخص قادر به ادامه زندگی خود به‌طور مستقل نیست و محتاج کمک دیگران می‌باشد. بنابر تعریف سازمان بهداشت جهانی WHO هر فرد بالای ۶۰ سال سالمند تلقی می‌شود، این سازمان میانگین سنی را



تبدیل به این مکان زیبا شد. سرای سالمندان امروز، مدیون زحمات بسیاری از زحمتکشان جامعه است، از جمله شادروان گاد نعیم که تلاش‌ها و از خود گذشتگی او هرگز از یادها نخواهد رفت. منوچهر سرافراز که امروز ریاست سرا را برعهده دارد و از یاران قدیمی گاد نعیم است، در مورد سرا می‌گوید:

ظرفیت سرا در حال حاضر حدود ۸۰ نفر است که ما درحال حاضر ۷۰-۷۵ نفر سالمند داریم که در بین آنها غیر یهودی نیز هست.

حدوداً ۳۵ نفر پرسنل داریم که فقط دو نفر از آنها یهودی هستند و مابقی همه از هموطنان مسلمان ما هستند. این‌جا هیچ‌گونه خط قرمزی برای کسی نداریم، هر سالمندی که شرایط این سرا را داشته باشد پذیرا هستیم. منظورم از شرایط، این است که طبق تعرفه اداره بهداشت و بهزیستی کل کشور و استان عمل می‌کنیم. آزمایش‌های سالمندان را بررسی می‌کنیم. اگر بیماری مسری و خطرناکی مثل سل ریوی، یا زخم بستر پیشرفته نداشته باشند، آنها را می‌پذیریم، چرا که افراد سالمند اینجا از گل نازکتر هستند و مقاومت کمی در مقابل بیماری‌ها دارند و مستعد مبتلا شدن به هر نوع بیماری هستند. پرسنل ما در

سرای سالمندان یهودی در سال ۱۳۴۵ با عنوان «خانه‌ی پیران» و جهت دستگیری از بی‌خانمان‌ها و تنگدستان یهودی آن زمان و اسکان افرادی که از شهرستان‌ها به دنبال کاری به پایتخت می‌آمدند، توسط خیرین بنا نهاده شد.

صغری کاردان(کیوانی) از اولین بنیان‌گذاران این سرا بود که با پشتکار و تلاش فراوان به راه خود ادامه داد. بعد از انقلاب اسلامی نیز انجمن کلیمیان وقت به این سرا کمک فراوانی کرد اما در سال ۱۳۶۵ با تعویض اعضای انجمن و ریاست دکتر منوچهر الیاسی، هیئت امنایی برای رسیدگی به مشکلات سرا انتخاب شد که با همت و پشتکاری مثال زدنی، سرا را از آن وضعیت نابسامان و عجیبی که داشت به محلی امن برای اسکان سالمندان و ناتوانان جامعه کلیمی تبدیل کردند و رفته رفته این مکان آن قدر پیشرفت کرد که امروزه می‌توان گفت در ایران جزو نمونه‌های خوب جهت نگهداری از سالمندان است.

این مکان که امروز به صورت باغی مصفا و سرسبز می‌بینید، بیشتر از اینها بیغوله‌ای بود که جایگاه زباله و کهنه پاره‌هایی بود که با به آتش کشیدن همه این مواد زائد

اینجا بارها توسط شهردار وقت تهران آقای قالیباف، وزیر کار، و شهرداران مختلف مناطق چند گانه تهران بازدید شده که در این رابطه، ما توانسته‌ایم از کمک‌های آنها جهت بهبود وضعیت سرا بهره ببریم.

در مورد هزینه سرا باید بگوییم که اینجا به صورت هیئت امنایی اداره می شود که عبارتند از: منوچهر سرافراز، اسکندر میکائیل، سیامک مره صدق و ارسطو بدیعی. فرید یاشار عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان نیز رابط سرا با انجمن است.

اینجا تعداد ۲۵ نفر سالمند داریم که با کمال تأسف باید بگوییم هیچ خویشاوندی ندارند و هزینه‌ای نیز پرداخت نمی‌کنند اما بقیه افراد ماهیانه هزینه‌ای پرداخت می‌کنند. تعدادی از خیرین نیز هستند که به سرا کمک می‌کنند، بهزیستی نیز به بعضی افراد که شرایط خاصی دارند کمک ناچیزی می‌کند.



اسکندر میکائیل عضو هیئت امنای سرا در پاسخ به لزوم سرای سالمندان در جامعه کلیمی گفت: زندگی امروزه مثل قدیم نیست، خانه‌ها کوچک شده و خیلی از خانواده‌ها شرایط نگهداری از سالمندان را آن هم با وضعیت خاص ندارند. اما نکته‌ای که حائز اهمیت است این که اگر خانواده‌ها، پدر یا مادر خود را به سرا می‌سپارند، حداقل هفته‌ای یکبار به آنها سر بزنند و بچه‌های خود را به دیدن آنها بیاورند.



مرا در سالمندان بستری کردی چه بی رحمی
تو حتی جمعه‌ها یادت نمی آید پدر داری
(حمید رضا عبدلی)

سه شیفت صبح، بعداز ظهر و شب به بهترین نحو از سالمندان مراقبت می‌کنند.

خوشبختانه وضعیت سرا به گونه‌ای است که در کشور درجه یک ممتاز هستیم و در این رابطه، لوح تقدیر و سپاس هم زیاد دریافت کردیم که در اینجا ملاحظه می‌کنید.

برنامه‌های رفاهی، هنری، تغذیه، و استراحت برای سالمندان برقرار است. حتی سالمندانی که قادر به حرکت هستند را به گردش هم می‌بریم. برنامه ورزشی مخصوص نیز داریم. هفته‌ای دو بار سالمندان حمام شده و نظافت در سطح عالی انجام می‌شود. علاوه بر این هفته‌ای سه روز پزشک برای معاینه سالمندان به سرا می‌آید.

از پزشکان هم‌کیش دکترینوئل (داخلی) و دکتر مره صدق (جراح) با سرا همکاری می‌کنند. اینجا داروخانه، اتاق پرستاری، وسایل و لوازم احیا داریم. کمتر جایی این‌همه امکانات دارد. ما حتی یونیت دندانپزشکی داریم و دکتر کهن صدق دندانپزشک، هفته‌ای یکبار برای معاینه سالمندان به اینجا می‌آید. بقیه دوستانی که با ما همکاری می‌کنند همه غیر یهودی هستند. متأسفانه افراد هم‌کیش کمتر با ما همکاری می‌کنند. ما حدود ۱۵۰ متر آشپزخانه داریم. کف حیاط بازسازی و آسفالت شده و برای رفت و آمد سالمندان بسیار مناسب است.



در پایان لازم است از کسانی که قدمی در بهبود این سرا برداشته‌اند نام ببرم و از آنها تشکر کنم. گرچه تعدادی از آنها دیگر در قید حیات نیستند ولی نام نیکشان و کارهای ماندگارشان همیشه در یادها باقی است.

شادروانان: صغری کاردان، گاد نعیم، فرنگیس حصیدیم، اختر شیرازی، سعید آقا بابا، عزت بامله، منزل میراخور، دکتر شفا.

و یاران همراه:

منصور وفامنصوری، فرح داور پناه، خانم برخوردار، فریده سیمانطوب

و در آخر این که سالمندان را فراموش نکنید و گاهی با دیداری دلشان را شاد کنید، چرا که همه‌ی ما روزی سالمند خواهیم شد. ■

سرافراز نیز در این رابطه گفت: البته نگاه‌داری از سالمندی که مشکلات عدیده دارد در خانه امکان پذیر نیست، یقیناً اگر سالمند به این مکان بیاید حتماً عمرش طولانی‌تر خواهد شد و امکانات لازم در اختیار او خواهد گرفت. خانواده‌هایی هستند که متأسفانه بر سر نگاه‌داری از سالمندان با یکدیگر بگو مگو می‌کنند و این در واقع نوعی بی‌احترامی به سالمند است. متأسفانه در اثر همین بگو مگوها کینه‌ها و عداوت‌هایی به وجود می‌آید که به آسانی نیز از بین نمی‌رود، پس چه بهتر که قبل از همه این صحبت‌ها، راه درست را انتخاب کنند.

مشکلی که در سرا داریم این است که افراد معلول با افراد سالمندی که نسبتاً سالم هستند در یک جا نگاه‌داری می‌شوند و این مسئله درست نیست، اما کاری هم نمی‌توانیم انجام دهیم، به جز این که اتاق‌های آنها جداست. ما با ادارات مختلف طرف هستیم و باید جوابگو باشیم، نگاه‌داری پرسنل، نگاه‌داری فضای باغ، مدیریت این سیستم، همه و همه کار سختی است.

از مکان‌هایی که از قدیم در این باغ وجود داشته و همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد، کارگاه مصاپزی (پخت نان فطیر مخصوص عید پسخ) است. این جا یک کنیسا نیز داریم که در مواقع خاص از آن استفاده می‌کنیم و سالمندانی که توانایی دارند برای نماز و عبادت به آن جا می‌آیند.

سرافراز به عنوان سخن پایانی چنین گفت:

در این سرا به روی همه باز است، اگر گذشته‌ی اینجا را با وضعیت امروزی آن مقایسه کنیم، می‌بینیم که تغییرات زیادی صورت گرفته است. من از دست‌اندرکاران اجتماعی می‌خواهم بدون اطلاع قضاوت نکنند، افرادی که اطلاعات و آمار دقیقی ندارند، نمی‌توانند درست اظهار نظر کنند. مسئولیت چنین مکانی بسیار سخت است. متأسفانه جوانان رغبتی به همکاری نشان نمی‌دهند. ما از آنها انتظار داریم که بیایند کار را یاد بگیرند تا ادامه دهنده راه ما باشند، اما حرف‌ها فقط در حد شعار است.

نقش کلیمیان در دوران دفاع مقدس



آردین برفوردراری
فعال اجتماعی



در پنجمین روز از فعالیت غرفه انجمن کلیمیان تهران در محل سالن همایشات ملل سی و یکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران (اردیبهشت ۹۷) همایشی با عنوان نقش کلیمیان در دوران دفاع مقدس برگزار شد. سخنرانان این برنامه که با استقبال خوبی از جانب هموطنانمان همراه بود؛ دکتر سیامک مره صدق نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی، حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار رهبر دینی کلیمیان ایران و هارون یشایایی چهره ماندگار کلیمی بودند.

در ابتدای این همایش هارون یشایایی به حضور و فعالیت کلیمیان ایران در دوران دفاع مقدس پرداخت. وی با اشاره به اینکه بیشترین کمک مالی که برای جبهه فرستاده شد از طرف

این بیمارستان تعداد زیادی پزشک و یک دستگاه اورژانس به محل جنگ اعزام کرده بود. وی با اشاره به اینکه جامعه‌ی کلیمی ایران شهیدان، جانبازان و اسرای بسیاری به نسبت جمعیت خود از دوران دفاع مقدس به یادگار دارد به صحبت‌های خود خاتمه داد.

در ادامه حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار (رهبر مذهبی کلیمیان ایران) به ایراد سخنرانی پرداخت و عنوان کردند کمک‌های خیرخواهانه و تعداد شهدای جامعه کلیمی در دوران جنگ تحمیلی نشان دهنده‌ی آن است که جامعه‌ی یهودی با افتخار برای سربلندی و دفاع از سرزمین خود ایران قدم برداشت و این نشان دهنده‌ی باور فرهنگی و دینی کلیمیان ایران است و وظیفه‌ی شرعی خود می‌دانیم که در سرزمینی که در آن متولد شده‌ایم و رشد پیدا کردیم نسبت به آن بی تفاوت نباشیم.

جامعه کلیمی و به همت انجمن کلیمیان وقت بود به نحوه جمع‌آوری این کمک‌ها پرداخته و عنوان کرد: با پخش بن‌هایی در زمان دفاع مقدس از طرف انجمن کلیمیان وقت در میان جامعه ایرانیان کلیمی که با استقبال خوبی همراه بود مبلغ بسیاری جمع‌آوری شد که حاصل آن تعداد بسیاری کانکس، حمام صحرائی، ماشین آلات عمرانی و البسه و... بود. این کمک‌ها در آن زمان از مقابل کنیسای ابریشمی با حمایت و حضور مسئولین جامعه کلیمی و رهبر مذهبی وقت جناب حاخام اوریل داویدی توسط چندین کامیون و تریلی به سمت جبهه روانه شد که بسیار مورد توجه مسئولین جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

او در ادامه به فعالیت بیمارستان خیریه‌ی کلیمیان (دکتر سپیر) در زمان جنگ پرداخت و عنوان کرد بسیاری از مجروحین جنگی در این بیمارستان مداوا شدند و همچنین

نقش تاثیرگذار بیمارستان خیریه دکتر سپهر در درمان مجروحان پرداخت.

مره صدق در پایان ذکر کرد: آمیخته شدن خون جوانان یهودی، مسلمان، زرتشتی و مسیحی در جبهه جنگ باعث شد درخت ملیت و فرهنگ ایرانی که ریشه در توحید دارد پر بارتر شود و این اتحاد در زمانی که تازه انقلاب پشت سر گذاشته شده بود و ارتش نظام لازم را نداشت و سپاه تازه آغاز به کار کرده بود نتیجه شد تا هیچ احدی که دارای عقل باشد جرئت تجاوز به خاک ایران را نداشته باشد و این بزرگترین دستاورد هشت سال دفاع مقدس بود. همه‌ی ما فرزندان ایران هستیم و فرقی نمی‌کند ما یهودی، مسلمان، مسیحی و زرتشتی باشیم و همه ما به سه اصل توحید، معاد و نبوت اعتقاد داریم و همه ما حاضریم که همان طور که در بخشی از نمازمان «سَمِعَ اِيسْرَائِيلَ» می‌خوانیم با مال‌مان و با تمامی جانمان از ارزش‌های این کشور دفاع کنیم.

پس از آن سخنرانان برنامه به تقدیر از مسئولین و برگزار کنندگان غرفه انجمن کلیمیان تهران در سی و یکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب پرداختند و ضمن آرزوی توانمندی و پشتکار، حمایت بیش از پیش مسئولین برگزاری را خواستار شدند.

آخرین سخنران برنامه دکتر نوعی ریاست بخش ملل نمایشگاه بین‌المللی کتاب بود که در سخنان خود از حضور و همکاری با غرفه انجمن کلیمیان تهران اظهار خرسندی کرد. در پایان برنامه تعدادی از عکس‌های حضور جامعه کلیمیان ایران در دوران دفاع مقدس پخش شد.



جلسه انجمن کلیمیان تهران جهت برنامه ریزی و جمع‌آوری کمک‌های جامعه کلیمی برای جبهه به هنگام جنگ

وی در پایان با اشاره به دوران جنگ تحمیلی، ایران را سرزمین تسامح و زندگی مسالمت‌آمیز و احترام به ادیان مختلف خطاب کرد.

در ادامه دکتر سیامک مره‌صدق (نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی) به ایراد سخنرانی پرداخته و عنوان کرد واکنش ملت ایران و جامعه کلیمی در دوران دفاع مقدس را به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ اول واکنش شرکت مستقیم در دفاع و حضور در خط مقدم و دوم واکنش دفاع در شهرها و پشت جبهه‌ها که هر دوی این‌ها به اندازه خود قابل اهمیت است. در خط مقدم جبهه و در گردان‌های مختلف جوانان داوطلب و سرباز بسیاری از جانب جامعه کلیمی حضور داشتند که می‌توان به حضور مهندس یعقوب زاده در گردان تخریب و مهندس فرنوش در گردان مخابرات اشاره نمود. حضور فعال و پر رنگ جامعه کلیمی در دوران جنگ اثبات کرد که همواره برای دفاع از ارزش‌ها ما حاضریم از جان خود نیز بگذریم. در ادامه دکتر مره صدق از فعالیت‌های موثر موسیو حبیب، نماینده کلیمیان در مجلس شورای ملی در دوران رضا شاه برای فراهم‌سازی شرکت جوانان کلیمی در خدمت سربازی و آمادگی برای دفاع از کشور یاد کرد. وی بیان کرد که بالاترین نسبت شهیدان را در دوران جنگ تحمیلی جامعه کلیمی به خود اختصاص داده است و به نحوه‌ی شهادت یکی از شهدای کرمانشاه که با از جان گذشتگی تمام بود پرداخت.

نماینده ایرانیان کلیمی با اشاره به این که در دوران دفاع مقدس برگزاری مراسم تفیلا و دعاخوانی در کنیسه‌ها

و کمک‌های مالی خیرخواهانه از جانب جامعه کلیمی برای رزمندگان نشان دهنده این بوده است که آن دسته از افراد جامعه که توانمندی حضور فیزیکی نداشتند حضور معنوی و قلبی آن‌ها در دوران جنگ ظاهر بوده است و به حضور بی‌دریغ پزشکان جامعه کلیمی بالاخص زنده یاد دکتر محبر و



گردهمایی مسئولین جامعه کلیمی و مسئولین ارشد جمهوری اسلامی ایران با حضور جناب حاخام اوریل داویدی رهبر مذهبی وقت کلیمیان ایران برای جمع آوری کمک های مردمی جامعه کلیمی در کنیسیای ابریشمی



بن های مردمی جامعه کلیمی جهت کمک به جبهه های جنگ تحمیلی



کمک های مردمی جامعه کلیمیان ایران مقابل کنیسیای ابریشمی جهت ارسال به جبهه جنگ



تظاهرات کلیمیان به هنگام جنگ تحمیلی



خانواده شهیدای کلیمی بر سر مزار

سپنتا نیکنام

حضور یک اقلیت مذهبی در شورای شهر یزد

مرحمان یشایایی

(روزنامه‌نگار)



بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات شوراهای شهر و روستا، ابلاغیه‌ای را برای جلوگیری از تأیید صلاحیت نامزدهای اقلیت‌های مذهبی در انتخابات شوراهای منتشر کرد. در این ابلاغیه تأکید شده بود: «با عنایت به اطلاعات واصله از برخی مناطق کشور که اکثریت مردم آنها مسلمان و پیرو مذهب رسمی کشور هستند و افراد غیر مسلمان در این مناطق خود را داوطلب عضویت در شوراهای اسلامی شهر و روستا کرده‌اند و با توجه به این که تصمیمات شوراهای در خصوص مسلمین بدون لزوم رسیدگی آن در شورای نگهبان لازم‌الاتباع خواهد بود، تبصره ۱ ماده ۲۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ نسبت به چنین مناطقی با نص فرمایشات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی علیه‌الرحمه مغایر است و لذا خلاف موازین شرع شناخته شد.» ابلاغیه‌ای که موارد نقض زیادی داشت و خیلی زود به‌جز فضای شبکه‌های اجتماعی و اعتراضات مردمی، در میان نمایندگان مجلس و مسئولان دولتی با مخالفت‌های زیادی مواجه شد و در صدر این مخالفت‌ها، علی

ماجرای سپنتا نیکنام که ابتدا موردی نه‌چندان مهم دانسته می‌شد، به چالشی برای اصول‌گرایانی تبدیل شد که حضور یک اقلیت مذهبی را که در یکی از مذهبی‌ترین شهرهای ایران یعنی یزد به عنوان نماینده شورای شهر انتخاب شده بود، برنتافتند و به هر وسیله‌ای تلاش کردند او را از نشستن بر این کرسی بازدارند. گزارشی که در ادامه می‌آید، شرحی بر این ماجرای طولانی است که بالاترین مراجع سیاست‌گذاری کشور را درگیر خود کرد و موج رسانه‌ای فراوانی به راه انداخت. هرچند این قصه پایان خوشی داشت و نماینده مردم به جای خود بازگشت، اما نمی‌توان گفت تاکنون در چند مورد، اقلیت‌های مذهبی به دلیل اقلیت بودن و با وجود همه شایستگی‌های خود از پیشرفت در مسیری که شایسته‌اش بوده‌اند، بازمانده‌اند.

سپنتا نیکنام که پیش از این و در دوره چهارم شورای شهر نیز منتخب و مورد اعتماد مردم شهر یزد بوده است، از مدت‌ها قبل از انتخابات دوره پنجم با حواشی‌ای برای حضور در این انتخابات روبه‌رو بود اما صلاحیت او با وجود نامه دبیر شورای نگهبان برای عدم حضور اقلیت مذهبی در انتخابات شورای شهر یزد تأیید شد و مردم شهر یزد هم دوباره او را انتخاب کردند. این روند اعمال قدرت از بالا ادامه پیدا کرد و فشارها به دیوان عدالت اداری رسید و این مرجع چند ماه پس از انتخابات و در تاریخ ۱۳ شهریورماه ۱۳۹۶ در پی شکایت یکی از رقبای ناکام انتخاباتی سپنتا نیکنام در شعبه ۴۵ دیوان عدالت اداری حکمی را مبنی بر توقف موقت و جلوگیری از فعالیت این عضو زرتشتی شورای شهر یزد صادر کرد. فروردین‌ماه سال جاری آیت‌الله جنتی به‌عنوان مرجع بالاسری همه انتخابات‌ها، در جریان

با عنوان «اقلیت» کنار بگذاریم. ضمن این که نمایندگان شورای شهر یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی، چه اقلیت مذهبی، چه دارای مذهب رسمی ایران، وقتی رأی مردم را دارند و انتخاب می‌شوند، دیگر نماینده همه مردم شهر و نماینده همه مردم ایران هستند و دیگر اقلیت معنی پیدا نمی‌کند. کش‌وقوس‌ها درباره این موضوع در شرایطی است که همین چند روز قبل مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه مولوی عبدالحمید، امام‌جمعه اهل سنت زاهدان، تأکید کرده بودند: «همه ارکان موظفاند بر اساس معارف دینی و قانون اساسی هیچ‌گونه تبعیض و نابرابری بین ایرانیان از هر قوم و نژاد و مذهبی روا ندارند.» با این اوصاف چگونه است که چنین چالش پرریشه‌ای که چند دهه حل نشده باقی مانده، هر از چندگاهی تکرار می‌شود و فضای جامعه را بهم می‌ریزد؟ حضور اقلیت‌ها در موقعیت‌های مختلف جامعه ما اتفاق جدیدی نیست و همواره حضورشان ملموس بوده است اما گویا استقبالی که در این دوره شوراها از سوی اقلیت‌ها رخ داده، دوباره این دلواپسی‌های حل‌نشده را پررنگ کرده است. به هر روی یک عضو سابق شورای شهر یزد بدون فهرست و جریان سیاسی و تنها با تأیید و انتخاب مردم با رویکردی مستقل وارد انتخابات شورای پنجم شهر یزد می‌شود و مردم او را دوباره انتخاب می‌کنند. باید گفت اگر برای مسئولان ملاک‌هایی مانند اقلیت‌بودن یا نبودن یا تابعیت اولویت است، برای مردم، با مردم و برای مردم‌بودن اهمیت دارد و حالا سپنتا نیکنام با رأی قاطعی که همه مردم شهر یزد، اعم از زرتشتی و غیر زرتشتی به او داده‌اند، نماینده آنها در شورای شهر یزد است.

سرانجام مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۲۰ تیرماه ۱۳۹۷ تصویب کرد که قانون شوراها ۱۳۷۵ احیا و با شمول این قانون و تبصره آن، اقلیت‌ها می‌توانند در انتخابات شوراها شرکت کنند و سپنتا نیکنام منتخب زرتشتی شورای شهر یزد به عضویت شورا درآمد. ■

لاریجانی، رئیس قوه مقننه، بود. او با فاصله کمی ابلاغیه آیت‌الله جنتی درباره رد صلاحیت اقلیت‌های دینی در انتخابات شوراها را رد کرد و مستقیماً به هیات نظارت بر انتخابات شوراها دستور داد قانون در مورد حضور پیروان ادیان الهی در انتخابات شوراها رعایت شود و تغییری در آن صورت نگیرد.

سپنتا نیکنام که به طور مشخص تنها فرد مورد خطاب این ابلاغیه در آن زمان بود، در انتخابات شرکت کرد و با نزدیک به ۲۲ هزار رأی، نفر هفتم منتخب مردم یزد شد اما این روند مخالفت‌وار ادامه پیدا کرد و شکایت یک رقیب انتخاباتی که اتفاقاً در پاسخ استعلامات و شکایت‌هایش از استانداری نتیجه‌ای دریافت نکرده است، از دیوان عدالت اداری سردر می‌آورد و منجر به حکم توقف موقت و جلوگیری از فعالیت این عضو زرتشتی شورای شهر یزد می‌شود. اسفندیار اختیاری، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی در واکنش به این حکم دیوان عدالت اداری درباره سپنتا نیکنام، در مصاحبه‌ای این حکم را بدعتی خواند که اگر دائمی شود می‌تواند تمام انتخابات آینده را تحت تأثیر قرار دهد. در عین حال مسئولان دولتی شهر یزد هم موضوع را پیگیری کردند و اعلام شد این حکم قطعی نیست و استانداری از رأی مردم صیانت می‌کند و پاسخ حقوقی مستدلی تهیه و به دیوان عدالت اداری ارسال شده است. در نهایت نیز کمیته سه‌نفره حقوقی هیات نظارت بر انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا در استان یزد تشکیل جلسه داد و یک‌بار دیگر صلاحیت سپنتا نیکنام را اعلام کرد. علی‌افخمی‌فتح‌آباد، دبیر اجرائی هیات عالی نظارت بر انتخابات، گفت: ما از عملکرد خود و رأی مردم دفاع می‌کنیم و دفاعیات خود را هم به طور جدی ارائه خواهیم کرد اما به نظر می‌رسد با مسئله حقوقی بالادستی مواجه هستیم که چندان به اقدامات ما در این سطح مربوط نیست و باید از بالا حل شود. اگر این اتفاق در شهری غیر از شهر یزد رخ می‌داد هم نباید در اولویت و ارجحیت رأی مردم و انتخاب آنها شکی آورد اما حالا که در مورد شهر یزد با پیشینه کهن آن صحبت می‌کنیم، چطور می‌توانیم جمعیت محترم و قابل‌تأمل زرتشتیان این شهر را نادیده بگیریم و آنها را تنها

منبع

۱- فرارو

۲- آفتاب‌نیوز

طلاق در آیین یهود

نسترن جاذب

متأسفانه آمار طلاق در جامعه کلیمیان ایران، در یکی دو دهه اخیر رو به افزایش نهاده است. اگر چه طلاق می‌تواند آخرین گزینه برای پایان دادن به یک زندگی مشترک باشد، اما آگاهی از چگونگی آن طبق شرع یهود، لازمی هر زوجی است که چاره دیگری جز جدایی ندارند. این مقاله چگونگی وضعیت طلاق را طبق آیین یهود بررسی می‌کند.



اختیاری است و آن زمانی است که مرد (یا طبق هلاخای متأخر، هر دو طرف) به جدایی رضایت دهد، که در این صورت نیازی به ارائه ادله نیست. اما مواردی نیز هست که طلاق اجباری است و مرد مکلف است که زنش را طلاق دهد؛ اگر برای فرد روشن شود که همسرش مرتکب زنا شده است یا اگر زن درخواست طلاق کند، به این دلیل که مرد از لحاظ جنسی ناتوان است یا عیبی دارد که زندگی زناشویی را غیرقابل تحمل کرده است، یا در صورتی که مرد، زن را به انجام کاری وادارد که مکلف به اجرای آن نیست (مانند انتقال زن به یک مکان جدید که با منزل زمان اول ازدواجشان تفاوت زیادی دارد). مباحث مربوط به دلایل طلاق در تلمود، با طرح این که مرد می‌تواند به خاطر جزئی‌ترین دلایل زن خود را طلاق دهد، به شکلی شگفت‌انگیز خاتمه می‌یابد (رینوگرشوم نهایتاً در قرن ۱۱ میلادی این اجماع نظر، یا هلاخا، را محقق ساخت، که مرد

تنها لازمی طلاق در قانون یهود، توافق متقابل میان دو طرف، و تسلیم گِط، یعنی طلاق‌نامه، از سوی شوهر به زن است. اتخاذ این روش برای طلاق، به یک دلیل فنی حقوقی است، زیرا در ابتدای کار، عقدنامه را شوهر به زن می‌دهد. زن هیچ وعده‌ی قراردادی به شوهرش نمی‌دهد (مگر تلویحاً، آن هم با قبول عقدنامه از شوهر). از آنجا که همه‌ی وعده‌ها از سوی شوهر به زن داده می‌شود، فسخ قرارداد مستلزم آن است که شوهر خود وعده‌هایی را که ابتدائاً داده، فسخ نماید. این روش، در گذشته، موجب مسائل بسیاری بوده است؛ مثلاً، هنگامی که مرد نمی‌خواهد طلاق‌نامه را ارائه دهد و یا نتوان شوهر را پیدا کرد. در گذشته، هنگامی که محاکم درمی‌یافتند که درخواست زن برای طلاق معقول است، شوهر را به زندان می‌انداختند، تا او را مجبور به طلاق همسرش بنمایند. تلاش زیادی که برای حفظ ازدواج انجام می‌گیرد، عجیب نیست. در ابتدا، می‌کوشند با توصیه به زوجین، تداوم ازدواج حفظ شود. اگر چه طلاق آسان است، ولی هیچگاه عملی مطلوب نبوده است. معمولاً جامعه یهود مایل است از وضعیتی که دو نفر بگویند طلاق می‌خواهند پرهیز شود، ولی هیچکس با آنها محاجه (بحث و دشمنی) نمی‌کند.

دلایل طلاق در تلمود

در مورد طلاق، با شگفتی باید گفت که گرچه این اقدام، به لحاظ اخلاقی ناپسند است، هلاخای رسمی، آن را با سهولتی نسبی، مجاز می‌شمرد. در مواردی، جدایی

می‌شود، و نکته اصلی آن این جمله است، «بدان که مجازی با هر مردی ازدواج کنی». در سندهای کامل نام زن و شوهر، محل اقامت آنان، و تاریخ طلاق نیز در کنار صیغه طلاق، که در اینجا طولانی‌تر و لذا بدون ابهام است، آورده می‌شود. سند یاد شده به وسیله دو شاهد امضا می‌شود.

مشکلات درباره گط

هر فردی می‌تواند شخصاً، گط را بنویسد و یا نگارش آن را به یک کاتب محول کند. از زمان‌های قدیم، توجه دقیقی به عبارت‌پردازی گط مبذول شده است و چون این سند، زن را از تمام تعهدات زناشویی آزاد می‌کند، در مواردی که اشتباه مهمی رخ دهد، اعتبار هلاخیی آن از بین می‌رود. بارها شده است که مردها برای آن که ددرسهای شرعی ایجاد کنند، از روی سوءنیت، طلاق نامه‌هایی به همسرانشان داده‌اند که به طور غیرقانونی نوشته شده‌اند. این قضیه به صدور حکمی از طرف حاخام‌ها منتهی شده است که می‌گوید: «مردی که با ماهیت قوانین طلاق و ازدواج آشنایی ندارد، نباید آن را انجام دهد». بر اساس این حکم، دستورعملی فراگیر در اکثر جوامع یهودی صادر شد که گط باید تنها از سوی دادگاه صادر شود؛ و این باعث شد که سندهای تنظیمی روشن و خالی از ابهام شوند. حتی ساده‌ترین شکل طلاق نامه، چه بسا مشکلاتی نظیر مسئله تلفظ دقیق اسامی طرفین یا تعیین دقیق محل را پدید می‌آورد. به هر حال در تهیه گط باید موشکافی بسیار زیادی اعمال گردد تا اطمینان حاصل شود که خطایی فنی در بین نیست، در نتیجه زنی که اجازه ازدواج مجدد می‌گیرد حتماً باید به درستی طلاق داده شده باشد. از آنجا که حروف‌نویسی درست کلمات اسپانیایی، لهستانی، آلمانی، ترکی، انگلیسی و جز آن به صورت حروف و علائم عبری، برای این کار ضروری است، در آثار استفتایی موجود در این باب، بخش بیش از اندازه بزرگی را به هجی کردن صحیح نام‌های اشخاص، جاه‌ها، رودخانه‌ها، شهرها و مانند آن اختصاص داده‌اند. به علت آن که برای جزئیات موجود در تشریفات طلاق احتیاج به تخصصی فنی است تلمود هشدار می‌دهد که: «هر کس از خصوصیت آداب طلاق اطلاعی

نمی‌تواند، به رغم تمایل همسرش، او را طلاق دهد). اتخاذ این روش، نه برای تعمیم طلاق، که برای آسان‌تر ساختن طلاق در موارد لزوم بود، تا طرف‌های درگیر مجبور نباشند برای توجیه ناسازگاری خود مشکلاتی را تحمل کنند. بنابراین، تفسیر نظر تلمود در جهت تعمیم طلاق نادرست است. در واقع تلمود مقرر می‌دارد که «مرد نباید با این تحفظ ذهنی که به هر حال می‌تواند زن خود را طلاق دهد، با او ازدواج کند. تلمود مؤکداً می‌گوید «قطرات اشک برای هر کس که زن اول خود را طلاق دهد، بر مذبخ خدا فرو می‌بارد».

نحوه و شکل طلاق در یهودیت

شکلی که طلاق در یهودیت به خود گرفته است الگوبرداری شده از پیشینه‌ای است که در کتاب مقدس عبری آمده است: «اگر مردی زنی گرفت، و با او ازدواج کرد، و سپس اگر زن به دلیل آن که مرد در وی چیزی ناشایست یافته است در چشم او التفاتی نیافت، مرد نامه طلاقی باید بنویسد، و آن را به دست زن دهد، و او را از خانه خود روانه کند». در اینجا طلاق حق انحصاری شوهر است، و به صورت سندی که معروف به گط است و باید توسط مرد به زن داده شود انجام می‌گیرد. در عمل، طلاق زمانی واقع می‌شود که شوهر یک گط به همسرش تسلیم کند. گط یک اصطلاح می‌شنایی برای چیزی است که تورات آن را سفر کریتوت (طلاق نامه) می‌نامد، که اساساً یک یادداشت مکتوب است.

محتویات طلاق نامه یا گط

گط علاوه بر تاریخ و محل طلاق، دربردارنده این بیانیه است که فلان مرد به موجب این سند همسرش را طلاق می‌دهد و آن زن از هم اینک مجاز است مجدداً ازدواج کند. گط مانند کتوبا (عقدنامه) به زبان آرامی نوشته می‌شود؛ چرا که آرامی زبان رایج دوره معبد دوم و پس از آن بود. این نوع اسناد بدون هیچ دلیل هلاخیی معتبری، به طور سنتی به زبان آرامی نوشته می‌شوند. گط سنتی توسط کاتبانی متخصص، و مخصوص زن و شوهر مورد نظر نوشته

ندارد... نباید با آنها سر و کار داشته باشد».

ممنوعیت ایجاد شروط در گط

یکی از اصول مهم مربوط به طلاق این است که طلاق جدایی کامل میان زن و شوهر ایجاد می‌کند و بر این اساس، قرار دادن هر نوع شرطی در گط، که زن را به هر شکلی نسبت به شوهر قبلی‌اش متعهد سازد، ممنوع است. (مثلا مرد نمی‌تواند در گط شرط کند که زنش حق ازدواج با فلان مرد را نداشته باشد). زمان نیز ممکن است مشکل‌آفرین باشد؛ به ویژه در جایی که مرد تصمیم می‌گیرد به زنش، «گط عل تنای» (طلاق نامه مشروط) تسلیم کند. نمونه‌ای از این حکم (که به آغاز دوره معبد اول برمی‌گردد) آن جاست که سربازی قبل از عزیمت به جبهه‌های جنگ، برای پیش‌گیری از مشکلات شخصی و قانونی ناشی از احتمال مفقودالثر شدنش، به همسر خود، «گط عل تنای» می‌دهد. در این گونه موارد، عبارت‌پردازی باید بسیار دقیق باشد تا هم ضمانت اجرای قانونی برای گط باشد و هم از بهره‌برداری ناصواب یکی از طرفین از سند، جلوگیری کند.

دادن گط با «اختیار کامل»

سند طلاق باید با اختیار کامل شوهر ارائه شود اما رسم بر آن بوده که لااقل زن وظیفه نداشته است که آن را بپذیرد، نیز زن نمی‌توانسته است شوهرش را طلاق دهد. در قرن‌های دهم یا یازدهم رهبران جوامع یهودی آلمان شوهران را منع کردند که زنانشان را بدون خواست آنان طلاق دهند، و از آن زمان به بعد این امر در میان جامعه یهود اشکنازی تبدیل به عرف مقبول آنان شده است. این حکم منع منسوب به ربی گرشوم بن یهودا، سرشناس‌ترین حکیم آن دوران است، و یکی از عواملی است که در احکام سلبی ربنو گرشوم مطرح بود، زیرا آنان که آن حکم را نادیده گرفته بودند به حرم، (طرد و تکفیر) تهدید می‌شدند. اگرچه حکم مذکور همه یهودیان را نیز به یکسان در بر می‌گیرد، اما بین یهودیان سفارادی در این مورد، اتفاق نظر وجود ندارد. اگر رضایتی دوطرفه از سوی زن و شوهر نسبت به طلاق وجود نداشته باشد یک طرف دعوا می‌تواند به بت دین، یعنی دادگاه شرع یهودی، متوسل شود تا طرف دیگر

را وا دارد که در جریان امور مربوط به دادگاه شرکت کند. دلایلی که بر اساس آنها زن می‌تواند خواهان طلاق شود عبارت‌اند از: عهدشکنی شوهر، عقیم بودن او، ناتوانی از برقراری رابطه جنسی، منع زن از استقلال اقتصادی، رفتار ظالمانه، بی‌دینی و مانند اینها. اگر بت‌دین به نفع زن حکم کند آن گاه شوهر را مجبور می‌کنند که با طلاق موافقت کند.

امروزه اکثر مراجع یهودی قدرتی ندارند که شوهر را مجبور کنند تا حکم بت دین را زیر پا نگذارد، حداکثر می‌توانند او را متقاعد کنند و یا آن که از تضمین‌های اجتماعی و اقتصادی بهره‌گیرند. گاه می‌شود که زنی فقیر باید مقدار زیادی پول به شوهرش دهد تا وی با دادن گط او را رها کند. گاه نیز زن از پذیرفتن طلاق از همسرش ابا می‌کند. در این صورت اگر مرد از یهودیان اشکنازی باشد نخواهد توانست دوباره ازدواج کند، زیرا مطابق رسم منسوب به ربی گرشوم و پیروان وی، چندهمسری نیز ممنوع است، و تنها در صورتی که شوهر بتواند موافقت یکصد حاخام را جلب کند، ازدواج مجدد، بدون طلاق همسر اول ممکن می‌شود. در جایی که همسر مرد به لحاظ ذهنی دچار آشفتگی است و در نتیجه فرض بر آن است که اختیاری از خود ندارد که گط را از شوهر بپذیرد از روش اخیرالذکر استفاده می‌شود. یهودیان سفارادی که به لحاظ هلاخایی می‌توانند چند زن اختیار کنند برای گرفتن زن دوم احتیاج به گرفتن موافقت از صد حاخام ندارند، زیرا حق دارند که خود ابتدائاً همسران خود را طلاق گویند و یا اگر در پیمان اولی ازدواج آنها عبارتی حاکی از مخالفت با چند همسری نیامده باشد به راحتی زنی نیز بگیرند.

همسر عگونا

مشکل‌آفرین‌ترین وضعیت آنگاه است که شوهر ناپدید شود و هیچ‌گونه نشانی نیز از مردن او در دست نباشد. همسر چنین مردی عگونا خوانده می‌شود که به معنای زن «در زنجیر» است، چرا که تا سرنخی از وضعیت او به دست نیاید همچنان شوهردار محسوب خواهد شد. اگرچه مراجع هلاخایی نبوغ بسیاری خرج می‌کنند تا عگونا را برهاند و امکان ازدواج مجدد را برای وی فراهم آورند اما در جایی

بحران جامعه یهود در موضوع طلاق

بحرانی که جامعه یهود در موضوع طلاق با آن روبروست، آن است که در اکثر کشورها دادگاه‌ها، حتی در صورت موافقت با طلاق مدنی، نمی‌توانند یا نمی‌خواهند شوهر را به تأمین طلاق دینی همسرش مجبور سازند. جامعه یهودیان مترقی مقرر داشته که در این گونه موارد، دادگاه حاخامی حق انحلال نکاح و اعلام طلاق را دارد. در حال حاضر جامعه یهودیان سنتی مشغول بررسی امکان مشروط ساختن طلاق مدنی به اعلام طلاق دینی به دادگاه‌های مدنی است. در حال حاضر، این روش در ایالت نیویورک اجرا می‌شود؛ هدف از این تلاش آن است که نگذارند مرد قبل از موافقت با طلاق دینی همسر خود، طلاق مدنی را به دست آورد. در قانون یهود، هنوز امکان دارد که یک مرد چند همسر داشته باشد، اما برای زن ممکن نیست که چند شوهر داشته باشد. در جامعه یهود، اگر مرد گِط (طلاق نامه) را ارائه نماید، زن نمی‌تواند مجدداً در جامعه یهود ازدواج کند، ولی ازدواج مجدد شوهر مانعی ندارد. بیشتر حاخام‌ها، چنین رفتاری را از قبل مردان تأیید نمی‌کنند، و از انجام مراسم ازدواج آنان امتناع می‌ورزند؛ در واقع، شوهران برای ازدواج مجدد نیازی به خاخام ندارند. حتی اگر مرد احساس کند که به علت این مخالفت محدود شده، می‌تواند تا زمانی که برای او - و نه برای همسرش - مناسب است صبر کند و سپس گِط را ارائه نماید. موضوع طلاق یکی از مناقشه‌انگیزترین دغدغه‌های جاری در دستور کار جامعه یهود، و یکی از بهترین نمونه‌های مشکلات ناشی از عدم کنترل بر اجرای قانون از سوی یهودیان است.

منابع

- ۱- اخلاق در شش دین جهان، بخش هندوئیسم، نوشته ورنر منسکی، ترجمه محمد حسین وقار، انتشارات اطلاعات، ص ۲۸۰-۲۸۲
- ۲- سیری در تلمود، نویسنده: آدین اشتاین سالتر، مترجم: باقر طالبی دارابی، ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، تاریخ نشر: ۱۳۸۳
- ۳- باورها و آیین‌های یهودی، نویسنده: آلن آترمن، مترجم: رضا فرزین، ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، تاریخ نشر: ۱۳۸۵، ص ۲۴۳

که مبنایی برای فرض اینکه شوهر مرده است در کار نیست بیش از این نمی‌توان کاری برای زن انجام داد. شوهری که همسرش ناپدید می‌شود می‌تواند از «هیتِر» استفاده کند، که به معنای «جواز» است و از یکصد حاخام اخذ می‌شود، زیرا ممنوعیت او در امر ازدواج مجدد از امور صرفاً حاخامی است، البته فقط یهودیان اشکنازی چنین قاعده‌ای دارند. معنی که درباره ازدواج مجدد زن‌ها در چنین موقعیت‌هایی وجود دارد از قوانین کتاب مقدس محسوب است.

جدال میان یهودیت راست‌کیش و یهودیان مترقی نابرابری در وضعیت مردان و زنان از جهت طلاق سنتی یکی از عمده‌ترین مایه‌های جدال میان یهودیت راست‌کیش و یهودیان مترقی بوده است. حتی در بین راست‌کیش‌ها این نحوه طلاق منتقدان زیادی دارد، به‌ویژه سازمان‌های زنان با این امر به مخالفت برمی‌خیزند، اما البته سرانجام آنها چاره‌ای جز گردن نهادن به محدودیت‌های حوزه اختیارات هالاخا ندارند. رهبری یهودیت محافظه‌کار در ایالات متحده آمریکا کوشید تا با یک سلسله تدبیرات این گرفتاری زنان را حل کند. یکی از این راه‌حل‌ها تحمیل جریمه نقدی بر شوهر نافرمان بود. البته این امر فقط وقتی مؤثر است که شوهر ناپدید نشده باشد. این روش مشکل عگونا را نمی‌تواند حل کند. تلاشی که پیش از آن برای حل مشکل عگونا صورت گرفته بود و بر اساس آن از شوهر خواسته می‌شد تا به بت‌دین محافظه‌کاران اجازه صدور گِط از جانب وی، در وقت ناپدید شدنش، را بدهد به دلیل آن که با انتقادات شدید هالاخائیان راست‌کیش روبه‌رو گشت به ناچار به طاق نسیان سپرده شد. در این اواخر راه حل جدیدی توسط حاخام‌های محافظه‌کار اتخاذ شده است که متضمن به کار زدن قدرتی است که هالاخائیان دارند اما از آن استفاده نمی‌کنند، و آن ملغی کردن ازدواج در صورتی است که مشکلی در رابطه با گِط موجود باشد. زن و شوهر باید در زمان ازدواج بپذیرند که اگر روزی از طریق مدنی طلاق گرفتند اما شوهر از دادن گِط به همسر ابا کرد ازدواج می‌تواند به دست مقامات دینی محافظه‌کاران العا شود. این گزینه در موارد مفقود شدن شوهر نیز کارا است.



ایران، پل رهایی*

مطلبی که می‌خوانید به معرفی عبدالحسین سرداری،
قهرمان بی ادعای هولوکاست، ملقب به شیندلر ایران می‌پردازد

آتوسا آرمین

عبدالحسین سرداری کیست؟

عبدالحسین سرداری در سال ۱۲۷۴ شمسی در خانواده‌ای با نسب شاهزادگان قاجار دنیا آمد. او در سال ۱۳۱۵ از دانشگاه جنوا در سوییس در رشته حقوق فارغ‌التحصیل شد و به استخدام وزارت امور خارجه ایران درآمد. سال ۱۳۱۹ مقارن با ۱۹۴۰ میلادی هنگام اشغال فرانسه توسط ارتش نازی او در سمت سرکنسول ایران در فرانسه خدمت می‌کرد. سمتی که در آن ناجی جان هزاران یهودی ایرانی و اروپایی از جهنم نسل‌کشی یهودیان شد.

اشغال فرانسه

پس از اشغال فرانسه در شهریورماه ۱۳۱۹ سفیر ایران در این کشور، انوشیروان سپهبدی، مسئولیت سفارت در پاریس را بدست کنسول اول، عبدالحسین سرداری سپرد و همراه خانواده‌اش پاریس را به قصد پایتخت غیر اشغالی فرانسه - شهر ویشی - ترک کرد.

پس از استقرار اشغالگران نازی در این کشور، به کلیه یهودیان دستور داده شد که خود را به مراکز گشتاپو معرفی کنند و پس از آن با الصاق ستاره داوود زرد رنگ به لباس خود در مکان‌های عمومی خود را از بقیه متمایز سازند. پس از صدور این فرمان سرداری با نوشتن نامه‌ای به تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۴۰ به سرفرماندهی ستاد گشتاپو ادعا کرد که یهودیان ایرانی در اصل آریایی بوده و «جوگوت»** هستند. جوگوت‌ها به گفته سرداری طی قرون از طریق ازدواج با آریایی‌های ایران دیگر از نژاد سامی محسوب نشده و جمعیتی پراکنده در کشورهای ایران، ازبکستان،

سال‌های ۳۰ و ۱۹۲۰ را دوران طلایی کشورهای اروپای غربی می‌نامند. این کشورها سرمست از پیروزی در جنگ جهانی اول و دستیابی به منابع مالی حاصل از غرامت جنگ که بر اساس عهدنامه ورسای از دولت‌های محوردربافت می‌کردند، سعی در بازسازی ویرانی‌های جنگ و ترمیم خسارات روانی ناشی از آن را داشتند. پاریس، عروس شهرهای اروپا، با دانشگاه‌ها، مراکز تجاری، گالری‌های هنری و مردم خوشگذران و ولخرجش پیشگام میدان شکوفایی و پیشرفت بود. پویایی اقتصادی و فرهنگی و دیگر جاذبه‌های زندگی فرانسوی انگیزه مهاجرت بسیاری از مردم ملل گوناگون از جمله عده‌ای از یهودیان ایران به این کشور در سال‌های پایانی قاجاریه بود. خانواده‌های ساسون و مرادی از سرشناس‌ترین مهاجرین ایرانی در پاریس بودند که به تجارت فرش و صنایع دستی ایران اشغال داشتند و مغازه‌هایشان گل سرسبد بازار هنر شرقی به شمار می‌رفت.

این دو خانواده در کنار ۱۵۰ خانواده یهودی با ملیت‌های ایرانی، بخارایی و افغانی در سال‌های پایانی دهه ۳۰ میلادی در فرانسه سکونت و اشتغال به کار و تحصیل داشتند. پس از وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه و ضمیمه شدن کشورهای آسیای میانه به اتحاد جماهیر شوروی، بسیاری از یهودیان آن کشورها به فرانسه گریخته و به سبب مشترکات قومی و فرهنگی با یهودیان ایران رابطه‌ای نزدیک داشتند.

پس از اشغال فرانسه توسط آلمان در سال ۱۹۴۰ و اجرای سیاست محدودسازی یهودیان، موقعیت و امنیت جانی این ۱۵۰ خانواده مانند دیگر یهودیان اروپا به خطر افتاد.

جنوب به کشور حمله کردند. پس از استعفای رضاشاه، دولت جدید ایران نمایندگی‌های دیپلماتیک خود را در کشورهای ایران که تحت اشغال آلمان بودند تعطیل کرد و سفرا و کنسول‌ها را به کشور بازخواند. انوشیروان سپهبدی، سفیر ایران در فرانسه، هم از ویشی به پایتخت باز خوانده شد ولی سرداری از دستور تعطیل کردن کنسولگری در پاریس سرپیچی کرد و به طور غیر رسمی به فعالیت خود در حفظ منافع ایرانیان فرانسه ادامه داد. یکی از نوادگان خانواده ساسون که در زمان جنگ جهانی دوم در پاریس مغازه عتیقه جات و نقره فروشی داشتند از قول پدر بزرگ خود نقل می‌کند که سرداری پیش از اشغال پاریس، زیرزمین سفارت ایران و گاراژ خانه شخصی‌اش را برای پنهان کردن اشیای قیمتی مغازه در اختیار آنها قرار داده بوده و پس از پایان اشغال تمامی ارقام سالم و دست نخورده به ساسون بازگردانده شده است. اواخر دوران جنگ و پس از پایان آن بود که جهانیان از وجود اردوگاه‌های کار اجباری و خواب شوم حکومت نازی برای نسل کشی کامل یهودیان تحت عنوان «راه حل نهایی» اطلاع یافتند. پیش‌بینی سرداری از جدیت خطری که جان یهودیان را تهدید می‌کرد، اهمیت سرپیچی او از دستور دولت مرکزی جهت تعطیلی کنسولگری را روشن می‌کند.

بسیاری از ایرانیان ساکن فرانسه پیش از سقوط قاجاریه از کشور خارج شده بودند و تذکره (گذرنامه) قاجاری داشتند. پس از تغییر حکومت در ایران سازمان ثبت احوال کشور ایجاد و دریافت شناسنامه از سال ۱۳۰۳ شمسی اجباری شد. از این تاریخ به بعد خروج و ورود از کشور نیز با فقط با گذرنامه رسمی ممکن بود. از آنجا که آمار دقیقی از ایرانیان ساکن در خارج از ایران وجود نداشت، وزارت امور خارجه تعدادی گذرنامه سفید در اختیار دفاتر نمایندگی خود گذاشته بود. سرداری با استفاده از این گذرنامه‌ها توانست برای تعداد زیادی از یهودیان اروپایی و خصوصا کودکان لهستانی هویت ایرانی جعل کرده و آنها را بدون مزاحمت نازی‌ها به تهران منتقل کند. فریدون هویدا خواهرزاده سرداری که در آن هنگام در پاریس تحصیل و نزد دایی خود زندگی می‌کرد

تاجیکستان و ترکمنستان را تشکیل می‌دهند. نامه سرداری که بر روی کاغذ سربرگ دار «نماینده‌گی کشور پادشاهی ایران» نوشته شده بود، دولت ویشی و فرماندهان گشتاپو را در تنگنای بازی‌ای قرار داد که خود مبدع آن بودند: اصالت قوم آریایی. سرداری با نوشتن این نامه نه تنها سعی در نجات جان یهودیان ایرانی داشت بلکه در صدد آن بود که با این روش یهودیان کشورهای آسیای میانه را نیز از مهلکه نجات دهد. او چنین می‌نویسد:

«بنا بر مطالعات تاریخی و قوم‌شناسی در ارتباط با جوامع یهودی مذهب با ریشه قومیتی غیر یهودی انجام شده و اسناد آن در اختیار کنسولگری ایران قرار گرفته است و اصالت آن در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۴۰ توسط سفارت آلمان در پاریس به تأیید رسیده است، یهودیان محلی خان نشین‌های سابق بخارا، خجند و خیوا، که اکنون قسمتی از خاک اتحاد جماهیر شوروی می‌باشند، دارای اصلیتی ایرانی هستند. جوگوت‌ها تنها از نظر حفظ شعایر مذهبی پیرو یهود هستند ولی ریشه سامی نداشته و از نظر خون و فرهنگ تمام و کمال قومیتی آریایی دارند.»

دکتر آصف آچی‌لیدی، پزشک سمرقندی که ریاست انجمن یهودیان آسیای میانه را در زمان اشغال فرانسه عهده‌دار بود در کتاب خاطرات خود که در سال ۱۹۶۵ منتشر شد چنین می‌نویسد: «دوران سیاه رعب و وحشت. بسیاری از هموطنانم پس از معرفی خود به مراکز گشتاپو دستگیر شده بودند. یهودی بودن از یکسو و ملیت جمهوری‌های شوروی که آلمان با آن در گیر جنگ بود باعث شده بود که ما به مثابه گروگان رفتار شود. پس از آنکه گشتاپو پذیرفت که ما «جوگوتی» هستیم و دارای اصلیتی آریایی توانستم تعداد زیادی از بازداشت شدگان را که سرنوشت شومی در پیش داشتند از زندان درانسی آزاد کنم». استناد به این نامه یهودیان ایرانی و آسیای میانه را از نصب نشان زرد رنگ بر لباس‌شان معاف کرد.

اشغال ایران

شهریور ۱۳۲۰ شمسی متفقین به بهانه همکاری دولت ایران با آلمان اعلام بی‌طرفی ایران را نقض و از شمال و

اسناد بود. نام ابراهیم مرادی و خانواده‌اش و همین‌طور دکتر آچی‌لدی در این فهرست ذکر شده بود. در آن زمان مرادی و فرزندانش ساکن کالیفرنیا بودند. مصاحبه با مرادی، به سبب دوستی و نزدیکی‌ای که با شخص سرداری داشت، جزئیات بیشتری در ارتباط با اقدامات او و خصوصیات فردی بارزش آشکار ساخت. مرادی در مصاحبه چندین بار تاکید می‌کند که سرداری بدون هیچگونه توقع و چشمداشتی جان خود را برای نجات جان و اموال جامعه یهودیان ایرانی به خطر انداخته است.

سریال تلویزیونی «مدار صفر درجه» با الهام از فعالیت‌های او ساخته شده است. انتشار کتاب «در سایه شیر و خورشید» به قلم فریبرز مختاری نیز انگیزه تهیه مستندی در باره زندگی سرداری توسط تلویزیون بی بی سی می‌باشد. ■

و در دهه ۱۹۷۰ نماینده ایران در سازمان ملل بود، در مصاحبه‌ای با یک روزنامه فرانسوی در سال ۱۹۹۴ ادعا کرد که دایی‌اش با صدورگذرنامه ایرانی جان بیش از ۱۵۰۰ یهودی اروپایی را نجات داده است.

اگرچه سند مکتوبی در اثبات این ادعا وجود ندارد اما ورود صدها یهودی لهستانی در طول جنگ به ایران می‌تواند شاهدی بر درستی آن باشد. با توجه به اینکه در آن زمان گذرنامه به صورت خانوادگی صادر می‌شده برخی منابع تاریخی تعداد نجات یافتگان را تا ۳۰۰۰ نفر گزارش کرده‌اند.

پس از پایان جنگ او به سمت کاردار سفارت ایران در بروکسل منسوب شد. در سال ۱۳۴۴ به تهران فراخوانده شد و با وجود آنکه با اتهام سرپیچی از دستور و سوءاستفاده از موقعیت خود در صدور غیرقانونی گذرنامه روبرو شد ولی هرگز برای تبرئه‌ی خود به رسانه‌ای کردن اقدامات فداکارانه‌اش اقدام نکرد. او پس از براءت از اتهامات وارده، از وزارت خارجه جدا شد و در شرکت ملی نفت ایران مشغول به کار شد. او سال‌های پایانی عمر را در انگلستان سپری و در سال ۱۳۶۰ درگذشت.

جان یافتن دوباره‌ی نام سرداری و اقدامات شجاعانه‌اش پس از پایان جنگ، نهادهای یهودی بین‌المللی و مراکزی که جهت تحقیق در ارتباط با نسل‌کشی یهودیان ایجاد شده بود، جمع‌آوری مدارک بجا مانده از مراکز گشتاپو و دیگر مجریان «راه حل نهایی» را شروع کردند. یکی از اولین نهادهایی که به عمق اهمیت اقدامات سرداری پی برد «یاد واثیم» بود که برای ادای سپاسگزاری در سال ۱۹۷۸ با او در لندن تماس گرفت. پاسخ متواضعانه سرداری چنین بود: «من از افتخار خدمت در سفارت ایران در زمان اشغال فرانسه برخوردار بودم. کمک به حفظ منافع هموطنانم فارغ از دین و مذهب وظیفه من بوده و همیشه به انجام آن مفتخرم».

در سال ۱۹۹۴ مرکز مدارا و تساهل سیمون ویزنتال در کالیفرنیا به اسنادی دست یافت و فهرست ۹۱ نفره‌ای که به عنوان جوگوت به گشتاپو معرفی شده بودند یکی از این

منابع

1. United States Holocaust Memorial Museum
2. The History Learning site
3. The Telegraph
4. In The Lions Shadow by Fariborz Mokhtari, The history press

* عنوان مطلب برگرفته از «ایران پل پیروزی است» لقبی که متفکین به سبب نقش حیاتی ایران بر پیروزی بر آلمان به ایران دادند.

** (Djougoutes in french) Jugutis

گذری بر تاریخچه کنیسا‌های تهران

کنیسا و مجتمع آموزشی اتفاق (بخش پایانی)

مهندس مهراں ملک

کارشناس معماری



همانطوری که پیشتر ذکر شد، در اواسط دهه ۱۳۲۰ خورشیدی، مجتمع مذهبی - آموزشی اتفاق، توسط یک مهندس خیر و یهودی عراقی مقیم ایران جهت گردهمایی کلیمیان عراقی مقیم تهران تأسیس گردید. پس از چندی با موافقت وزارت فرهنگ و هنر وقت، نام «اتفاق» برای مجموعه فوق برگزیده شد.

وضعیت مجتمع آموزشی اتفاق به لحاظ فیزیکی و ساختار معماری

ساختمان مدرسه که بلافاصله بعد از بنای کنیسا (بین سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷) ساخته و تأسیس شد، با معماری خاص و کم نظیری شکل گرفته است که خود به تنهایی اثری هنری بوده و به جرأت می‌توان گفت که پس از مدارس آلیانس و کوروش، از مدارس ماندگار تهران به شمار می‌رود. مجتمع فرهنگی اتفاق دارای بنایی در ۳ طبقه با تعداد زیادی کلاس درس به همراه دو کتابخانه و دو آزمایشگاه بسیار مجهز و یک کارگاه فنی حرفه‌ای است.

سالن اجتماعات و آمفی تئاتر مجتمع اتفاق

همزمان با تأسیس ساختمان مدرسه، یک آمفی تئاتر و سالن بزرگ چند منظوره جهت برگزاری مراسم و گردهمائی‌ها و سخنرانی‌های مختلف، و جشن‌های عروسی در در طبقه همکف مجتمع مذکور پیش‌بینی گردید. در وسط ضلع شرقی این سالن، جایگاه بسیار زیبایی با سبک معماری فاخر (آئینه‌کاری) ساخته شده که جهت انجام مراسم عقد استفاده می‌شد.

تجهیز مجتمع آموزشی

پس از تأسیس ساختمان مدرسه، تجهیز آن جهت استفاده بهینه آموزشی و یادگیری مؤثرتر دانش‌آموزان در برنامه‌ی مسئولین فرهنگی و آموزشی جامعه کلیمیان تهران بود، حتی در دوران جنگ، مسئولین آموزش و پرورش وقت نهایت همکاری را در تجهیز این مدرسه با مسئولان آن و اعضای انجمن کلیمیان وقت به انجام رساندند.

در دو دهه اخیر نیز سایت رایانه و اتاق سمعی بصری جهت استفاده بهینه از نرم‌افزارها و نوارهای آموزشی جهت آموزش مؤثرتر تشکیل و راه‌اندازی گردیده است.

وضعیت مجتمع از نیمه دوم دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰

۵۰ خورشیدی

مطابق آمارهای مستند موجود از اواخر نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ خورشیدی تا اوایل دهه ۵۰ حدود ۸۵ درصد پذیرفته‌شدگان کلیمی در کنکور دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور از بین دانش‌آموزان مدرسه اتفاق بوده‌اند.

تاکنون شاهد فراز و نشیب‌های زیادی بوده و با وجود سیر حوادث تاریخی متعدّد همچنان پابرجاست. در خاتمه از زحمات و همفکری هارون یشایایی، فرامرز محلی و ناجیه لاوی تشکر فراوان دارم. ■



مدیریت مدرسه اتفاق از حدود سال‌های ۴۶-۱۳۴۵ تا حدود سال‌های ۵۶-۱۳۵۵ خورشیدی به عهده دکتر باروخ بروخیم بوده است که در طول این سال‌ها همواره از نظر آموزشی سیر صعودی را طی کرده است.

ترکیب دانش‌آموزان از نظر مذهب

کادر مجربّ مجتمع آموزشی اتفاق تهران در سالیان متمادی، شاگردان ادیان مختلف را به خود جذب نمود تا جایی که تا اواسط دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، حدود ۲۰ درصد از جمعیت حدود ۲۰۰۰ نفری این مدرسه را ادیان مسلمان، مسیحی و زرتشتی تشکیل می‌داد.

لازم به ذکر است که سالیان متمادی، درآمد حاصله از صندوق کنیسیای اتفاق و عواید حاصل از سالن بزرگ مدرسه (سالن اجتماعات و آمفی‌تئاتر) جهت جشن‌ها و مراسم مذهبی، صرف مخارج تحصیلی صدها دانش‌آموز کم‌بضاعت مجتمع آموزشی اتفاق شده است.

کلام پایانی

این گوشه کوچکی از تاریخچه‌ی کنیسا و مجتمع آموزشی اتفاق تهران بود که با زحمات بسیار عراقی‌های مهاجر یهودی مقیم تهران در مرکز پایتخت تأسیس شد و

منبع

چگونگی و علل پراکندگی جمعیت اقوام غیرمسلمان در آسیا و خاورمیانه
نوشته حسن جمال زین‌الدین، ترجمه دکتر ضیاءالدین پاشایی
منفرد.

یهودیان یوگسلاوی



دکتر ژان پایاب

به صنایع دستی که یهودیان در آن مشغول به کار بودند، محدودیت‌های خاصی تعیین کرد. در سال ۱۸۴۵ آنها از کارهای خیاطی و کفش‌دوزی خارج شدند. در هنگام سلطنت میلوس اوپرنویچ، شاهزاده صربستان در شرایط یهودیان تغییرات مطلوبی ایجاد شد. با این حال در سال ۱۸۴۲ با صعود سلسله کاراچروگویچ، که از منافع تجار صربستان حمایت می‌کرد شرایط یهودیان را به بدترین حالت رساند. در سال ۱۸۵۶ یک فرمان یهودیان را به اقامت در شهرهایی خاص مجبور کرد. در آن زمان ۲۰۰۰ یهودی در صربستان وجود داشت. در حدود ۱۰۰۰ نفر از آنها در بلگراد ساکن بودند در حالی که بقیه در شهرهای دیگر پراکنده شدند. زمانی که شاهزاده میلوش در سال ۱۸۵۸ مجدداً به قدرت بازگشت اوضاع یهودیان موقتاً بهبود پیدا کرد. با این حال در هنگام سلطنت پسرش، شاهزاده مایکل (۱۸۶۰-۶۸) که تحت تأثیر تجار صربستان قرار داشت آزار و اذیت‌ها تمدید شد.

یک فرمان اخراج در سال ۱۸۶۱ بر علیه ۶۰ خانواده یهودی شایاک در آن سال به حکم دیگر تغییر یافت و جوامع را مجاز دانست در محل اقامتشان کارهایی مثل همان کارهایی انجام دهند که قبل از ۲۸ فوریه ۱۸۶۱ به آن مشغول بودند. همچنین بازرگانان یهودی در محل اقامتشان مجوز تجارت مواد خام و مواد غذایی را داشتند. با این حال این حقوق نمی‌توانست به جانشینان آنها منتقل شود. در مورد املاک و مستغلات براساس فرمان جدید که برای یک قبیله امضاء شد باعث ممنوعیت خرید ملک در شهرهای خاص بود.

در سال ۱۸۷۳ یهودیان از شهرهای شایاک، اسمدرو و پوزارواک خارج شدند. پیمان برلین از سال ۱۸۷۸ با برابری سیاسی به یهودیان صربستان به توافق رسید ولی تنها در

یوگسلاوی (سرزمین اسلاوهای جنوبی) تا سال ۱۹۹۱ یک جمهوری فدرال، سوسیالیستی در سوئد، اروپا و شبه جزیره بالکان بود. بعد از سال ۱۹۱۸ عوامل مختلفی باعث تشکیل یوگسلاوی شدند (به عنوان مثال آنهایی که از صربستان و کشورهای استرالیایی - مجارستانی بودند). در زبان، فرهنگ، ساختار اجتماعی و شخصیت با توجه به شش ویژگی تاریخ جداگانه، مسائل سیاسی و مناطق فرهنگی و منشاء آنها از یکدیگر متمایز بودند. این مناطق عبارت بودند از صربستان، اسلوونی، کرواسی، اسلاونیا و دلمایا، بوسنی - هرزگوین، مقدونیه و وجودینا. کرواسی، اسلوونی، بوسنی - هرزگوین و مقدونیه در سال ۱۹۹۱ استقلال خود را اعلام کردند و دو جمهوری صربستان و مونته‌نگرو باقی‌ماندند که تا سال ۲۰۰۳ با نام جمهوری فدرال یوگسلاوی شناخته می‌شدند. در سال ۲۰۰۶، با جداشدن مونته‌نگرو از صربستان، نام یوگسلاوی به تاریخ پیوست.

صربستان

در دوران رم بعضی از یهودیان در پانونیا وجود داشتند. به نظر می‌رسد یهودیان به بلگراد برسند، همچنین در قرن دهم اثری از وجود جمعیتی یهودی در سواحل رود دانوب وجود داشت. بعضی از یهودیان از مقدونیه به صربستان نفوذ کردند. در زمان تسخیر صربستان توسط سلطان موآرا در سال ۱۳۸۹ میلادی، یهودیان به فروش نمک مشغول بودند. در طی جنگ‌های استقلال طلبانه‌ی صربستان (از سال ۱۸۰۴ تا ۱۸۳۰) برخی از یهودیان از بلگراد فرار کردند و در سال ۱۸۰۷ جامعه‌ای ۲۸۰ نفری در زیمون تشکیل دادند. به هر حال جنبش استقلالی که باعث شورش علیه ترک‌ها از زمانی به زمان دیگر بود، گاهگاهی یهودیان را مورد حمله قرار می‌داد. دولت صربستان در سال ۱۸۳۱ راجع

را منع کرد. در وجودنیا، ییشیوهایایی در سنتا، سابوتیکا، کانبجیزا و ایلوک وجود داشت و کودکان یهودی در مدارس عمومی به تحصیل پرداختند و در هفته دو ساعت به تحصیلات مذهبی یهودیان اختصاص یافت. طبق سرشماری سال ۱۹۳۹ تعداد ۷۱۰۰۰ یهودی وجود داشت.

زندگی و موسیقی

در قرن شانزدهم اجتماع بزرگی از یهودیان سفارادی به بخش‌های امپراتوری عثمانی بالکان و ساریو مهاجرت کردند. آنها موسیقی کنیسه را در دانشکده‌ای یاد گرفتند که در نیمه دوم قرن ۱۸ توسط رابی دیوید یعقوب باردو ساخته شد. متأسفانه در حین هولوکاست اکثر محققان جان خود را از دست دادند و متن‌ها و رونوشت‌های موسیقی آنها نیز از میان رفتند. تعداد زیادی از اسناد موسیقی یهودیان در موزه یهودیان بلگراد بایگانی می‌شود. در نیمه اول قرن بیستم برجسته‌ترین آهنگسازان یهودی در یوگسلاوی عبارت بودند از: رچارد شوارتز، ژیگا هیرش، پوآئو مارکوچ، اسکار جوزفویچ، روبرت هزل، اره الیشا ساملیوه و لوا وسلوگریسنکی بودند و همه آنها در جنگ جهانی دوم کشته شدند. در میان بازماندگان کسانی که به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کردند باریتون و آهنگساز آرون، مارکو روتمولر (۱۹۰۸-۱۹۹۳) کسی که موسیقی یهودیان را در سال ۱۹۵۸ نوشت و موسیقی‌شناس برجسته دراگان پلامناک (۱۹۸۳-۱۸۹۵) که به دلیل مطالعاتش در مورد موسیقی در قرن‌های ۱۴ و ۱۶ معروف شد. در میان آهنگسازان و هنرمندان که به اسرائیل مهاجرت کردند پائول رافائل استرک (۱۹۷۹-۱۹۰۴) کسی که شهر سمفونی دیوید را تشکیل داد، یوری گیون (۱۹۷۴-۱۹۱۲) کسی که به ترتیب تعداد زیادی از آهنگ‌های یهودی را ساخته است. بعد از جنگ جهانی دوم برانوبلژیسکی، میرو اسلاو اسلیپر، روبن رادیکا، دابرا کودتونی و انریکو جاسف جزو آهنگ‌سازان فعال بودند و خوانندگان شامل: بردا کالف، رهبر ارکستر: اسکاردانون، ویولونیست: دیوید کامپی و پیانیست: آندر چاپریگر بودند. ■

سال ۱۸۸۹ پارلمان صربستان برابری کامل تمامی شهروندان بدون تمایز از نظر اصل و مذهب را اعلام کرد که این لغو حکم‌های محدودکننده در سال‌های گذشته بود. در سال‌های ۱۸۹۵ تا ۱۹۱۲ حدود ۵۰۰۰ یهودی در صربستان ساکن بودند. در جنگ صربستان - بلغارستان در سال ۱۹۱۳ و جنگ جهانی، یهودیان بسیاری شرکت کردند. پس از سال ۱۹۱۸ با تأسیس پادشاهی یوگسلاوی در حدود ۱۰۰ جامعه یهودی (با ۷۰۰۰ نفر جمعیت) در ایالت جدید گنجانده شدند. به طور کلی یهودیان به طبقه متوسط تعلق داشتند اما در میان آنها جوامع فقیر نیز وجود داشت. یهودیان در صنعت، تجارت و فعالیت‌های مربوط به صنایع دستی و کارهای بانکی مشارکت داشتند. یهودیان کرواسی و اسلوونی تحت نفوذ فرهنگ آلمان قرار داشتند و از طرفداران و یا هواداران خود در استان‌های دیگر یوگسلاوی در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی سبقت گرفتند. یهودیان مقدونیه هویت خود را حفظ کردند و استانداردهای اقتصادی و فرهنگی آنها نسبت به بقیه یهودیان یوگسلاوی تا حدودی عقب بود. در میان یهودیان وجودنیا، افراد تحت تأثیر مجارستان بودند. جایگاه یهودیان در زندگی سیاسی برجسته نبود، گرچه بعضی از اعضای آنها در احزاب نفوذ کرده بودند.

سازمان‌های یهودی

در سال ۱۹۱۹ فدراسیون جوامع مذهبی تأسیس شد، دولت آن را به رسمیت شناخت و فعالیت‌های آن به زمینه‌های دین، فرهنگ و آموزش و پرورش گسترش یافت. در سال ۱۹۲۳ یک انجمن روحانی یهودی تأسیس شد. در سال ۱۹۳۵ اتحادیه یهودیان ارتدکس به سرپرستی اسحق الکالی تشکیل شد. وی توسط پادشاه منصوب شد و از لحاظ موقعیت برابر با رهبران مسیحی ارتدکس، اسقف اعظم کاتولیک‌ها و مفتی مسلمانان بود. او همچنین در یوگسلاوی عضو مجلس سنا بود.

تحصیلات و فرهنگ

قبل از پادشاهی یوگوسلاو در شهرهای زرنجانین، اسدیجک، ساریو، سنتا، زاگرب و زمون، مدارس ابتدایی یهودی وجود داشتند. دولت باز کردن مدارس ابتدایی جدید

منبع

نگرشی بر مردم‌شناسی پوشاک یهودیان ایران

در دوران قاجار



افشین میرعبدالله لواسانی

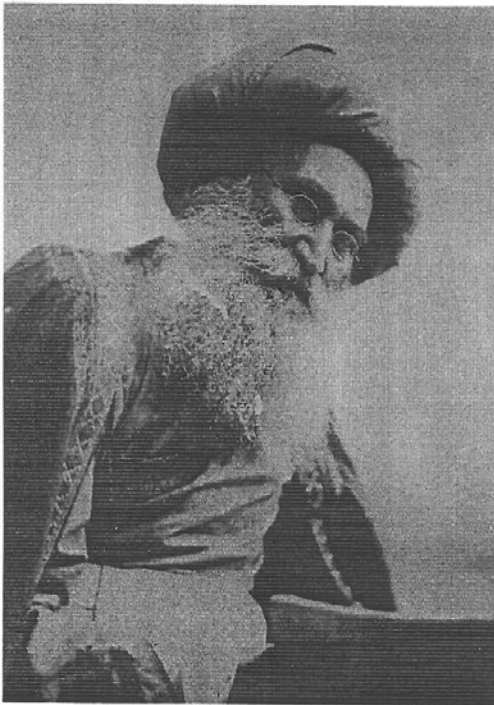
کارشناس ارشد مردم‌شناسی

نیست چون ما نقاشی‌هایی از یهودیان در دست داریم که کلاه بر سر دارند.

پولاک گفته است که یهودیان کلاه‌هایی از پارچه خاکستری بر سر می‌گذاشتند که دور آن پوست بره داشت (۱۳۶۱: ۱۰۵). در کتاب ایران سوروگین (۱۹۹۹: ۱۰۱) یک خانواده یهودی به تصویر کشیده شده که کلاه بر سر داشتند و چنین توصیف شده است که لباس آن‌ها دقیقاً مثل لباس سایر مردم بوده است، به استثنای این که آن‌ها می‌بایست وصله‌ای زردرنگ بر لباس خود می‌دوختند تا از دیگران قابل تشخیص باشند. تعداد آن‌ها در شهر یزد دو هزار نفر بوده است (کرزن، ۲: ۱۳۶۲/۲۹۳). اوژن اوین از یک قدیس یهودی سخن گفته است که در اردبیل، واقع در استان آذربایجان، زندگی می‌کرد. وی در همدان حقوق و پزشکی خوانده و سپس به اردبیل نقل مکان کرده بود و چهار سال بود که در آن‌جا زندگی می‌کرد و لباسش هم دقیقاً مثل لباس سایر ایرانیان بود (۱۳۶۲: ۱۳۷). همان نویسنده درباره شهر محل اقامت یهودیان که مرکز اصفهان بود، اشاره می‌کند که همه یهودیان در آن‌جا مجبور بودند وصله‌های زرد یا قرمز بر لباس خود بدوزند. زنان یهودی هم می‌بایست صورت خود را باز بگذارند و به این وسیله از دیگران متمایز شوند (همان: ۳۰۶). در قسمت‌های بعدی همان کتاب نویسنده می‌گوید لباس یهودیان کاملاً مثل لباس دیگران بود و هیچ وصله‌ای که نشانه تمایز آن‌ها باشد بر روی لباس‌هایشان دیده نمی‌شد (همان: ۴۲۶).

در رابطه با پوشاک طبقات مختلف اجتماعی در اواخر دوران قاجاریه کلانتر ضرابی (عبدالرحیم، سهیل کاشانی)، تاریخ کاشان، تصحیح ایرج افشار، ۱۳۵۶) و جعفر شهری (شهری‌یاف) (تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، جلد ۲، ۱۳۶۹) به ارائه توضیحاتی پرداخته‌اند (پوشاک در ایران زمین، دوران صفویان و قاجاریان، لیلا سوداوردیبا، ترجمه پیمان متین با مقدمه علی بلوکباشی، دانشنامه ایرانیکا، انتشارات امیرکبیر (تلخیص و گزیده)، ۱۳۹۳). در دوره قاجاریه پوشاک زنان بسیار مجلل بود. احیاء صنعت ابریشم بافته‌های مجللی را برای دربار به ارمغان آورد. پشم کرمان جای کالاهای وارد شده از کشمیر را گرفت. جامعه زنان در اواخر قرن نوزدهم میلادی توسط پولاک و ولز دو پزشک دربار قاجاریه و جیمز موریه توضیح داده شده است.

یهودیان ایرانی در مرکز و غرب کشور زندگی می‌کردند. مادام دیولافوا از حضور آن‌ها در استان فارس می‌نویسد و می‌گوید که مردان یهودی موهای ژولیده‌ای داشتند که تا روی گوش‌هایشان می‌آمد و زنان چادر آبی بر سر می‌کردند و حق نداشتند روبنده سفید بر چهره بزنند که این کار به نوبه خود باعث سرزنش آن‌ها در مجامع عمومی می‌شد (دیولافوا، ۱۳۶۱: ۴۳۰). در اصفهان ۳۷۰۰ یهودی زندگی می‌کردند و روایت شده است که نسبت به سایر مناطق ایران، زندگی بهتر و مرفه‌تری داشتند. آن‌ها اجازه نداشتند در بازار مغازه داشته باشند و مجاز نبودند کلاه بر سر بگذارند (کرزن، ۱۳۶۲: ۶۴۸/۱). این ادعای درستی



دکتر نورمحمد یک پزشک یهودی. به عمامه، عبا و قبایی که در زیر آن پوشیده است، توجه کنید. (سوروگین، ۲۴) (پوشاک دوره قاجار، سهیلا شهشهانی، انتشارات فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۹۶)



یک گروه از مردان یهودی اصفهان، با عبا، کمرچین و قبا و کلاه نمدی. به نظر می‌رسد بعضی از آن‌ها در زیر کلاه نمدی سفید خود یک کلاه پارچه‌ای سیاه بر سر گذاشته‌اند. (هولتز، ۱۰۳) (پوشاک دوره قاجار، سهیلا شهشهانی، انتشارات فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۹۶)

در شهر کوچک بهقوبه، که اکنون در عراق واقع شده است، و در آن زمان شش هزار سکنه داشت، اقلیتی از لر‌ها و یهودیان زندگی می‌کردند که در مراسم و جشن‌های خود لباس‌هایی با برودری دوزی طلایی می‌پوشیدند و برای برگزاری آیین‌های خود به باغ‌های اطراف شهر می‌رفتند (همان: ۳۶۷). همان نویسنده دربارهٔ یهودیان عراق می‌گوید مردان بیش‌تر به لباس و کلاه غربی گرایش داشتند، با وجود این، عمدتاً لبادۀ بلند می‌پوشیدند و از عمامهٔ گلدار استفاده می‌کردند.

زنان هم به هنگام خروج از خانه، چهرهٔ خود را پشت کلاه‌های لبه‌دار پنهان می‌کردند. آن‌ها زیر چادرهایشان کلاه‌های زیبایی مثل کلاه ترکی بر سر می‌گذاشتند و شال پشمی دور گردن خود می‌انداختند (پوشاک دوره قاجار، سهیلا شهشهانی، انتشارات فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۹۶).



یک مدرسهٔ دختران یهودی نشان می‌دهد که آن‌ها روسری‌های سفید یا چادر با طرح‌های مختلف، گلدار یا راه‌راه بر سر می‌کردند و عده‌ای هم از روبنده و چادرهای سیاه استفاده می‌نمودند. (دالمانی، جلد ۲: ۴۴۴) (پوشاک دوره قاجار، سهیلا شهشهانی، انتشارات فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۹۶)



یک خانواده یهودی؛ یکی از مردان کلاهی مخروطی از پوست بره، دیگری کلاه کوتاهی بر سر دارد. مردان شلوارهای گشاد سیاهی پوشیده‌اند. هر دو مرد قبا یا کمرچین با آستین‌های گشادی پوشیده‌اند که می‌شود آن‌ها را بالا زد. مردی که ایستاده، جامه‌ای پوشیده که دامش پیلی‌دار است و با یک تکه پارچه بسته می‌شود (همان: ۱۰۲)
(پوشاک دوره قاجار، سهیلا شهشهانی، انتشارات فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۹۶)

منابع

۱. درآمدی بر انسان‌شناسی، مؤلفان جوی هندری، سایمون اندرداون، مترجم محمدکاظم شجاعی، انتشارات سبزان، ۱۳۹۶
۲. جامعه‌شناسی قومیت، سنیشا مالشویچ، مترجمان یعقوب احمدی، حسین محمدزاده، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، ۱۳۹۱
۳. پوشاک زنان هرمزگان، شایا صفا ایسین، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۹
۴. پوشاک بین‌النهرین و مصر باستان، تحقیق و پژوهش آریتا مصباح، انتشارات توس، ۱۳۸۴
۵. پوشاک در ایران باستان، تألیف دکتر فریدون پوربهمن، ترجمه هاجر ضیاء سیکارودی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶
۶. تاریخ لباس، روت‌ترنویل کاکس، مترجم شیرین بزرگمهر، انتشارات توس، ۱۳۷۲
۷. پوشاک در ایران زمین، دوران صفویان و قاجاریان، لیلا سوداور دیبا، ترجمه پیمان متین با مقدمه علی بلوکباشی، دانشنامه ایرانیکا، انتشارات امیرکبیر (تلخیص و گزیده)، ۱۳۹۳
۸. پوشاک دوره قاجار، سهیلا شهشهانی، انتشارات فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۹۶



جام جم را از چه کسی طلب کنیم؟ (بخش پایانی)

الهه مودب

مترجم زبان انگلیسی

به گذشته سیر می‌کنم زمانی که هواپیما بر زمین نشست تا با کوله‌باری از نخستین تجربه‌ها و خاطرات بسیار زیبای کودکی در کشوری دیگر به میان هموطنان بازگردم. آن زمان پدرم برای ادامه تحصیلات تکمیلی و اخذ دکترا به روسیه رفت و ما نیز به او پیوستیم. یکی از خاطرات زیبایی که بر ذهنم نقش بسته است دیدار چندباره از موزه بسیار زیبای آرمیتاژ به همراه والدین فرهنگ‌دوستم است. همان تجربه زیبا مرا به دیدار از موزه‌های مختلف کشور و دنبال کردن تاریخ پشت سر آن رهنمون کرد. همان تجربه، انگیزه‌ای بود تا بستری فراهم شود تا کودکان و نوجوان یهودی با دیدار از موزه یهودی و بخش‌های متنوع آن از همان ابتدا با تاریخ دیرپا، فرهنگ، سنت‌ها، هنر، موسیقی چهره‌های شاخص تأثیرگذار جامعه، نحوه تأسیس و گسترش بیمارستان دکتر سپیر و بسیاری از جنبه‌های مختلف از جمله تأثیرپذیری جامعه اکثریت بر اقلیت و بالعکس یهودی آشنا شوند و دغدغه پاسداشت آن را داشته باشند.

شاید هنوز زمان آن نرسیده است و چون گذشته همچنان می‌خواهیم تا در روزگاری بسیار دور نسلی دیگر از خواب دیرباز بیدار شود و والدینی که رویای گشایش موزه را به واقعیت مبدل کردند داستان تلاش‌های خود در راه گشایش و گسترش موزه را برای کودکان خود زمزمه کند.

موزه یهودیان نیویورک

موزه یهودیان نیویورک یکی از موزه‌های مهم جهان است که با ارائه ۳۰۰۰۰ قلم از اشیای یهودیان به معرفی فرهنگ، هویت و هنر یهودیان جهان می‌پردازد. این موزه یکی از قدیمی‌ترین موزه‌های یهودیان جهان و نخستین موزه از این نوع در آمریکا است.

بخش ترکیه، دولت عثمانی



عکس ۲۰

بقچه حمام و میقوه عروس از جنس مخمل ابریشم دوزی اواخر قرن ۱۹، از میر، اهدایی جین تاپلی و دکتر جیبری فردن ولد. این بقچه بخشی از جهیزیه مادر جین است که درازمیر زندگی می‌کرد. بقچه به عروس جهت حمل وسایل کوچک به میقوه داده می‌شد.



عکس ۲۱

لباس عروس مخمل ابریشم دوزی طرح درخت زندگی، نیمه دوم قرن ۱۹، اهدایی دورا متزسو عراق امپراتور عثمانی



عکس ۲۲

قالیچه پرده تورا، آنتالیا، امپراتوری عثمانی،
(اواخر قرن ۱۹ - اوایل قرن ۲۰)
اهدایی دکتر جبهری فردمن بر روی آن ده فرمان نوشته است.



عکس ۲۳

قالیچه پرده تورا، گوردس ترکیه،
اواخر قرن ۱۸ - اوایل قرن ۱۹، اهدایی
دکتر جی هری فردمن
بر روی آن نوشته این دروازه‌ای است
که صالحان وارد آن می شوند.



عکس ۲۴

ظروف شستشو دست برای پسخ
عکس پرده سوکا، قرن ۱۸، از میر



عکس ۲۵

کلاه کودک، قرن ۱۹، دولت
عثمانی، اهدایی دکتر جی هری
فردمن



عکس ۲۶

شمعدان نقره حنوکا، دولت
عثمانی، اوایل قرن ۱۹، اهدایی
ولف ولفینسون

زنان موفق در کسوت عدالت

مهندس فرینوش لازار

کارشناس ارشد الکترونیک

اولین موسسه یهودی آمریکایی که توسط زنان اداره می‌شود به کار گرفت، از جمله کارهای وی تاسیس اولین مدرسه عبری و یتیم‌خانه‌ی یهودیان بود. او معتقد بود که زنان به طور منحصر به فردی مسئول اطمینان از حفظ زندگی یهودیان در آمریکا هستند و باید تلاش خود را جهت ایجاد محیطی که در آن زنان بتوانند در کنار آمریکایی بودنشان کاملاً یهودی باشند به کار گیرند.



Rebecca Gratz

ربکا گرتز، در سال ۱۷۸۱ در فیلادلفیا در یک خانواده ثروتمند و محترم یهودی متولد شد. به عنوان یک بانوی جوان، او یکی از زیباترین و مهربان‌ترین زنان زمان خود بود. این ویژگی‌ها او را از اختصاص دادن زندگی‌اش به افراد نیازمند و امور خیرخواهانه بازداشت.

وی بنیان‌گذار و دبیر کل اولین سازمان بشردوستانه زنان فیلادلفیا بود که به شناسایی هویت جدید برای زنان آمریکایی کمک کرد. وی مانند دیگر زنان دوران خود معتقد به کارهای خیرخواهانه و گسترش مناسب نقش زنان در جامعه بود. ربکا گرتز اکثر دوران زندگی خود را به منظور کمک به زنان و کودکان محروم فیلادلفیا اختصاص داده و تأمین امنیت مذهبی، اخلاقی و مادی برای همه یهودیان فیلادلفیا را نیز به عهده داشت. گرتز، در فرهنگ قرن نوزدهم که عمدتاً مسیحیان در آمریکا زندگی می‌کردند، تجربه‌ی آمریکایی و هویت یهودی خود را برای تأسیس



**Justice Rosalie
Silberman Abella**

روزالی سیلبرمن آبلا نخستین قاضی زن یهودی کانادا بود. وی نخستین زن صندوق روابط عمومی انتاریو و نخستین زن در اتحادیه کشورهای همسود (مشترک‌المنافع) بود که به عنوان رئیس کمیسیون اصلاحات قانون تبدیل شد. در اوت ۲۰۰۴، او به دادگاه عالی کانادا راه یافت و



Bader Ginsburg Ruth

۱۹۹۳ نیز توسط بیل کلینتون رئیس جمهور وقت، به سمت قاضی دیوان عالی کشور منصوب شد، وی نخستین زن یهودی بود که به این سمت نائل گردید. وی پروفیسور دانشکده حقوق رادگرز و دانشکده حقوق کلمبیا بود، که حقوق مدنی را به عنوان یکی از معدود زنان در زمینه تحصیلی خود تدریس می‌کرد. روت بدر گینسبورگ بخش قابل توجهی از کار حقوقی خود را صرف پیشرفت برابری جنسیتی و حقوق زنان نمود و پیروزی‌های متعددی را نیز در دادگاه عالی به دست آورد. وی دستاوردهایی در جلوگیری از تبعیض و نقض حقوق زنان و برابری جنسیتی در ایالات متحده آمریکا داشت. ■

اولین زن یهودی بود که در جلسه دادگاه عالی کانادا قرار داشت.

وی در سال ۱۹۴۶ در یک اردوگاه آوارگان در اشتوتگارت، آلمان متولد شد، دختر یعقوب و فانی سیلبرمن بود. یعقوب، پسر مالک فروشگاه کتاب، در سال ۱۹۱۰ در لهستان متولد شد و فانی نیز دختری از خانواده ثروتمند بود که در سال ۱۹۱۷ متولد شده بود.

روزالی به همراه خانواده خویش در سال ۱۹۵۰ به کانادا مهاجرت نمود. وی به دانشگاه تورنتو وارد شد و در سال ۱۹۷۰ از مدرسه حقوق فارغ‌التحصیل گردید. شش سال بعد، به عنوان جوان‌ترین زن یهودی قاضی کشور کانادا در سن بیست و نه سالگی به دادگاه خانواده انتاریو وارد شد.

دستاوردهای شگفت‌انگیز روزالی سیلبرمن او را به یکی از زنان تحسین‌برانگیز و ستایش شده در کشور تبدیل کرده است. در حالی که هنوز در سن بیست سالگی بود، او عضو کمیسیون حقوق بشر انتاریو، کمیته مشورتی نخست وزیری کنفدراسیون، دادگاه روابط عمومی خدمات انتاریو و دانشگاه تورنتو بود. او همچنین یک تحقیق جامع در مورد دسترسی به خدمات حقوقی توسط افراد معلول نوشت. در سال ۱۹۸۴ او نخستین زن در صندوق روابط کار انتاریو بود و در سال ۱۹۸۸ اولین زن رئیس کمیسیون اصلاحات قانون در بریتانیا بود.

روت بدر گینسبورگ در ۱۵ مارس ۱۹۳۳ در بروکلین نیویورک در خانواده یهودی متولد شد. مادر وی یکی از بزرگترین مشوقین او بود که در مدت کوتاهی قبل از فارغ التحصیلیش از دبیرستان فوت شد.

وی از دانشکده حقوق کلمبیا فارغ‌التحصیل و به یکی از مدافعان صالح حقوق زنان در دادگاه مبدل شد. همچنین در پروژه حقوق زنان ACLU مشارکت نمود. او در سال ۱۹۸۰ توسط کارتر، رئیس جمهور وقت، به عنوان قاضی به دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده آمریکا راه یافت و در سال

منابع

<https://jwa.org>

<https://www.jewishvirtuallibrary.org>

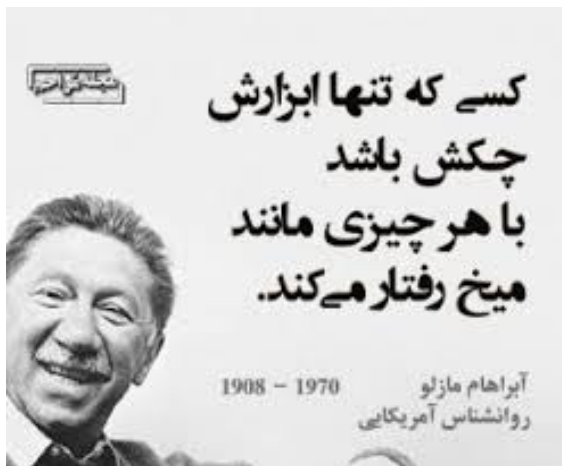
<https://www.biography.co>

آشنایی با مشاهیر یهود جهان

آبراهام مزلو^۱

نیوشا پایاب

زندگی‌نامه



آبراهام مزلو در اول آوریل ۱۹۰۸ در محله‌ای فقیرنشین در بروکلین، ایالت نیویورک، به دنیا آمد. پدرش ساموئل، یک یهودی روس بود. وقتی ساموئل مزلو، از کی‌اف در اوکراین، به آمریکا رسید، چیز زیادی با خود نیاورد به جز توانایی حرف زدن به زبان‌های روسی و یدیش. یدیش نوعی زبان مخصوص یهودیان اروپایی است. آبراهام اولین فرزند از هفت فرزند خانواده بود.

تفاوت مزلو با فروید، احساس وی نسبت به مادرش بود. رابطه‌ی آن‌ها اصلاً نزدیک نبود. یک علت آن این بود که بچه‌ها با فواصل زمانی نسبتاً کوتاهی به دنیا می‌آمدند (هر دو سال)، و با تولد هر بچه‌ی جدید، رُز علاقه‌ی خود به قبلی را از دست می‌داد. رُز زنی عاشق بچه بود و به نوزادان خود خوب می‌رسید و ظاهراً فکر می‌کرد که بچه‌دار شدن برای سلامت زنان مفید است، اما احساسات مادری وی چندان رشد نیافته بودند. مزلو در این رابطه گفته‌است که او زنی زیبا اما بداخلاق بود. مادرش بیشتر از خانواده‌اش به یهودیت علاقه‌مند بود. او زنی نامهربان، بدجنس، خشکه مذهب، و خرافاتی بود که انگار وظیفه‌اش اذیت کردن آبراهام است. کوچکترین کار کودکانه‌ای که آبراهام می‌کرد با خشم مادرش مواجه می‌شد. مادرش می‌گفت که اگر مثلاً، به جای در، از پنجره بیرون برود، خدا او را سنگ خواهد کرد. اگر از شیشه‌ی عسل، که پنهان کرده بود، بخورد، خدا زبان او را بند خواهد آورد. این تهدیدهای پی در پی از بابت انتقام خداوندی باعث شد تا نوعی حس کنجکاو که در دانشمندان مشاهده می‌شود در آبراهام به وجود آید. او به جای در، از پنجره وارد خانه و از آن خارج می‌شد، و می‌دید

که سنگ نشده‌است؛ یواشکی به سراغ شیشه‌ی عسل می‌رفت و با هر انگشتی که از آن می‌خورد، اسم برادران و خواهرانش را تند تند تکرار می‌کرد و متوجه می‌شد که زبانش بند نمی‌آید. به همین دلیل، مزلو معتقد شد که افراد مذهبی که روشن‌فکرانه به مطالعه‌ی مذهب نمی‌پردازند، خرافاتی می‌شوند. رابطه‌ی مزلو با پدرش نیز جالب نبود. وقتی که ساموئل از کارش به‌طور کلی خسته و دلزده شد، تا آنجا که می‌توانست از خانه و خانواده دوری می‌کرد. بر خلاف مادرش، پدرش در هیچ کاری دخالت نمی‌کرد و اکثر اوقات در خانه پیدایش نمی‌شد. شاید به خاطر ناراضی بودن از زندگی زناشویی‌اش بود که صبح زود از خانه می‌رفت و تا دیر وقت بیرون می‌ماند و با دوستانش گپ می‌زد و هر بار نیز بهانه‌ای می‌تراشید. وقتی هم که به خانه می‌رسید، بچه‌ها خواب بودند. در دوران کودکی، مزلو هیچ رابطه‌ای با پدرش نداشت. مزلو پدرش را دوست داشت اما از او می‌ترسید. اما دوران نوجوانی وی مصادف شد با رکود اقتصادی بزرگ در آمریکا و کسب و کار پدرش با رکود

تیچنر، بود. تیچنر یکی از شاگردان ویلهلم وونت، بنیان‌گذار روان‌شناسی بود. او در سال ۱۸۹۲ به کورنل آمده بود و به عنوان پرچمدار ساختارگرایی در آمریکا در آنجا درس می‌داد. سی و پنج سال بعد از استخدام تیچنر در این دانشگاه، مزلو تیچنر را دید که در لباس‌های آکادمیک، در حالی که دانشجویان دوره‌ی فوق لیسانس روان‌شناسی، مطیعانه او را دنبال می‌کردند، از محوطه‌ی دانشگاه رد می‌شود. تیچنر در این دانشگاه، به تدریس مکتبی می‌پرداخت که همه، بجز خودش، مدت‌ها بود آن را نامعتبر و از بین رفته می‌دانستند. ساختارگرایی مطالب واقعاً کسل‌کننده‌ای را یاد می‌داد. کسل‌کنندگی روان‌شناسی یکی از دو دلیل عمده برای ترک تحصیل مزلو، آن هم فقط بعد از یک ترم، و بازگشت وی به سیتی کالج بود. دلیل دیگر، برتا بود. اما وقتی که بعد از مدت‌ها همدیگر را دیدند، خجالت ذاتی مزلو باعث شد نتواند علاقه‌ی خود را ابراز کند. مزلو خجالتی بود و برتا تودار. خوشبختانه، خواهر برتا، آنا، متوجه این موضوع شد و راز آن‌ها را برای یکدیگر فاش ساخت. آن دو در کنار هم نشستند، و هر دو در عذاب بودند. با دیدن این وضع، آنا صبرش را از دست داد و به آن دو گفت که چرا لفتش می‌دهید؟ به همدیگر بگویند که یکدیگر را دوست دارید. مزلو می‌گوید که از این لحظه بود که زندگی وی آغاز شد. با فرارسیدن بهار ۱۹۲۳، مزلو دوباره بی‌تاب و قرار شد. او شنیده بود که دانشگاه ویسکانسین فضای بسیار مساعدی دارد و در دپارتمان روان‌شناسی آن، کِرت کافکا، یکی از اولین روان‌شناسان گشتالت درس می‌دهد. بنا بر این، یک بار دیگر دانشگاهش را عوض کرد. در تابستان، و قبل از رفتن به ویسکانسین، او به دیدن یکی از استادان سابق در سیتی کالج رفت. او کتاب روان‌شناسان ۱۹۲۵ را به مزلو معرفی کرد. در این کتاب، یک مقاله از جان بی. واتسون چاپ شده بود. واتسون یکی از رفتارگرایان مطرح در آن زمان بود. مزلو می‌گوید که با خواندن مقاله‌ی واتسون ناگهان انقلابی در وی به وجود آمده است و احساس کرده است چیزی به نام «علم روان‌شناسی» امکان‌پذیر است.

مواجه شد. پدرش در خانه ماند و به این ترتیب، پدر و پسر با هم دوست شدند؛ بنابراین، مزلو نیز مثل آدلر، و برخلاف فروید یا سالیوان، پدرش را بیشتر از مادرش دوست داشت. مانند جولیان راتر، مزلو ساعات زیادی را در کتابخانه‌های بروکلین می‌گذراند. در مدرسه، یهودی‌ستیزی مشکلی روزمره بود. یک بار، هنگامی که در مسابقه‌ی دیکته برنده شد، معلم نژادپرستش نتیجه را قبول نکرد و آنقدر کلمات مختلف به او داد تا سرانجام، یکی از آن‌ها (کلمه‌ی parallel) را غلط نوشت. بعد از این اشتباه، خانم معلم به بقیه‌ی شاگردان گفت که او از اول می‌دانست که مزلو آنقدر هم زرنگ نیست. با این حال، او در مدرسه شاگرد خوبی بود، آنقدر خوب که به او لقب «یهودی زرنگه» داده بودند. یک مشکل دیگر مزلو، ظاهرش بود. او نیز مانند هورنای احساس می‌کرد زشت است. او دراز و لاغر بود و دماغ بزرگ و پت و پهنی داشت و به همین دلیل مورد تمسخر دیگران قرار می‌گرفت. حتی پدر خودش همیشه از بقیه‌ی اعضای خانواده می‌پرسید: «تا به حال بچه به این زشتی دیده‌اید؟» مواردی از این قبیل باعث شدند مزلو شدیداً دچار عقده‌ی حقارت شود و کودکی خود را با عنوان «دوره‌ای با نهایت بدبختی» توصیف کند. او به دبیرستانی مخصوص پسران باهوش (یا درس‌خوان) رفت و در آنجا در اکثر درس‌ها عملکرد بسیار خوبی داشت. بعد از دیپلم، از یک کالج به کالج دیگر رفت. ابتدا می‌خواست که به دانشگاه بسیار معتبر کورنل در ایالت‌های نیویورک برود. این یکی از معدود دانشگاه‌هایی بود که برای ثبت نام یهودیان محدودیت قائل نمی‌شد. پسرعموی مزلو، ویل، که بهترین دوست وی نیز محسوب می‌شد، در آنجا پذیرفته شده بود، اما مزلو اعتماد به نفس کافی نداشت تا فرم تقاضای ثبت نام را بفرستد. به این ترتیب، در زمستان ۱۹۲۵ در سیتی کالج نیویورک ثبت نام کرد. اما در دانشگاه کورنل بود که مزلو برای اولین بار با روان‌شناسی آشنا شد. همان‌طور که در مورد کلی اتفاق افتاد، کلاس «مقدمات روان‌شناسی»، بسیار کسل‌کننده بود. استاد روان‌شناسی آنها، ادوارد بی.

اصول اساسی آموزه‌های مزلو

هر کدام از ما، دارای یک طبیعت درونی بیولوژیکی هستیم که به یک معنا، طبیعی، ذاتی و غیرقابل تغییر است و به روش علمی می‌توان آن را مطالعه کرد. این طبیعت درونی ذاتاً یا لزوماً بد نیست. نیازها، عواطف و ظرفیت‌های اساسی انسان در ذات خود خنثی، پیشا اخلاقی و حتی خوب هستند. به نظر می‌رسد که انسان ذاتاً و لزوماً بد نیست. بیماری و رفتارهای شروانه، در نتیجه‌ی ناکام ماندن انسان در رسیدگی به نیازهای طبیعی، عواطف انسانی و استعدادهایش ایجاد می‌شود. حتی خشم، لزوماً بد نیست. اگرچه می‌تواند به بدی منجر شود ولی ذاتاً این‌گونه نیست و می‌تواند خوب باشد. طبیعت بشر آنقدر که اغلب می‌گویند به بدی نزدیک نیست. حقیقت این است که فرصت شکوفایی را از انسان دریغ داشته‌ایم. از آنجا که طبیعت بشر بد نیست، قرار نیست آن را سرکوب کنیم. در عوض باید آن را آزاد کرد و پرورش داد. این‌گونه می‌توانیم یک زندگی توأم با رشد، شادی و باروری داشته باشیم. نادیده گرفتن بخش طبیعی درونمان، دیر یا زود و آشکار و نهان به بیماری منجر می‌شود. طبیعت درونی ما مثل طبیعت و غرایز حیوانات، پر قدرت و مهارناپذیر نیست بلکه به آسانی توسط فرهنگ، عادات و نگرش‌های غلط، مغلوب می‌گردد. حتی وقتی ضعیف می‌شود به ندرت به‌طور کامل ناپدید می‌شود. در واقع همیشه در تکاپو برای شکوفایی خواهد بود. حتی در افراد بیمار این تکاپو وجود دارد. این تلاش مداوم درون در پی اعتماد به نفس و حرمت نفس است. شخص، ایستادگی می‌کند تا شکست نخورد و خود را توانا احساس کند و این فقط برای مقابله با خطرات دنیای خارج نیست. این همچنین در مورد تلاش فرد برای کنترل تکانه‌ها و انگیزش‌های خود و ترسیدن از آن‌ها صدق می‌کند. توجه داشته باشید که اگر درستی این پیش فرض‌ها اثبات شود، با خود پایه‌های یک نظام علمی اخلاق، یک نظام ارزشی طبیعی و اعلام نظر قطعی در مورد خوب و بد و درست و

چیزی که جای تعجب دارد این است که یک انسان‌گرای آینده، تحت تأثیر یک رفتارگرا با رویکرد محرک-پاسخ قرار گرفته‌است. مزلو بعد از رفتن به دانشگاه ویسکانسین متوجه شد که کافکا صرفاً به عنوان استاد مهمان به آنجا آمده‌است. با این حال، در آنجا ماند و به تحصیل روان‌شناسی ادامه داد.

با گذشت زمان و افزایش معروفیت مزلو، خشم ناشی از بدرفتاری در کودکی و ناراحتی ناشی از یهودی‌ستیزی به تدریج از بین رفت. او کم‌کم محبت و اعتمادی را که تجربه‌هایش در کودکی آن‌ها را از وی دریغ کرده بودن کشف و حس کرد. با این حال، گاهی اوقات لایه‌ای زیرین از خشم و ناراحتی باعث می‌شد نتواند جلوی خودش را بگیرد. مزلو به زحمت می‌توانست گروه‌های آموزش حساسیت را اداره و رهبری کند. این گروه‌ها مجموعه‌هایی از افراد هستند که در کنار هم جمع می‌شوند تا درونی‌ترین احساسات خود را افشا ساخته و به صمیمیت با دیگران دست یابند. مزلو که تحقیقات و تلاش‌هایش در این مورد نقش مهمی داشت، نمی‌توانست رفتاری مطابق با همین موضوع داشته باشد. وقتی که دوره‌ی پروتست در دهه‌ی ۱۹۶۰ شروع شد، مزلو به‌طور طبیعی کاندیدای خوبی برای به عهده گرفتن نقش گورو (ریش سفید حکیم) بود. با این حال، مزلو از این که جوانان نظام حاکم و اولیای امور را به چالش می‌کشند زیاد خوشحال نبود. مزلو با شجاعت توانست از یک کودکی تراژیک سالم بیرون بیاید اما آثار آن تا آخر عمر بر وی باقی ماندند.

مزلو به تحصیل و کار در ویسکانسین ادامه داد و بدون عجله روی پایان‌نامه‌ی خود کار کرد (که در ۱۹۳۴ آن را به پایان رساند). آنگاه، از ۱۹۳۷ تا ۱۹۵۱ در دانشگاه کلمبیا به‌طور موقت به تدریس پرداخت. سرانجام، او شغلی دائم در دانشگاه برندیس به دست آورد (۱۹۵۱ تا ۱۹۶۹). در آنجا او به مدت ده سال رئیس دپارتمان روان‌شناسی بود. در سال ۱۹۶۸ به ریاست انجمن روان‌شناسی آمریکا رسید. او که از میانسالی از دوره‌هایی متناوب از بیماری رنج می‌برد، در سال ۱۹۷۰ در اثر حمله‌ی قلبی درگذشت.



۱ - نیازهای فیزیولوژیکی یا نیازهای جسمانی: این

نیازها شامل ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهایی هستند که برای ادامه بقا ضرورت دارند، مثل آب، هوا، غذا و خواب. مزلو عقیده داشت که این‌ها اساسی‌ترین و غریزی‌ترین نیازها در سلسله مراتب نیازها هستند زیرا تا این‌ها برآورده نشوند بقیه نیازها در اولویت قرار نمی‌گیرند.

۲ - نیازهای امنیتی: نیازهای امنیتی نیز برای بقا اهمیت

دارند اما به اهمیت نیازهای فیزیولوژیکی نیستند. نمونه‌هایی از نیازهای امنیتی عبارت است از تمایل به داشتن شغل ثابت، بیمه پزشکی، همسایگان بی‌خطر و سرپناهی در مقابل محیط.

۳ - نیازهای اجتماعی یا نیازهای تعلق‌پذیری و

عشق: این نیازها شامل وابستگی، تعلق خاطر، عشق و عاطفه است. به عقیده مزلو این نیازها کمتر از نیازهای فیزیولوژیکی و نیازهای امنیتی، اساسی هستند. روابط دوستانه، وابستگی عاطفی و روابط خانوادگی به ارضاء این نیازها کمک می‌کند. عضویت در گروه‌های اجتماعی، محلی و مذهبی نیز چنین اثری دارد.

۴ - نیازهای احترامی: پس از ارضاء نیازهای

فیزیولوژیکی، امنیتی و اجتماعی، نیاز به مورد احترام واقع شدن، اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد. این نیازها شامل نیاز به چیزهایی است که در احترام به خود، ارزش‌های شخصی، شناخت اجتماعی و پیشرفت، انعکاس می‌یابد. مزلو در کتاب انگیزش و شخصیت در توضیح نیاز به عزت نفس می‌گوید: همه افراد جامعه ما (بجز برخی بیماران) به یک ارزشیابی

غلط را به همراه خواهد آورد. هر چقدر که ما در مورد گرایش‌های طبیعی انسانی بیشتر بدانیم این برایمان آسانتر خواهد بود که به او بگوییم تا چگونه خوب باشد، شاد باشد، مفید باشد و به خود احترام بگذارد، چگونه دوست داشته باشد و چگونه استعدادهایش را شکوفا کند. به این شیوه می‌توان اغلب مشکلات شخصیتی آینده را حل کرد.

هرم مزلو

هرم سلسله مراتب نیازهای مزلو

نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مزلو (Hierarchy of Human Needs) معمولاً به شکل یک هرم متشکل از ۵ یا ۷ طبقه ترسیم می‌شود. این سلسله مراتب از نیازهای ابتدایی در طبقه پایینی شروع شده و هرچه بالاتر می‌رود نیازهای پیچیده‌تر انسانی را معرفی می‌کند که به ترتیب عبارت‌اند از: نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای امنیتی، نیازهای عاطفی، نیازهای اجتماعی-احترامی و نیازهای خودشکوفایی.

طبق نظریه مزلو، هر «نیاز» هرچقدر پایین‌تر قرار داشته باشد، قوی‌تر است و بدون ارضاء نیازهای هر طبقه نمی‌توان به طبقه بالاتر دست یافت.

سلسله مراتب نیازها

آبراهام مزلو، ایده سلسله مراتب نیازها را در کتاب خود به نام «انگیزه و شخصیت» در سال ۱۹۴۳ مطرح نمود. او هدف و آرمان اصلی انسان را و تربیت و تقلاهی او را دست یافتن به مرتبه والای انسانی و همانا تحقیق خویشتن یا خود شکوفایی می‌داند. وی مراتبی را برای دسترسی به این آرمان به صورت سلسله مراتب نیازها تدوین نموده‌است.

سلسله مراتب نیازهای مزلو غالباً به صورت یک هرم نشان داده می‌شود. در سطوح پائین‌تر هرم، ابتدائی‌ترین و پایه‌ای‌ترین نیازها و در بالاترین سطح هرم، نیازهای پیچیده‌تر قرار دارند. طبق تعریف مزلو، پنج سطح مختلف در سلسله مراتب نیازهای انسان وجود دارد:

مزلو عقیده داشت که این نیازها مشابه غرایز انسانی هستند و نقش عمده‌ای در رفتار انگیزشی دارند. نیازهای فیزیولوژیکی امنیتی، اجتماعی و احترامی به نام نیازهای کمبود یا نیازهای کاستی (Deficiency needs) هستند، به این معنی که این نیازها به دلیل محرومیت به وجود می‌آیند. برآورده کردن این نیازهای سطح پائین‌تر به منظور اجتناب از احساسات یا پیامدهای ناخوشایند اهمیت دارد. مزلو بالاترین سطح هرم نیازها را نیاز رشد می‌نامد. نیازهای رشد به دلیل کمبود یا محرومیت از چیزی به وجود نمی‌آیند بلکه زائیده تمایل رشد از سوی یک فرد هستند.

می‌توان سلسله مراتب نیازهای مزلو را چون نردبانی پنداشت که باید پیش از رفتن به پله دوم پای خود را روی پله اول و پیش از پله سوم، روی پله دوم گذاشت، الی آخر. از این رو، پایین‌ترین و نیرومندترین نیاز، باید پیش از بروز نیاز طبقه دوم برآورده شده باشد و سلسله مراتب به همین ترتیب پیش برود تا پنجمین یا نیرومندترین نیاز، یعنی تحقق خود پدیدار شود. بدین ترتیب، شرط اولیه دست یافتن به تحقق خود، ارضای چهار نیازی است که در سطوح پایین‌تر این سلسله مراتب قرار گرفته‌اند. به دیگر سخن، تحقق خود خودشکوفایی عالی‌ترین سطح سلسله مراتب مزلو است، اما مرتبه‌ای است که او احساس می‌کرد که معدودی از انسان‌ها، براساس شالوده‌ای استوار، به آن رسیده و در آن متمکن شده‌اند. با توجه به اینکه در الگوی مزلو، هر مرحله به مرحله قبلی وابسته است، هر فرد باید در هر مرحله جدید از زندگی خود، تا اندازه‌ای این نیازها را از نو ارزیابی کند. ■

منابع

- آبراهام مزلو؛ نظریه‌پرداز روانشناسی انسان مدار
- مشارکت‌کنندگان ویکی‌پدیا. «Maslow's hierarchy of needs». در *دانشنامه‌ی ویکی‌پدیای انگلیسی*، بازبینی‌شده در ۷ ژانویه ۲۰۰۸.
- وب‌گاه روان‌یار. «روانشناسی شخصیت». بازبینی‌شده در ۷ ژانویه ۲۰۰۸.
- سایت انسان سبز
- گنجی، حمزه. نظریه‌های شخصیت. انتشارات ساوالان، ۲۰۱۲.

ثابت و استوار و معمولاً عالی از خوشان، به احترام به خود یا عزت نفس یا احترام به دیگری تمایل دارند ولی در جای دیگر می‌گویند: این سطح از نیازها را می‌توان در دو مجموعه فرعی طبقه‌بندی کرد اول این که آن‌ها عبارتند از: تمایل به قدرت، موفقیت، کفایت، سیادت، شایستگی، اعتماد در رویارویی با جهان، استقلال و آزادی. دوم این که در ما چیزی هست که می‌توانیم آن را تمایل به اعتبار و حیثیت (که آن را احترام دیگران نسبت به خودمان می‌توان تعریف کرد)، مقام، شهرت، افتخار، برتری، معروفیت، توجه و اهمیت و حرمت یا تحسین بنامیم. مزلو در مورد پیامدهای عدم ارضای این سطح از نیازهای پنجگانه می‌نویسد: بی‌اعتنایی به این نیازها موجب احساساتی از قبیل حقارت، ضعف و درماندگی می‌شود که این احساسات نیز خود به وجود آورنده دل‌سردی و یاس اساسی خواهد شد یا اینکه گرایش‌های روان نژندی یا جبرانی را به وجود خواهد آورد. ارزشیابی ضرورت اعتماد به نفس بنیادی و درک این مطلب را که مردم بدون آن چقدر احساس درماندگی می‌کنند و می‌توان از طریق مطالعه روان نژندی ناشی از ضربه شدید روحی بدست آورد.

۵- نیازهای خودشکوفایی: این بالاترین سطح نیازها

در سلسله مراتب مزلو است. انسان‌های خودشکوفاء، افرادی هستند خودآگاه، علاقه‌مند به رشد شخصی، کم‌توجه به عقاید دیگران و علاقه‌مند به ارضاء توانائی‌های بالقوه خود. مزلو به این نتیجه رسید که افراد خود شکوفاء دارای چند خصیصه مشترک‌اند. واقعیت را به خوبی درک کرده و قادرند شرایط مبهم را تحمل کنند. خود و دیگران را آنچنان که هستند قبول می‌کنند. در اندیشیدن و رفتار خود جوشند. بیشتر مسئله مدارند تا خود مدار. از بذله‌گویی برخوردارند. بسیار خلاقند. به سادگی هم‌رنگ جماعت نمی‌شوند. به شادکامی انسان‌ها علاقه‌مندند. از تجربه‌های اساسی زندگی عمیقاً لذت می‌برند. بیشتر با مردمان معدودی روابط عمیق و ارضاکنده دارند تا با تعداد زیادی از مردم. قادرند به نحو عینی به زندگی بنگرند.



انجمن بانوان کلیمی، هفتادمین سال فعالیت

فریده پوراتیان

رئیس انجمن بانوان کلیمی

روش هشانا آغاز سال نو عبری بر هم‌کیشان عزیز، گرامی باد

اساسنامه پی‌گیری نمود. اهم فعالیت‌های انجمن برنامه‌ریزی جهت افزایش آگاهی و توانمندی زنان هم‌کیش از طریق برگزاری سمینارها، جلسات سخنرانی در مورد مشکلات جسمی، روانی و تربیتی خانواده‌ها، بهداشت، تغذیه بوده و نیز تلاش برای تغییر باورهای نادرست ناشی از انتقال نامناسب راهکارهای مقابله با مشکلات توسط نسل‌های گذشته که غالباً به علت عدم هم‌خوانی با علوم و تخصص‌های جدید، عواقب مخربی در پی دارد. زنان از عناصر اصلی ایجاد ثبات و آرامش در خانواده می‌باشند و شخصیت سالم آنان برای تربیت نسل سالم و متعادل بسیار ضروری است و زن تحقیر شده، کودکانی منفعل به جامعه عرضه می‌دارد.

فروتانه اذعان می‌کنیم سازمان ما در تخفیف آرام خانواده‌ها توفیق چندانی نداشته است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل آن این است که انجمن بانوان یک تشکل زنانه است، در رابطه با مسائل خانواده‌ها قائل به تفکیک بین زن و مرد و مرز بندی بین آنها نیستیم، برای ریشه‌یابی و بهبود روابط خانوادگی، همکاری همه‌ی اعضای خانواده ضروری است، در حالی که از طرف پدران، پاسخ مناسبی دریافت نکردیم، لذا سازمان عمده فعالیت خود را در ارتباط با زنان و با اولویت پیشگیری موثرتر از درمان متمرکز نموده است. با این هدف انجمن اقدام به تشکیل کلاس‌های مهارت‌های زندگی برای جوانان و زوج‌های در آستانه ازدواج نموده است که امیدواریم با کمک و همیاری متخصصین، نهادهای مسئول به ویژه انجمن کلیمیان و اندیشمندان دینی بتوانیم این آموزش‌ها را در جامعه نهادینه کنیم.

در این ایام ملکوتی (سلیحوت و یوم کیپور) از درگاه خداوند بخواهیم سالی نیکو توام با صلح و آرامش و گشایش برای ملت ایران و آحاد مردم جهان در پیش رو داشته باشیم. انجمن بانوان کلیمی امسال هفتادمین سال فعالیت خود را گرامی می‌دارد. با درود به روان بنیانگذاران انجمن، این تشکل یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های ثبت شده زنان در ایران می‌باشد که بر حسب ضرورت زمان به همت گروهی از زنان متعهد و علاقمند در سال ۱۳۲۷ تشکیل گردید. زنان یهودی که سال‌ها باور داشتند توانشان تنها در چهار چوب خانه، همسر و فرزند معنا می‌دهد، به واقعیت دیدند که توان بالقوه هر انسانی در پرورش به فعل در آمده و بازدهی خواهد داشت.

اهداف مهم سازمان طبق آنچه در اساسنامه آن زمان مندرج است، عمدتاً فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی از طریق همکاری با سازمان‌های رفاهی جامعه از جمله بیمارستان دکتر سپهر (از طریق تشکیل کلاس‌های آموزشی برای پرستاران، بهیاران و غیره) و سرای سالمندان (خانه پیران)، تاسیس دو مهدکودک (پرورشگاه) در محله کلیمیان و کمک‌های مالی و جنسی برای اقشار کم درآمد که عمدتاً در آن نواحی سکونت داشتند، بود.

بعد از انقلاب و به دنبال یک دهه وقفه، با توجه به نیاز و ضرورت وجود تشکیلاتی مستقل برای زنان، انجمن کلیمیان وقت پیشنهاد تشکیل مجدد سازمان زنان را ارائه نمود. با گردهم‌آیی عده‌ای از زنان علاقمند سازمان در سال ۱۳۷۱ اعلام موجودیت کرد و سرانجام در سال ۱۳۸۱ با تغییراتی در اساسنامه به مقتضای نیازهای آن زمان به عنوان انجمن بانوان و دوشیزگان کلیمی به ثبت رسید و رسماً فعالیت‌های خود را در راستای تحقق اهداف مندرج در



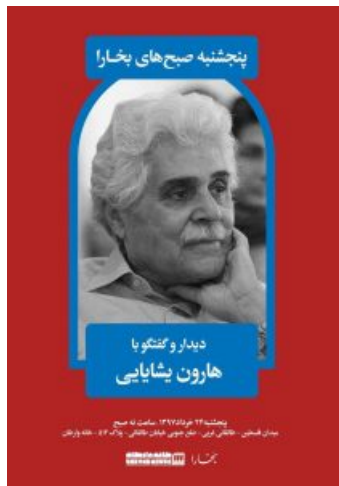
گردهمایی‌های مناسبی با هدف پر رنگ کردن عاطفه‌ها و آشنایی و ایجاد ارتباط بیشتر با یکدیگر می‌باشد. انجمن با عضویت در شبکه ارتباطی زنان کشور و شرکت در جلسات این سازمان ارتباط خود را با سازمان‌های غیردولتی زنان برقرار نموده و به این وسیله در جریان رویدادهای مربوط به زنان قرار می‌گیرد.

انجمن ما امیدوار است با کوله باری از ۲۵ سال تجربه که با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بوده است و تلخی‌ها و شیرینی‌های زیادی را در کاممان ریخته است بتواند با یاری اندیشمندان، عالمان دینی و مسئولان محترم جامعه یهودی به ویژه انجمن کلیمیان تهران و همه‌ی مردان و زنان درد آشنای یهودی و همکاری اعضای محترم انجمن بانوان که تمایل و توانایی فعالیت و ارائه‌ی ایده‌های خلاقانه دارند گام‌های موثری در جهت افزایش مهارت‌های زنان که ارتقاء فرهنگی و ثبات و آرامش خانواده را در پی دارد، بردارد. ■

از دیگر فعالیت‌های انجمن توجه به ورزش و سلامت جسمی زنان بوده است که با ساخت سالن ورزشی مناسب و تهیه تجهیزات مورد لزوم و حضور مربی آگاه و دلسوز این امر محقق گردیده است. برنامه‌های ورزشی در سه محل سالن سرابندی، سالن مهد کودک یلدای ۲ و سالن کنیسیای باغ صبا برگزار می‌شود.

بخش مهمی از فعالیت‌های انجمن، سرپرستی مهدهای کودک یلدای ۱ و یلدای ۲ (میراث سازمان بانوان یهود) و نظارت بر برنامه‌ها و عملکرد مسئولین و در صورت لزوم کمک‌های مالی می‌باشد به طوری که مهدهای کودک هم‌اکنون با حمایت‌های انجمن کلیمیان و نظارت سازمان بهزیستی و استقبال هم‌کیشان از لحاظ تجهیزات و برنامه‌های آموزشی در شرایط مناسبی اداره می‌شود و با برگزاری جلسات سخنرانی، مشاوره‌های فردی و جمعی و آموزش زبان عبری و براخاها، مکان مناسبی برای نگهداری فرزندان یهودی به شمار می‌رود.

از دیگر فعالیت‌های سازمان که بسیار مورد علاقه اعضا می‌باشد برگزاری برنامه‌های شاد و تفریحی و تورهای سیاحتی و زیارتی و گردش‌های یک‌روزه خارج از شهر و



داستان کلیمیان تهران

گفتگو با هارون یشایایی در مجله بخارا

آرش آباء

محقق و مدرس در موزه یهودیت

فعالیت‌های
روشنفکری او در
جامعه یهودی ایران مهم است.

دهباشی درباره کتاب یشایایی اظهار داشت: در ادبیات فارسی و رمان و داستان‌های معاصر، آثاری از زندگی آرامنه و زرتشتی‌ها موجود است اما در عرصه رمان و داستان نمونه‌ای برای زندگی یهودیان نداشتیم. کار یشایایی نخستین کاری است که ما را به زندگی یهودیان جامعه ایران می‌برد به خصوص در محله‌ای که از این جهت کلاسیک است، وارد مناسبات، فرهنگ و فولکلور مردم این جامعه می‌شود.

در ادامه، هارون یشایایی درباره‌ی فضای ذهنی که داستان‌های کتابش در آن شکل گرفت، محیطی که متولد شد و سابقه ذهنی که خاطره ذهنی او را تشکیل می‌دهد، توضیح داد:

هیچ جای تاریخ ایران را نمی‌توانید مطالعه کنید که یهودیان در آن حضور نداشته باشند، یعنی در مسیر تاریخ ایران از هخامنشی تا به امروز همواره در گوشه‌ای حضور داشتند. پیدا و پنهان بودند و گاهی به دلیل فشارها سعی می‌کردند در پشت چراغ بمانند و گاه آزادی بیشتری داشتند در هر صورت سرنوشت آنها، سرنوشت ملت ایران بود که در جامعه یهودیان مهم است. در آخرین سرشماری قبل از سال ۱۳۲۰ که تقریباً تمام یهودیان تهران در محله قدیمی تهران زندگی می‌کردند، تعداد آنها حدود ۶ هزار نفر بود. اینها در گتوی جداگانه نبودند. در محله عودلاجان هنوز هم یهودیان و مسلمان‌ها کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

به مناسبت انتشار کتاب «روزی که اسم خود را دانستم» نوشته‌ی هارون یشایایی، برنامه‌ی دیدار و گفتگو با وی توسط علی دهباشی، مدیر مجله بخارا، ۲۴ خرداد در خانه و شهرکتاب وارطان برگزار شد.

در ابتدا علی دهباشی گفت: امروز بیشتر به وجه دیگری از یشایایی می‌پردازیم و آن وجه داستان‌نویسی او است. یشایایی در چند زمینه کار کرده، در زمینه نقد مسائل اجتماعی و سیاسی به خصوص مسائل روز جهانی و ایران و در زمینه مسائل خاورمیانه، مسائل فلسطینیان و سایر مسائل اجتماعی مقالاتی در روزنامه شرق منتشر کرده است. چند نقطه عطف در زندگی وجود داشت. یکی مساله تولدش در یک محله‌ی بسیار قدیمی که این محله خود یک جریان فرهنگی و اجتماعی را در گذشته خود و بعد، دارد، عودلاجان یادآور خاطرات بزرگی از دوران مشروطیت تا به امروز است که هنوز دست نخورده باقی مانده است.

نقطه عطف دوم ورود او به دانشگاه تهران است. این ورود در دوران حساس جامعه ایران بود یعنی در اواسط سال‌های ۳۰ و زمینه اجتماعی که در آن زمان بود و طبیعی است که به علت علاقه‌مندی به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی وارد فعالیت‌های اجتماعی شد.

سومین نقطه عطف تاسیس موسسه‌ای تبلیغاتی و فرهنگی است که با همکاری دوست قدیمی، بیژن جزنی انجام شد. در دوره‌ای حرفه‌ای بعد از انقلاب با تاسیس شرکت پخش ایران، او بنیان تهیه مهم‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران مانند هامون، اجاره‌نشین‌ها، ناخدا خورشید و بسیاری از فیلم‌های دیگر را بنا نهاد؛ در کنار اینها



در فعالیت‌های سیاسی خود به عنوان یهودی یا انسانی که که جهان را از نگاه چپ می‌بیند هیچ وقت به عنوان یهودی مورد تعرض قرار نگرفتم گرچه در جوامع مسلمان بزرگ شدم. زندگی یهودیان ایران بخشی از تاریخ ملت ایران و بخشی از فرهنگ ملت ایران است که پذیرای قومیت‌ها، ملیت‌ها

و مذاهب بود. من سعی کردم در این کتاب آنچه خود در آن بودم و آنچه شنیدم را برای ترسیم سیمای یهودیان استفاده کنم چون سیمای یهودیان ایران به خوبی ترسیم نشده است. این کتاب که اگر زنده بودم و عمری برای من و حوصله‌ای برای خوانندگان بود جلد دومی خواهد داشت، در جلد اول سعی کردم به تصویر بکشم که در واقع جامعه یهودی هم مانند بقیه ملت ایران است و در زمان سختی جنگ، فقر را در جامعه کلیمیان تجربه می‌کردیم. ما صف‌های طویل را برای به‌دست آوردن یک تکه نان تجربه می‌کردیم. فرهنگی که ما در آن زندگی می‌کردیم قبل از اینکه جریان تفکر صهیونیستی غلبه پیدا کند، یهودیان چیزی از اختلافات نمی‌دانستند و اگر مورد تعرض و بی‌حرمتی قرار می‌گرفتند، این را سرنوشت خود می‌دانستند و تحمل می‌کردند. همین‌طور هم باید باشد و من در این کتاب و باقی نوشته‌ها به این نکته توجه دارم که بعد از توسعه فعالیت‌های سیاسی صهیونیست‌ها، یهودیان ایران، تسلیم آن سیاست نشدند.

کمت‌ر شناخته شده‌اند و گاه با بدبینی و سوءظن مورد قضاوت قرار گرفته و در بسیاری موارد به دلیل محدودیت و ترس از بازگو کردن زشت و زیبای زندگی خودداری کرده‌اند...» (مقدمه مجموعه داستان، هارون یشایایی).

یهودیان ایران بسیار کم به نشر کتاب جهت معرفی دین و فرهنگ خود پرداخته‌اند که دلایل آن متعدد است، که از مهم‌ترین آنها: ترس، محافظه‌کاری و چه بسا تصور عدم ضرورت آن بوده‌است. هر چند بعدها این فضا در خارج از ایران و توسط کلیمیان مهاجر ایرانی شکسته شد، اما بحث ما در مرزهای ایران ادامه می‌یابد.

در بخش دین، کار عظیم ترجمه‌ی تورات و عهد قدیم به فارسی را مسیحیان پروتستان بر عهده گرفتند و توان و اهداف تبشیری ایشان برای نشر گسترده این متن، عذری تقریباً موجه برای یهودیان ایران بود که تلاشی برای ترجمه مجدد آن نداشته باشند، مگر ترجمه پنج کتاب تورات و مزامیر داوود و کتاب استر در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خورشیدی، آن هم در گستره محدود جامعه کلیمی و جهت رفع نیاز شرعی آن (اخیراً پیروز سیار ترجمه‌ای جدیدی از عهد قدیم منتشر نمود).

در بخش آیین دینی و شرعیات نیز معمولاً آموزش‌ها محفلی، شفاهی و عمدتاً به زبان عبری بود و همچنان کتابی جهت استفاده عام منتشر نشد، مگر معدود کتبی آموزشی برای مدارس کلیمی. در گذشته آنچه که در بازار نشر درباره یهودیت موجود بود، اکثراً ردیه نویسی علیه یهودیت یا حمله به یهودیان بود و کمت‌ر کتابی بدون

درباره‌ی کتاب اینکه در تمام داستان‌ها حضور دارم ولی این حضور شخصی نیست، یک من یهودی است که غصه‌ها و شادی‌ها را بیان می‌کند و خواستم در اینجا یک من یهودی را معرفی کنم که هرکسی می‌تواند باشد.

در بخش بعدی برنامه، آرش آبائی مطالب خود را با عنوان تاریخچه و پیشینه‌ای از نشر در جامعه یهودی ایران با ذکر متنی از کتاب یشایایی شروع کرد:

«... این تلاش شاید بتواند مردمی را معرفی کند که

رقص، نشر نیلوفر) و یک رمان بلند نیز به نام «خانواده موسکات» با ترجمه فریبا ارجمند اخیراً منتشر شده است. «آیزاک باشویس سینگر»، نویسنده یهودی آمریکایی است که در کتاب‌های خود به شرح زندگی یهودیان اروپای شرقی می‌پردازد و کتاب «خانواده موسکات» به نوعی آیینی تمام‌نمای زندگی اجتماعی و دینی یهودیان لهستان است. این داستان‌ها، مخاطب ایرانی را فارغ از تعصبات و باورهای دینی، وارد زندگی روزمره یهودیان اروپایی می‌کند. نسخه مشابه ایرانی این حکایات نایاب بود، تا اینکه کتاب هارون یشایایی فتح بابی در این حوزه شد.

تلاش نویسنده‌ی داستان‌های کتاب «روزی که اسم خود را دانستم» از یک نظر، نشان دادن زندگی معمولی کلیمیان در جامعه ایرانی است. مردمانی عادی با همان مشکلات معمول زندگی طبقات متوسط و فقیر؛ و به این ترتیب کلیشه‌ی «یهودیان همیشه ثروتمند و مورد حمایت و... رنگ می‌بازد و مخاطب ایرانی، کلیمی هموطنش را همانند خود حس می‌کند که فضای تنفرآمیزی را که سیاست علیه کلیمیان ایجاد کرده کم اثر می‌کند.

به عنوان نمونه، دو داستان «منور خانم» و «ضیافت غیرکاشر» واقعیتی از نگرش یهودیان آن محله را آشکار می‌سازد که به نوعی رمز ماندگاری این مردمان است، غرور و تعصب! منور خانم در نهایت تنگدستی اما با غرور، حاضر نیست زیر بار منت دیگران باشد (ساز خود فروخت تا خرج کفن و دفنش شود) و مادر پرویز خان نیز با شرایط بسیار سخت اداره ۹ فرزند بدون پدر، همچنان تعصب منع خوراک حرام را در خود دارد و در کوچه پس کوچه‌های محله و حتی در زندان هم دست از سرپسش برای رعایت این موضوع برنمی‌دارد. هر چند نمی‌توان کل زندگی یهودیان ایران را فقط از نگاه یشایایی دید، اما در وضع کنونی، این کتاب، ناب‌ترین ترجمان موجود است.

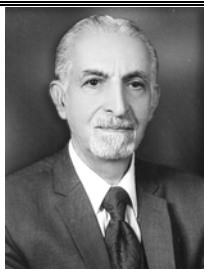
در ادامه‌ی جلسه به درخواست علی دهباشی، یشایایی داستان «ضیافت غیرکاشر...» را برای حاضران خواند و پس از پاسخ به سوالات حضار، هارون یشایایی کتابش را برای دوستداران امضا کرد. ■

منبع: گزارش آیدین پورخامنه

غرض‌ورزی یافت می‌شد. بعدها از اواخر دهه ۷۰، محققان مسلمان و اکثراً از دانشگاه ادیان و مذاهب قم ترجمه و تالیف کتبی در حوزه شریعت و معرفی دین یهود را آغاز کردند. در همین مقطع زمانی بود که انجمن کلیمیان با ریاست و مدیر مسئولی هارون یشایایی مجله افق بینا را در حوزه فرهنگ یهودی منتشر نمود و خانم عراقی که در این جلسه هم حضور دارند امروز سردبیرش است. تا قبل از آن هرچه در بازار نشر می‌دیدیم یا رده‌ای بود بر آیین یهود یا هجماه‌ای بود علیه یهودیان، و در هر صورت هرچه منتشر می‌شد، غرض‌ورزانه بود. از یک مقطع به بعد بود که انتشار منصفانه آغاز شد ولی از طرف جامعه کلیمی تلاش خاصی صورت نگرفت، حداکثر تلاش ما ویراستاری آنچه بود که محققان مسلمان منتشر می‌کردند، اظهار نظر، رد یا راهنمایی‌های کلی بود.

در بخش ادبیات اوضاع بهتر از دو بخش قبلی نبود، ضمن آن که حتی در داخل جامعه نیز چنین فضایی تقریباً وجود نداشت که داستان‌های یهودی مطالعه شود، مگر روایات و حکایات دینی و تلمودی در جهت تقویت اخلاق و باورهای شرع یهود. ادبیات داستانی جامعه یهود یک تفاوتی دارد، آن دو بخش قبل (متون مقدس و آیین دین) یهودیت را معرفی می‌کنند اما ادبیات داستانی حوزه یهود، یهودیان را معرفی می‌کند. در داخل جامعه یهودی ایران فضایی برای نشر داستان‌های یهودی وجود نداشت و رغبتی هم برای آن وجود نداشت، بیشتر شریعت و مسائل دینی آموزش داده می‌شد و سر و کار مردم یهود تورات، نماز و احکام دینی بود و معمولاً کتابی نبود که به داستان پرداخته شود، و تنها داستان‌های دینی بود که به صورت شفاهی برای تقویت باورها و ایمان دینی بیان می‌شد.

در این مقوله نیز هارون یشایایی در نشریات تموز (دهه ۶۰) گاه داستان‌هایی از یهودیان درج می‌نمود، اما تیراژ و گستره توزیع تموز در حدی نبود موجب دسترسی عموم به این حکایات شود. نشر ادبیات داستانی یهودی بیشتر با ترجمه‌ی آثار آیزاک باشویس سینگر (نویسنده لهستانی تبار آمریکایی، ۱۹۰۲ - ۱۹۹۱) از دهه ۸۰ انجام شد که اکثر ترجمه‌های داستان‌های کوتاه آن به دست توانای مژده دقیقی صورت گرفته (معروف‌ترین آن: یک میهمانی، یک



فرهنگ یهودی‌های شیراز

(رئیس دلمیم)

پژوهشگر و مدرس زبان و تعلیمات دین یهود

استاد دلریمیم در سال‌های گذشته اقدام به جمع‌آوری ۶۰۰ کلمه فولکلور یهودیان شیراز کرده است که متأسفانه امروزه کمتر استفاده می‌شود و جوانان شیراز با آن کلمات ناآشنا هستند. تعدادی از این کلمات با معانی آن برای مخاطبان عزیز آورده می‌شود:

نمونه‌ای از لغات روزمره	نمونه‌ای از زبان زرگری (نوعی محلی)	نمونه‌ای از افعال در زمان گذشته اول شخص منفرد
بوآ = پدر	بجد = ببین	اِشْتِم = رفتم
مَوَع = مادر	بگال = برو	مِسَع = گرفتم
دَدَع = خواهر	بپریس = بخور	اِمِکی = انجام دادم (کردم)
گِله کک = پسر کوچک	بیته = خانه	اِم خع = خوردم
دَفته کک = دختر کوچک	لِه بکلوس = نخند	پُوه دِم = بلند شدم
خَه زَنَه - خواهر زن	عِم چدست = فهمیدم	اِم بَس = انداختم
پردشی = برادر شوهر	او داقی مو = آنجا	دِکِدم = لرزیدم
پُس = پسر	می دَعِلِت = می ترسد	اِم گُو = گفتم
دَفِت = دختر	نشاشامادار = پلیس	عَنِدِم = آمدم
بُلُوَع = تار عنکبوت	می چِدِت = می فهمد	اِم فِهمی = فهمیدم
جُمخوُو = لحاف	چومو = پول	عَوَسِم = افتادم
نالی = تَشک	نِعره بتن = نگاه کن	مِعرِت = فلروختم
اووکک = خمیازه	دی ویر لِه بزوا = حرف نزن	اِمائو = آوردم
نارِدِه پَلَع = آبکش	بی عوو = بره	چِقِدِم = پریدم
شافوتک = سوت	اَجِسِت = آمد	اِمناع = گذاشتم
شپلاقی = تو گوش زدن	وَرکام = بلند شو	اِم دیک = دیدم
جُلجا = رختخواب	لِه طوِن = بد است	مِعرِسا = فرستادم
بُوروو = خانه تکانی	شِنِه ماقیم = تغییر مکان	اِم خنی = خندیدم
خودی کک = سوسک		
بی جیشک = گنجشک		
تِک تِیک = موتور سیکلت		
کِلنج = انگشت		
کَل پُک = مارمولک		
تِش = شپش		
کافِ خشتیا = کاف آخر		
پ پَسوتا = پ آخر		
نَه نَه شَبیتا = نون آخر		



معرفی کتاب

پسران و دختران فراموش شده‌ی انقلاب، جامعه‌ی کلیمیان تهران در انقلاب ۱۳۵۷

(نوشته لیور استرنفلد - ترجمه مرتضی ویسی)

هارون یشایایی

تهیه‌کننده سینما

وقتی در درگیری‌ها مجروح می‌شدند، مأمن خود را در جایی می‌یافتند که مایه‌ی شگفتی است، اکثر آنها به بیمارستان سپیر، بیمارستان یهودیان تهران می‌گریختند. تظاهرکنندگان به خوبی می‌دانستند در بیمارستان یهودیان بر خلاف بیمارستان‌های دولتی با آنها خوب رفتار می‌کردند، و یا فراتر از هرچیز، از تحویل دادن آنها به سرویس مخفی بدنام شاه، ساواک (سازمان امنیت و اطلاعات کشور) خودداری می‌کردند. کتاب‌ها و مقالات انگشت‌شماری هستند که به مسئله‌ی حضور یهودیان در عرصه‌ی سیاسی ایران می‌پردازند و این دخالت معمولاً این‌طور تصویر شده که در راستای حمایت از سلطنت و یا جامعه یهودیان بوده است. اما افراد و سازمان‌های یهودی در تحولات سال‌های ۵۷-۱۳۵۶ نیز حضور داشتند، از همه مهم‌تر در بین آنها می‌توان به جامعه‌ی روشنفکران کلیمی ایران و بیمارستان سپیر اشاره کرد.

لیور استرنفلد - جامعه‌شناس و تاریخ‌دان - استاد دانشکده تاریخ دانشگاه تگزاس در ایالت آستین آمریکا است. او در مقالات و کتاب‌های متعدد درباره‌ی زندگی یهودیان جهان تحقیق نموده و آثار او به زبان‌های مختلف ترجمه شده است.



تا جایی که به منابع جامعه روشنفکران کلیمی ایران و بیمارستان خیریه سپیر در تهران مربوط است، پژوهش من بر مصاحبه‌های مسئولین بیمارستان سپیر، مقالات، روزنامه‌ها و مصاحبه با خانواده‌ی دکتر سپیر، موسس این بیمارستان، مبتنی است. روزنامه‌ی جامعه‌ی روشنفکران کلیمی ایران با نام «تموز»، که انتشارش در ۸ تیرماه ۱۳۵۸ شروع شد حاوی اطلاعات بسیار خوبی است که پژوهشگران پیش‌تر آن را ندیده‌اند. روزنامه‌ی «تموز» در تهران چاپ می‌شد اما به مسائل یهودیان در نقاط دیگر نیز

این محقق اجتماعی بررسی علمی و بی‌طرفانه‌ای درباره‌ی نقش کلیمیان ایران در جریان انقلاب اسلامی به عمل آورده و کتاب معرفی شده در دهه ۱۹۹۰ میلادی (۱۳۷۰ شمسی) نوشته شده است. در ادامه به بخش‌هایی از کتاب می‌پردازیم.

لیور استرنفلد در مقدمه‌ی مفصل کتاب می‌گوید:
در طول قیام مردمی ضد شاه در سال ۱۳۵۷ش، معترضانی که خواستار استقرار جمهوری اسلامی بودند،

درمان رایگان به آن مراجعه می‌کردند. در اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰، تیفوس در ایران گسترش یافت و خود دکتر سپهر نیز به آن بیماری مبتلا شد و از دنیا رفت. پس از مرگ سپهر، بیمارستانش را جامعه‌ی یهودیان اداره کرد و به این شکل میراث او یعنی، ارائه‌ی خدمات با کیفیت خوب و بدون تبعیض و رایگان حفظ شد. بر سرور ورودی بیمارستان فلسفه‌ی ساخت آن ثبت شده است. با دو زبان عبری و فارسی، از میهمان‌ها با این آیه‌ی کتاب مقدس استقبال می‌شود:

«همنوع را مثل خودت دوست بدار». این میراث در طول حوادث سال‌های ۵۷-۱۳۵۶ بسیار حیاتی بود. این کتاب به زودی از طرف ناشر منتشر خواهد شد و امیدوارم مورد استقبال همکیشان عزیز قرار بگیرد. ■

حساسیت نشان می‌داد. روشنفکران بسیاری، از جمله چهره‌های برجسته‌ی غیر یهودی، با تموز همکاری می‌کردند و اگر چه هسته‌ی مرکزی جامعه‌ی روشنفکران کلیمی ایران مارکسیست بودند، هیات تحریریه سعی داشت میان ارزش‌های سنتی یهود و ارزش‌های انقلاب ارتباط برقرار کند. این روزنامه روزهای مقدس یهودیان را پوشش داده و آنها را در بافتی انقلابی و تماما ایرانی قرار می‌داد. هدف، به وجود آوردن محتوایی بود که جوامع مختلف یهودی در ایران را با هم متحد کند و پایگاهی برای دیالوگ با هویت اسلامی- ایرانی که در حال تولد بود ایجاد کند.

یکی از شگفت‌انگیزترین ناگفته‌های انقلاب ایران، داستان بیمارستان خیریه‌ی یهودی در تهران، بیمارستان دکتر سپهر است. بیمارستان سپهر نقش حیاتی در نجات جان شماری از انقلابیون داشت. در آن زمان تعداد انگشت شماری بیمارستان دولتی در تهران بود. بیمارستان دانشگاه تهران و مرکز پزشکی شاهنشاهی از برجسته‌ترین بیمارستان‌های دولتی بودند. در سال ۱۳۵۷، زمانی که تظاهرات آغاز شد و با رشد فزاینده‌ی خشونت‌ها، معترضان مجروح را برای درمان به بیمارستان‌های تهران می‌بردند. اما در آنجا آنها با این خطر مواجه بودند که یا پذیرفته نشوند و یا به ساواک تحویل داده شوند. این موضوع درباره‌ی بیمارستان سپهر صدق نمی‌کرد، و همین آنجا را تبدیل به نوعی مکان امن کرده بود.

ارزش‌ها و رسالت بیمارستان ریشه در ماجرای زندگی و مرگ یک پزشک یهودی به نام دکتر روح الله سپهر داشت. در اواخر دهه‌ی ۱۳۱۰ و اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰ دکتر سپهر به عنوان پزشک در یکی از بیمارستان‌های دولتی کار می‌کرد، اما او کار در درمانگاه بیمارستان کوروش کبیر (که بعداً به دکتر سپهر تغییر نام داد) را ترجیح داد و به دیدن بیماران در آن درمانگاه مشغول شد.

با افزایش شمار بیماران، متعاقباً بیمارستان به ساختمان بزرگتری انتقال یافت. دکتر سپهر به طور مکرر به همه اعلام می‌کرد که این بیمارستان در انحصار یهودیان نیست و بی‌تردید بسیاری از بیماران مسلمان برای استفاده از

منبع

Lior strenfeild, The Revolution's Forgotten Sons and Daughters: The Jewish Community in Tehran during the 1979 Revolution, Iranian studies, 2014

معرفی و نقد کتاب

بررسی متنی و سندی متون مقدس یهودی - مسیحی



مهندس آرشد آباءی

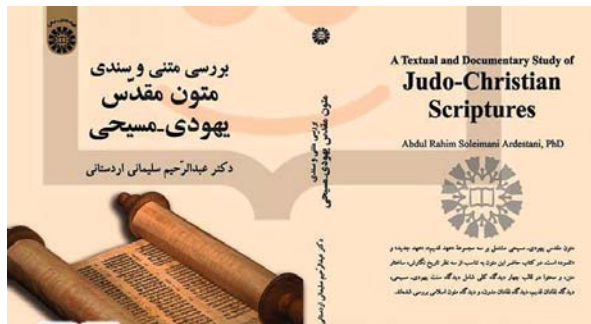
محقق و مدرس در حوزه یهودیت

جایگاه تلمود و ارتباط آن با تورات می‌پردازد. در بخش چهارم، مولف ابتدا ماهیت متون یهودی - مسیحی را در متون اسلامی بررسی نموده و سپس داوری متون اسلامی را درباره‌ی متون موجود ارائه می‌نماید. عبدالرحیم سلیمانی تلاش داشته تا کتاب حاضر را بطور مستند و بی‌طرفانه تدوین نماید و با توجه به سوابق وی در تالیف کتب مرتبط با ادیان و به ویژه یهودیت، به نظر می‌رسد که فارغ از اعتقادات درون دینی یهودیت، کتابی ارزشمند در حوزه‌ی تحلیل کتاب مقدس ارائه کرده‌است. آثار مرتبط با یهودیت از این پژوهشگر ادیان بدین شرح است:

- ۱- درسنامه ادیان ابراهیمی، ناشر: کتاب طه - ۱۳۹۵
 - ۲- کتاب مقدس، ناشر: مؤسسه فرهنگی طه - ۱۳۹۵
 - ۳- یهودیت، ناشر: آیت عشق - ۱۳۸۵
- لازم به ذکر است که ویرایش نخست کتاب یهودیت در سال ۱۳۸۲ منتشر شد و در آن سال به درخواست نویسنده، نظرات دکتر حمای لاله زار درباره‌ی کتاب از طرف کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان به وی ارسال و بخشی از اصلاحات مورد نظر در چاپ بعدی اعمال گشت.

در اردیبهشت ۹۷، جلسه‌ی نقد و بررسی کتاب «بررسی متنی و سندی متون مقدس یهودی - مسیحی» با حضور نمایندگان سه دین ابراهیمی و همچنین مولف کتاب در دانشگاه مفید قم برگزار و از حاخام دکتر یونس حمای لاله زار به عنوان نماینده‌ی دین یهود به همراه آرشد آباءی دعوت به حضور به عمل آمد.

کتاب «بررسی متنی و سندی متون مقدس یهودی - مسیحی» نوشته‌ی حجت الاسلام دکتر عبدالرحیم سلیمانی اردستانی توسط انتشارات سمت در بهار ۱۳۹۶ منتشر شد. سلیمانی پژوهشگر ادیان، استاد دانشگاه مفید و عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه‌ی علمیه‌ی قم است.



این کتاب شامل ۴ بخش عهد قدیم، عهد جدید، تلمود و نگاه متون اسلامی به متون یهودی-مسیحی است. نویسنده در مقدمه به معرفی کتاب مقدس، نسخه‌های به-جای مانده و تاریخچه‌ی نقادی آن می‌پردازد. در بخش اول، با عنوان عهد قدیم، تورات از نظر منشاء، تاریخ و محتوا مورد بررسی قرار گرفته است. حجت الاسلام سلیمانی به تحلیل تورات از دیدگاه نقادان قدیم (ابراهیم ابن عزرا - اسپینوزا) و منتقدان جدید پرداخته و نظریه‌هایی درباره‌ی منابع نگارش آن بیان می‌دارد. همین رویه در قسمت‌های بعدی کتاب درباره‌ی سایر کتب تنخ (عهد قدیم) تحت عنوان کتاب‌های انبیای متقدم، کتاب‌های انبیای متأخر، و مکتوبات ادامه یافته و بخش اول با بررسی کتب رسمی درجه‌ی دوم (اپوکریفایی) و کتب غیر رسمی پایان می‌یابد. بخش سوم با تاریخچه‌ی سنت شفاهی و تدوین تلمود و معرفی بخش‌های آن شروع و در ادامه به بررسی محتوا و

نخست آن که نویسنده به زبان عبری تسلط کافی نداشته و از ترجمه‌های متفاوت و غیر دقیق متن تورات و عهد قدیم بهره برده که گاه سبب سوء برداشت نسبت به معنای اصلی شده است.

دوم، استفاده از منابع تفسیری اسلامی و غیر یهودی بیشتر از منابع یهودی به ویژه با نگاه سنتی بوده است و بدین ترتیب، جمع‌بندی کتاب بیشتر حاصل آرای منتقدان کتاب مقدس و نه مدافعان آن است.

سوم، از نظرات آن دسته از ناقدان جدید یهودیت استفاده شده که اصولاً اعتقادی به وحی ندارند. در این صورت بدیهی است که به عنوان مثال به تمام معجزات مندرج در تورات نقد وارد می‌شود، زیرا در نگاه این دسته از ناقدان، معجزه با علم سازگار نیست.

حاکم حامی در ادامه به ذکر نکات و شواهدی درباره‌ی اصالت تورات پرداخت و بخش‌هایی از کتاب را که شبیهاتی درباره‌ی نویسندگان اصلی کتاب مقدس وارد می‌سازند، مورد انتقاد قرار داد. وی در پایان سخنان خود به جمله‌ای از حضرت علی در تایید کتاب مقدس اشاره کرد: «یهودیان را براساس تورات و مسیحیان را بر اساس انجیل حکم می‌کنم آنطور که خداوند راضی باشد».

در ادامه‌ی جلسه، دکتر حسین سلیمانی، استاد دانشگاه‌های مفید و ادیان و مذاهب و مولف کتاب «عدالت کیفری در آیین یهود»، اظهار داشت: بخشی از اختلاف نظرها و انتقادات در این حوزه از آنجا ناشی می‌شود که دیدگاه کلام‌محور دینی که مبتنی بر اعتقاد و ایمان است، با نگاه فرادینی و پژوهشگرانه قابل جمع نیست.

همچنین دکتر باغبانی در بخشی از نظرات خود از نگاه فراز و فرود نگر تورات و کتب عهدقدیم نسبت به انبیاء دفاع کرد و آن را نشانه‌ی واقع بینی تورات دانست و نه آن که این نگرش لزوماً دلیل تحریف متن یا وجود منابع و نویسندگان متعدد باشد.

این جلسه پس از اظهار نظرات اسقف مسیحی درباره‌ی کتاب، با پرسش و پاسخ حضار پایان یافت. ■

در این جلسه، دکتر حسین سلیمانی به عنوان مجری و کارشناس، حجت الاسلام دکتر باغبانی به عنوان کارشناس اسلام و اسقف ژاک یوسف از طرف آیین مسیحیت نیز حضور داشتند.

دکتر حجت الاسلام عبدالرحیم سلیمانی نویسنده‌ی کتاب در سخنانش گفت: قرآن کریم به ما می‌گوید دنبال حقیقت جویی باشیم نه دنبال ایراد و اشکال گرفتن از کتب پیشین. در پی پیدا کردن نقاط ضعف و برجسته کردن آن نباشیم بلکه همواره دنبال پیدا کردن حقیقت باشیم. من در این کتاب سعی کردم بر این اساس پیش بروم و کتب مقدس پیشین را تأیید نمایم و به بررسی آنها با این نگرش بپردازم. من با ۶ دلیل نشان داده‌ام که متونی که قرآن آنها را تصدیق کرده همین متون فعلی است که البته علامه طباطبایی هم فرموده است متونی که قرآن بر آن صحه گذاشته همین متونی است که در زمان پیامبر اسلام بوده است و امروز هم در دسترس ماست و به نظر من و بر خلاف آنچه که مشهور است، هیچ آیه‌ای در قرآن اشاره به تحریف لفظی تورات ندارد.



از راست: دکتر حسین سلیمانی، دکتر باغبانی، دکتر عبدالرحیم سلیمانی، حاکم دکتر حامی لاله‌زار، اسقف ژاک یوسف

در ادامه، حاکم یونس حامی لاله زار، در نقد کتاب، از یک‌سو بر نگارش صادقانه و بی طرفانه‌ی مطالب کتاب تاکید و از سوی دیگر اظهار داشت که دیدگاه کلامی و نگرش شخصی نویسنده که مبتنی بر قرآن است در نگارش کتاب بی تاثیر نبوده است. وی ۳ نقد اساسی بر بخش یهودیت کتاب وارد دانست:



المیرا سعیدی

تا انتها حضور ...

آفتاب رنج خانه به دوشی‌اش را با خود به دیار دیگری می‌برد و تو را با رنج غربت در دست غروب رها می‌کرد، «دوست» رهایت نکرد.

وقتی دنیا مقابل آرزوهای تو ایستاد و سنگ‌ها سر راحت سدی ساختند به بلندی یک دیوار، پشتت به یک «دوست» گرم بود تا به جایی رسیدی که توانستی سرت را بالا بگیری. سربلندی‌ات را مدیون کسی شدی که آرزویش رسیدن تو به آرزوهایت بود. هم او بود که تا انتها هم نفست بود و شانه‌هایش را از تو دریغ نکرد.

وقتی فقط یک نفر را محرم رازت دانستی، حتی هم‌خون و قوم و خویش غریبه‌هایی بیش نبودند و کسی پیدا نشد زیر آوار دلواپسی و تردید دستت را بگیرد، «دوست» بود که به رسم رفاقت پای تو ایستاد تا تو طعم گس نابرداری را نچشی.

کسی که به وقت لحظات خوشت، دست‌افشانی کرد و شریک روزهای پر شور جوانی‌ات بود، او بود. «دوست» بود که درد دل‌هایت را سنگ صبوری شد تا زیر بار گران زمانه خم نشوی و سنگینی چرخ روزگار تو را نشکند.

با «دوست» بدون چتر هم می‌توانی زیر باران بروی. «دوست» خود پناهگاهی است زیر رگبار نگرانی و آشفتگی‌ها. پس از باران نگاه دلجوی اوست که رنگین‌کمانی از مهربانی را هدیه نگاهت می‌کند.

در کنار «دوست» غبار کینه آن‌قدر در دلت رسوب نمی‌کند که دیگر نتوانی ببخشی و بگذری. با «دوست» آینه‌ی دلت دیگر زنگار نمی‌گیرد که هیچ، عکس آدم‌های با معرفت، شفاف‌تر در ذهنت حک می‌شوند.

صد حیف و صد افسوس که دوستی‌های عصر سرعت و پیشرفت نشانی از مرام رفقای دیروز را ندارند. اخمی را

قصه‌ی دوستی، قصه‌ای است قدیمی ولی نه کهنه و از یاد رفته که در کتاب فروشی‌ها آن‌قدر نایاب شده باشد که منتظر چاپ دوباره‌ی آن شویم. سلامی، شاید نگاهی سرآغاز اولین فصل این کتاب پر بها شده و بند بند هر صفحه‌اش کتج دل ثبت شود و در شام غریبان بی کسی، ورد زبان. خوب که فکر می‌کنی می‌بینی غریبه نیست، خوب می‌شناسی‌اش. برادرت نیست ولی دیر زمانی است که برادری‌اش را به تو ثابت کرده. خاطره‌اش، خاطر را می‌نوازد و بودنش دلیل دوباره دل‌بستن. هنوز مثل روزهای اول، هیجان نزدیک شدن به او و همراهی‌اش مانند کودکی به وجدت می‌آورد و بی‌آنکه بپرسی «تا کجا؟»، همسفر بی‌چون و چرایش می‌شوی. با او می‌روی تا جایی که همچو یک «دوست» همدم و غمخوارش باشی.

دوستی به سان فرشی است پر نقش و نگار که بر دار دل بافته می‌شود. یک عمر هم که بگذرد نخ نما نمی‌شود و رنگ نمی‌بازد. آن‌قدر باید آهسته بر آن قدم برداری تا تار و پودش آخ نگوید. هوایش را داشته باشی، بعد از گذشت سالها چشم نوازتر از روز اول می‌نماید.

در مدرسه‌ی دوستی، نه خبری از فرمول‌های سخت و آسان است و نه شرط قبولی در آن از بر کردن اسامی و رویدادهای تاریخی است. در مکتب دوستی، فاصله‌ها با دل اندازه می‌شود و واحد دوری‌ها یک دل تنگ است. اینجا محیط و مساحت‌ها را با نگاهمان به‌دست می‌آوریم و همدلی و صمیمیت، نمرات درخشان کارنامه‌مان می‌شود.

وقتی دلت از زمین و زمان گرفت و دنیا قفس تنگی شد که حتی نفس کشیدن هم برایت سخت شد، «دوست» بود که دلتنگی‌هایت را نفس کشید. آن زمان که انبوه سوگوار ابرها به بدرقه‌ی دل شکسته‌ات آمدند، هنگامی که

زندگی را چه دیر فهمیدم

سال‌ها پیش بود یادم هست
که جوانی مذهبی بودم
چست و چالاک، بی‌غم و مسرور
سر تعظیم به عرش می‌سودم
کارم از صبح تا شب این بود
شکر کردن، به درد خندیدن
شادمان از دریاچه‌ای رنگین
زندگی را بهشت خود دیدن
یاد آن روزها به خیر که غم
زود از خانه‌ی دلم می‌رفت
تا که می‌شد فضای دل ابری
می‌دمید آفتاب و غم می‌رفت
معنی زندگانیم این بود
یک بهار قشنگ تا آخر
غافل از این که فصل پاییزش
آتشی بود زیر خاکستر
این چنین در مسیر دوران‌ها
شاد و سرمست در گذر بودم
از عبور سریع ثانیه‌ها
وای بر من، که بی‌خبر بودم
لحظه‌ای پیش، پیرمردی را
خسته در عمق آینه دیدم
آه، آن پیرمرد من بودم
زندگی را چه دیر فهمیدم

(همن دل‌رمیم)

تاب نمی‌آوریم و بر سر خرده چیزی، چه زود خم به ابرو می‌آوریم. بر سر «دوست» شرط می‌بندیم، او را آسان معاوضه می‌کنیم و در عوض یک پول سیاه او را به دیگری می‌فروشیم.

رفاقت، قراردادی نیست که دیروز نوشته شده و با سرآمدن تاریخ اعتبارش، فسخ شود و طومارش را برای همیشه به هم بیچیم. دوستی پیمانی است برای حال و همیشه که تا آخر عمر می‌شود رویش حساب کرد. وقتی پای آن را امضا کردی، باید پای سرد و گرمش مردانه بایستی تا مبدا طرفت احساس کند مغبون شده یا بازی را ناعادلانه باخته است.

مبدا فکر کنیم دوستی معامله است که در آن هم وزن چیزهایی که داده‌ایم، باید پس بگیریم. مگر می‌شود معرفت، یکدلی و هم‌زبانی را روی ترازو وزن کنی، با اعداد و ارقام آن‌ها را بسنجی و هم‌سنگش سکه طلب کنی. «دوست» نه کالایی است که تو با آن به همسایه‌ات فخر بفروشی و نه موقعیت و مقامی که آن را بر سر کوچه و بازار جار بزنی.

گرچه آغاز دوستی گاهی یک حادثه است ولی بقایش نه اتفاقی است و نه عادت‌ی که ترکش موجب مرض شود. «دوست» آن قدر عزیز و دوستی به قدری گران‌بهاست تا جایی که از یاد نبریم حتی دوری، پایان دوستی نیست.

لا به لای آن همه لحظات و روزهای یکنواخت که روزمرگی را تجربه می‌کنند، میان آن همه هیاهو، بیهودگی و یکنواختی‌های روزانه‌ات، دوستی را غنیمت شمار و «دوست» را گرمی که بودنش تکرار ضیافت ستاره‌ها و ماندنش، بارشی از ندای پنجره‌هاست.

در آسمان قلبت، با قلمی از جنس عاطفه و احساس واژه‌ی «دوست» را زیبا و خوانا بنویس و «تا انتها حضور» را مترادفش. ■

گزارش کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران لیندا لوی شوقی

مسئول کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران

همایش فرهنگی کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ میزبان دکتر سیامک مرهصدق نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی بود. در ابتدا، مجری برنامه، حمید اقبالی (رئیس هیئت امنای کتابخانه) ضمن خیر مقدم به حضار در مورد فعالیت‌های کتابخانه بیاناتی ایراد نمود. دکتر سیامک مرهصدق در رابطه با گزارش سفر خود به سوریه و ملاقات با بشار اسد به سخنرانی پرداخت و با پرسش و پاسخ حاضرین، برنامه پایان یافت.



بنا به درخواست و پیگیری‌های مداوم دکتر سیامک مرهصدق ۱۳۴ جلد کتاب در زمینه‌های مختلف، داستان‌های ایرانی، داستان‌های خارجی، روانشناسی، هنر، تاریخ ایران، تاریخ جهان، پزشکی، علوم اجتماعی و داستان‌های کودکان و نوجوانان از وزارت ارشاد به کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران اهدا گردید. به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس کتابخانه و رونمایی کتاب‌های اهدایی وزارت ارشاد برنامه دورهمی در تاریخ ۱۳ تیرماه در کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران برگزار گردید.

کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران با کتاب‌های جذاب و متنوع عضو می‌پذیرد. ■
منتظر حضورتان هستیم



سرزمین آرزوها

شرگان انورزاده

فعال اجتماعی

هر روز، با دنیایی امید از خواب بیدار می‌شویم. با دنیایی نور، دنیایی لبخند.

هر روز نمایش زیبایی از خلقت و شاهکار خداست. هر روز آستن خاطرات و لحظات خوشی است که خیلی از آن‌ها، به ما بستگی دارد، به خود ما. امروز، از همین امروز، قشنگ‌تر به زندگی نگاه می‌کنم. دلنگی و دلگیری از دیگران را به ذهنم راه نمی‌دهم. می‌خواهم زندگی، آن جاده‌ی پر پیچ و خمی باشد که با دستان خودم، گل‌های زیادی در آن می‌کارم.

من، لبخند می‌زنم، لبخند تحویل می‌گیرم. شادی را می‌پراکنم، شادی پخش می‌شود، سرریز می‌کند، فوران می‌کند و ناگهان مانند گلی، در قلب همه‌ی اطرافیانم ساکن می‌شود. می‌خواهم آرام و شاد باشم. می‌خواهم کنایه‌ای نزنم و کنایه‌ای ناراحتم نکند.

این گونه، زندگی زیباتر است. می‌خواهم واقعا فکر کنم که هیچ نیمه‌ی خالی، در هیچ لیوانی وجود ندارد. و لیوان‌ها، همیشه پر است و هر آن چه هست، همه فراوانی نعمت است و عشق است و امید و امید.

می‌خواهم پر توان و پر امید بر قله‌های موفقیت تکیه بزنم و از آن جا، موفقیت همه را شاهد باشم. می‌خواهم باور کنم که تمامی آرزوها به حقیقت می‌پیوندند. می‌خواهم باور کنم که رویاها دست نیافتنی نیستند. می‌خواهم باور کنم که موفقیت همیشه در کنار ماست، فقط باید لمسش کنیم و باورش داشته باشیم.

می‌خواهم همه جا پر از عطر عشق باشد، پر از عطر دوستی، محبت می‌خواهم فراوانی‌های نعمت‌های خداوند مهربان را با تمام وجودم باور کنم. می‌خواهم اطمینان داشته باشم که دنیا پر از نور و شادی است و کافی است ایمان داشته باشیم تا با قلبمان و دستانمان، نور و شادی را در وجودمان، همیشه حفظ کنیم.

می‌خواهم همسفر دائمی سرزمینی باشم که نامش آرزوست. سرزمینی که تمامی آرزوهای ما را در بر دارد و با خوش‌بینی و امیدواری و تلاش خودمان، رویاهای شیرینمان را به حقیقت می‌پیوندد. ■



نقد و بررسی «انتقاد»

دوریتا معلمی

کارشناس ارشد روانشناسی

این در حالی است که گاه لازم است که انتقاد کنیم. پس چه کنیم؟

شاید بهتر باشد در ابتدا تعریف و مفهوم جدیدتری از انتقاد داشته باشیم تا بر اساس آن بتوانیم در ارتباطات روزمره‌ی خود با دیگران روابط سالم‌تری برقرار کنیم.

از آنجا که هدف واقعی انتقاد، تغییر دادن در جهت اصلاح است می‌توان گفت: «انتقاد عبارت است از انتقال اطلاعات به دیگران به نحوی که آن‌را در جهت مصالح خود و روابطشان به کار برند». توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که در تعریف جدید، انتقاد برخورد سازنده‌ای است که بین انتقاد کننده و انتقاد شونده صورت می‌گیرد و نه صرفاً خرده‌گیری و عیب‌جویی و یا تخریب شخصیت.

بنابراین می‌توان نحوه‌ی انتقاد کردن را به ۲ شیوه تقسیم‌بندی کرد:

انتقاد مخرب و انتقاد سازنده.

انتقاد مخرب:

به مثال‌های زیر توجه کنید:

- این چه وضعشه؟ مگه نگفتم مودب باش؟ تو همیشه آبروی من رو می‌بری. من می‌دونم تو هیچ‌وقت درست نمی‌شی.

- به تو هم می‌گن زن/مرد؟ برو بین بقیه‌ی مردها/زنها چطور رفتار می‌کنن. تو همیشه بی‌توجهی.

- سعی کنید از بقیه‌ی کارمندها یاد بگیرید. هیچ کارمندی مثل شما نیست. شما هرگز کارها را درست انجام نمی‌دهید.

...

در روابط انسانی از هر نوع (والدینی، زوجی، همکاری، دوستانه، اجتماعی و ...) پیش می‌آید که یکی از طرفین مرتکب رفتار یا گفتاری شود که خوشایند دیگری نباشد و به ناچار بخواهد لب به اعتراض بگشاید. احتمالاً برای شما خواننده‌ی گرامی نیز مشابه چنین شرایطی پیش آمده است:

- فرزندتان کار نادرستی انجام داده،

- از رنگ و مدل موی خواهرتان خوشتان نیامده،

- دوستان با شما بدرفتاری کرده،

- همسرتان تندخویی کرده،

- پسر/ دخترتان نمی‌خواهد به این زودی صاحب فرزند شود،

- کارمندان مسئولیت محوله را به‌درستی انجام نداده،

و هزاران مثال دیگر از این دست که در ایام زندگی ما بی‌شمار است. در چنین شرایطی اغلب ما وظیفه خود می‌-

دانیم که اعتراض کرده و در واقع از اتفاق پیش آمده انتقاد کنیم. در این صورت معمولاً دو وضعیت پیش می‌آید: یا با این اعتراض و انتقاد موجب رنجش و دلخوری می‌شویم و یا برای جلوگیری از ایجاد رنجش حتی در مواقع لزوم ترجیح می‌دهیم دم برنیاوریم و سکوت اختیار کنیم.

چرا چنین است؟

واژه‌ی انتقاد در نزد افراد واژه‌ای است با بار عاطفی منفی، چراکه به صورت معمول وقتی قرار است از کسی انتقاد شود در واقع قرار است بر خطاها و اشتباهاتش انگشت گذاشته شده و چه بسا مورد سرزنش و عیب‌جویی و یا حتی توبیخ و اهانت قرار گرفته و عزت نفسش خدشه‌دار شود.

و اما

انتقاد سازنده

در ابتدا و پیش از آن که شیوهی انتقاد سازنده را ارائه دهیم لازم است توجه شما را به چند نکته جلب کنیم:

نکته‌ی بسیار مهم ۱:

پیش از آن که بخواهیم از کسی انتقاد کنیم ابتدا باید بیاندیشیم که «آیا موضوع مورد انتقاد اصلا به من مربوط می‌شود؟». نحوه‌ی پوشش، رنگ و مدل مو، دلیل تاهل و مجرد افراد، زمان باردار شدن و نشدن، شیوه‌ی مهمانداری کردن، عقاید شخصی و بسیاری دیگر از موارد مشابه به ما ارتباطی ندارد. هرچند که به نظرمان درست و مناسب نباشد.

نکته‌ی بسیار مهم ۲:

پیش از انتقاد کردن بهتر است بررسی کنیم که آیا تغییر امکان پذیر است و آیا خود فرد مایل به تغییر می‌باشد؟ زمانی که فرزندان رشته تحصیلی‌اش را بر اساس استعداد و علاقه‌اش انتخاب کرده فشار ما برای تغییر چقدر می‌تواند موثر و مفید باشد؟ زمانی که دوستان لباس سپید عروسی به تن کرده، چقدر احتمال دارد که انتقاد ما از مدل لباسش موجب تغییر شود؟

نکته‌ی بسیار مهم ۳:

نیت درونی‌مان از انتقاد چیست؟ اصلاح رفتار یا جا آوردن حال طرف و خنک شدن دلمان!!!؟ (اگر به درونمان نگاهی بیندازیم سریع‌تر و بهتر از هر کسی متوجه می‌شویم).

و نکته‌ی آخر:

هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. اگر انتقادی دارید که از فیلتر نکات فوق عبور کرده، مجاز نیستید که در هر مکان و زمانی آن را عنوان کنید.

حال ببینیم برای انتقاد سازنده بهتر است از چه الگویی پیروی کنیم تا بیشترین و بهترین نتیجه را بگیریم:

۱ - ابتدا رفتار مورد نظرتان را به‌وضوح مشخص کنید. واژه‌هایی مانند بی ادب/مودب، شلخته/منظم، تنبل/زرنگ، ... صفاتی هستند که در توصیف شخصیت افراد به کار می‌روند و نه یک رفتار مشخص. هنگامی که به فرزندان

اکنون برای چند دقیقه خودتان را در جایگاه انتقاد شونده تصور کنید. چه حسی به شما دست می‌دهد؟ آیا با شنیدن چنین جملاتی تمایلی به تغییر رفتار در خود حس می‌کنید؟ آیا متوجه شدید که خواسته دقیق انتقاد کننده چیست؟

این شیوه‌ی انتقاد اساسا مخرب است، یعنی نه تنها موجب تغییر نمی‌شود بلکه احتمال هرگونه رشد و پیشرفت را نیز از بین می‌برد. زیرا به جای تمرکز بر رفتار فرد، بر روی شخصیت او انگشت گذاشته و آن را مورد شماتت و توهین قرار می‌دهد. بنابراین امر به او مشتبه می‌شود که قابل تغییر نیست و همین اشاره به شخصیت موجب لطمه زدن به عزت نفس وی و بروز احساسات منفی مانند شرمندگی، خشم، غم، حقارت و ... می‌شود. ضمن آن که در این شیوه‌ی انتقاد معمولا نه فرصت توضیحی داده می‌شود (انتقاد شونده از قبل مجرم و مقصر شناخته شده) و نه پیشنهادی برای اصلاح ارائه می‌گردد. همچنین آنقدر کلی و مبهم بیان می‌شود که فرد شنونده متوجه نمی‌شود که دقیقا کدام رفتاراش اشتباه بوده و باید اصلاح گردد.

قابل توجه است که زمانی که افراد از شیوه انتقاد مخرب استفاده می‌کنند مخاطب نیز به شیوه مخرب پاسخ می‌دهد:

- انتقاد شونده عذر و بهانه می‌آورد ولی مسئولیت رفتار اشتباهش را نمی‌پذیرد (آره حق با تو است ولی تقصیر من نبود).

- انتقاد شونده مقابله به مثل می‌کند (خودت چی؟ یادت میاد اون روز اون کار رو انجام دادی؟)

- انتقاد شونده فرار را بر قرار ترجیح داده و صحنه را ترک می‌کند بدون این که هیچ اتفاق مثبتی بیفتد.

- انتقاد شونده بصورت سطحی می‌پذیرد (به ظاهر ابراز تاسف می‌کند) ولی هرگز رفتارش را اصلاح نمی‌کند.

- و یا همیشه تسلیم محض می‌شود که خود در دراز مدت منجر به افسردگی و یا خشم‌های انفجاری می‌گردد. و نتیجه چنین انتقاد مخرب و پاسخ مخربی نهایتا این می‌شود که نه تنها هیچ اصلاحی رخ نمی‌دهد بلکه مابین افراد تنش و حساسیت شدیدی نیز ایجاد شده که منجر به دور شدن عاطفی و روانی افراد از یکدیگر می‌گردد.

جشن پایان دوره مرکز موسیقی کک کک مهندس فریدون طوبی

مسئول مرکز موسیقی انجمن کلیمیان تهران

روز سه‌شنبه ۱۳ شهریورماه ۹۷ جشن پایان دوره هنرجویان مرکز آموزش موسیقی انجمن کلیمیان تهران با حضور گروهی از همکیشان عزیز و آقایان دکتر همایون سامه‌یح ریاست محترم انجمن کلیمیان تهران و ادموند معلمی سرپرست کمیته جوانان در محل این مرکز در ساختمان سرابندی برگزار شد و هنرجویان به اجرای برنامه پرداختند.

در انتها با اعطای تقدیرنامه از آنان قدردانی شد.

اسامی هنرجویان :

گروه اول پیانو : دבורا فروزانفر ، یائل یعقوبی، ربکا فروزانفر، آنال سله، شهاب اسحاقی و رونیتا سخایی
استاد آرسینه آوانسیان

گروه دوم ویلن : بارا مسجدی، الین دانیال مفرد، رامتین رفوآ

استاد نگین وحیدی

گروه سوم گیتار : نیما ساسانیان، نیکان هارونیان، رادین رفوآ

استاد ایمان صادقان

گروه چهارم تنبک : همنازی سه‌آهنگ که با اجرای او را مسجدی (هنرجو تنبک) و استاد طهماسب‌نیا (همراهی سه‌تار) که خود استاد تنبک و سه‌تار آموزشگاه نیز هستند، اجرا شد.

در پایان از انجمن کلیمیان تهران و کمیته جوانان تقدیر به عمل آمد. همچنین از دینا روبنیان مدیر برنامه، شروین شیرازی تدارکات و امید کدخدا مسئول سیستم صوتی، قدردانی شد.

می‌گویید: «در مهمانی مودب باش» او متوجه نمی‌شود منظورتان دقیقا چیست، سلام کردن، نشستن و ندویدن، شعر خواندن، دست زدن به وسایل... .

یا زمانی که به همسرتان می‌گویید «به تو هم می‌گن زن/مرد؟ برو ببین بقیه زنها/مردها چه می‌کنند»، همسرتان متوجه نمی‌شود که منظور شما دقیقا کدام رفتار دیگران است. و بسیاری مثال‌های دیگر که با کلی‌گویی و مبهم‌گویی نه تنها موجب تغییرسودمندی در فرد نمی‌شویم بلکه همان‌طور که پیشتر نیز ذکر گردید موجبات خشم و شرمندگی و رنجش را نیز فراهم کرده و تنش را افزایش می‌دهیم.

۲- حتما اعلام کنید «این نظر من است». و جداً معتقد باشید به این که نظرتان وحی منزل نیست.

۳- نظر او را هم بپرسید. شاید دلیل خاصی برای رفتارش داشته باشد که شنیدنش نظر شما را هم تغییر دهد.

۴- به رفتارهای درست و مثبتش هم اشاره کنید.

۵- مراقب لحن و زبان بدنتان باشید که از کلامتان گویاتر است.

۶- انگیزه‌ی تغییر بدهید.

۷- و در صورت تغییر، پاداش بدهید (کلمات تشکرآمیز و تحسین‌انگیز هم پاداش محسوب می‌شوند).

توجه خواننده‌ی گرامی را به این نکته جلب می‌کنم که رعایت این الگو نه تنها موجب ارتقاء روابط بین فردی می‌شود بلکه در اشل بزرگتر نیز کارایی موثرتری دارد. مسئولین و متولیان هر جامعه‌ای در کنار تمام زحماتی که متحمل می‌شوند قطعاً اشتباهاتی نیز دارند و از آنجا که برای پیشرفت و ارتقاء هر جامعه‌ای ضروری است که عملکرد مسئولین و متولیان مورد نقد قرار گیرد (دقت کنید: عملکرد اجتماعی و نه شخصیت و زندگی شخصی آنان)، رعایت نکات و الگوی فوق، عملی هوشمندانه و متمدانه می‌باشد تا بدین وسیله موجب رشد و بهبود هرچه بیشتر جامعه گردد. انتقاد مخرب را همه بلدند، انتقاد سازنده را باید آموخت. ■

منبع

هیچکس کامل نیست، هندری وایزینگر، ترجمه‌ی پریچهر گرجی، انتشارات مروارید.



لیورا سعید

کارشناس ارشد روانشناسی

مهارت‌های زندگی کودکان و نوجوانان

به تازگی کلاس‌هایی تحت عنوان «مهارت‌های زندگی» در مهدکودک یلدا ۲ با پشتیبانی انجمن بانوان کلیمی و مسئولان مهد، با تدریس خانم لیورا سعید، کارشناس ارشد روانشناسی برگزار گردیده که خوشبختانه با استقبال اولیاء و نونهالان مهد قرار گرفته است. متنی که پیش رو دارید به بررسی این کلاس‌های مؤثر و کاربردی می‌پردازد.



و در کارهای گروهی شرکت کنند. می‌خواهم اعتماد به نفس‌شان بالاتر رفته و از خودشان، دیگران و زندگی احساس رضایت کنند.

دغدغه‌ام کودکان و نوجوانانی هستند که تفکر خلاق داشته باشند و وقتی به مشکلی رسیدند و به در بسته برخورد کردند، به راحتی و بدون گیر کردن در مسائل، انداختن تقصیر بر گردن دیگران و یا اجتناب و فرار کردن از مشکلات، بتوانند با به کارگیری خلاقیت از راه‌های گوناگون استفاده کرده و مسئله‌های زندگی‌شان را حل کنند. می‌خواهم آنها از افکار قالبی و کلیشه‌ای گذر کرده، افکار جدید و راه‌های نوآورانه به کار بگیرند.

دغدغه‌ام کودکان و نوجوانانی هستند که خود را بشناسند، از ضعف‌ها و توانمندی‌های خود آگاه شوند، خود را باور داشته باشند، بتوانند احساس شادی، غم، ترس و خشم خود را بشناسند، آنها را نام‌گذاری کنند و در موردشان حرف بزنند و بزرگسالانی شوند که از درونیات خود مطلعند؛ استعدادها، نیازها و آرزوهای خود را می‌شناسند و به عنوان افراد خودآگاه، می‌دانند که دوست داشتنی، با کفایت و منحصر به فردند.

دغدغه‌ام کودکان و نوجوانانی هستند که همدلی را یاد گرفته، خود و دیگران را بپذیرند، توانایی درک احساسات و شرایط زندگی دیگران را داشته باشند. بتوانند امور را از دریچه‌ی چشم دیگران نگاه کنند و بدانند رفتارشان چه احساسی در دیگری ایجاد می‌کند.

وقتی بزرگ شدند قادر به برقراری ارتباط مؤثر بوده، گوش شنوا داشته باشند. عقاید، نظرات و خواسته‌های خود را به شکل صحیح ابراز کرده و بلد باشند در صورت بروز مشکل و اختلاف، حل مسئله کرده و رابطه را به صورت برد-برد پیش ببرند. می‌خواهم آنها در ارتباطات‌شان، جای انفعال و پرخاشگری را به جرات‌مندی بدهند. از تک‌روی و خودمحوری دوری کنند و مشارکت و همکاری را بیاموزند

کلیمی، در مهد کودک یلدا ۲ با مدیریت یائل هارونیان و همکاری شیوا شهمی‌فر برگزار شد. این دوره که با شرکت ۱۳ کودک ۵ تا ۸ ساله و در ۱۰ جلسه‌ی یک ساعته تشکیل شد، با استفاده از کار دستی، اجرای نقش، قصه-گویی و بازی، مفاهیم مهارت‌های زندگی به طور ساده و کودکانه آموزش داده شد.

کلاس مهارت‌های زندگی که قابل آموزش به کودکان و نوجوانان ۵-۱۸ ساله می‌باشد، فارغ از این که نونهالان و نوجوانان چه جنسیتی دارند، چه دینی دارند، در کدام مهد یا مدرسه آموزش می‌بینند، فقط با رعایت شرط محدودی سنی، با حمایت و همکاری مهدها و مدارس، مربوط به فرزندان و دانش آموزانی است که والدین و مربیان می‌دانند که دانش و علم آموزی، کار کردن و پول درآوردن، ازدواج و بچه‌دار شدن برای زندگی کردن کافی نیست و فرزندان شان با داشتن آگاهی بیشتر و مهارت‌آموزی، زندگی بهتر، سالم‌تر و شادتری خواهند داشت. ■



می‌خواهم کودکان و نوجوانان مان تفکر نقاد داشته باشند؛ بدون پرسش و تحقیق، بدون تامل و مشورت کردن، کلام، عقیده و رفتاری را قبول نکرده، الگوی خود قرار



ندهند، زود قضاوت نکنند، زود تصمیم نگیرند و در مورد اخبار و اتفاقات عجولانه نتیجه‌گیری یا شایعه پراکنی نکنند. می‌خواهم آنها بدانند که احساس عصبانیت، احساس غمگینی و احساس ترس مثل احساس شادی، طبیعی هستند که ناخودآگاه و به حق به سراغ انسان می‌آیند، نباید سرکوب شوند یا به نادرست بیرون ریخته شوند؛ بتوانند با یادگیری تکنیک‌های مختلف، آنها را مدیریت کرده، به موقع و به شکل صحیح بروز دهند و دیگران را با صداقت، بدون احساس شرم و ناراحتی از وجود این احساسات در درون خود، آگاه کنند.

خودآگاهی، همدلی، ارتباط موثر، روابط بین فردی، تفکر خلاق، تفکر نقاد، حل مسئله و تصمیم‌گیری، مدیریت عصبانیت، مدیریت استرس و مدیریت غمگینی، عناوین مهارت‌های زندگی هستند که هر کودک و نوجوان امروزی باید در کنار امور تحصیلی، ورزشی و تفریحی، یاد بگیرد تا بتواند بهتر زندگی کند، ارتباطات رضایت بخشی برقرار کند، خوشحال باشد و از سلامت جسمی و روانی برخوردار باشد.

تابستان امسال برای بار اول، دوره‌ی مهارت‌های زندگی به شکل حرفه‌ای با پشتیبانی و حمایت انجمن بانوان

ضرورت نیاز پیش دبستان برای کودکان ۳ الی ۶ سال

یائل هارونیان

مدیر مهدکودک یلدا ۲



فقط جایی برای بازی کردن نیست بلکه کودک در آن دائم در حال یادگیری است و توانایی‌های خود را توسعه می‌دهد. مهدکودک و پیش دبستان یلدا ۲ ضمن توجه به نیاز بچه‌ها به شادی، بازی و ارتباط اجتماعی آنها، آموزش‌های لازم را مطابق سن آنها گردآوری نموده و در خدمت بچه‌های همکیش کلیمی می‌گذارد.

با یاری پروردگار و داشتن مربی‌های دلسوز، مهربان و با تجربه در مهد و همچنین فعالیت‌های مختلفی نظیر آموزش ژیمناستیک، زبان، عبری، رقص، شطرنج، موسیقی و آموزش واحد کار، نقاشی، کاردستی، شعر خوانی، نمایش خلاق، ریاضی، علوم و همچنین آموزش حروف الفبا و آلف بت برای پیش دبستان، گردش‌های علمی، تفریحی، مشاوره‌های فردی و سخنرانی رایگان توسط کارشناسان، برگزاری جشن‌های سال نو و پوریم و فارغ التحصیلی تلاش نموده‌ایم محیطی شاد، فعال و آموزنده‌ای برای عزیزان و نوگلان کلیمی فراهم آوریم. ■

به امید یاری پروردگار و استقبال شما همکیشان از مهد و پیش دبستان یهودی

بر اساس یافته‌های روان‌شناسی، سال‌های پیش دبستان در رشد و تربیت کودکان نقش اساسی دارد. در این دوره توانایی‌های مختلف کودکان به سرعت شکوفا شده و پایه‌های اصلی شخصیت آنها شکل می‌گیرد. بر همین اساس پژوهشگران امر آموزش بر آموزش مهارت‌های پیش دبستانی تاکید دارند و از این بین تاکید ویژه آنها بر آموزش زبان مادری، ریاضیات و مهارت‌های هوش - هنری است.

در حقیقت همه کودکان نیاز دارند تا پیش از ورود به مدرسه و یا بهتر بگوییم ورود به اجتماع، آمادگی‌های لازم را کسب کرده و برای ورود به اجتماع حاضر شوند. کودکانی که دوران کودکی را در مهد می‌گذرانند بهتر و راحت‌تر می‌توانند با محیط اطراف خود ارتباط برقرار کنند و در ارتباطات اجتماعی خود کمتر به مشکل برخورد می‌کنند و نسبت به دیگر کودکان به مراتب جامعه‌پذیرتر هستند. کودک از طریق این محل‌های بازی می‌آموزد که پذیرفته شده و با دیگران شریک شود. از حقوق خود دفاع کند و به دیگران احترام بگذارد. برخلاف تصور اکثر افراد، مهدکودک

مادر و پدر بگذارید روی پای خود بایستم

نویسنده : دکتر فرانک سپتیم

مترجم : الهام مؤدب

کودک باقی می‌ماند. فرزندان با شناخت نادرست از مسائل و بدبینی نسبت به آنها در اجتماع چندان موفق نمی‌شوند. فردی که احساس خطر، ترس و حقارت می‌کند، شخصیت روانی سالمی ندارد و نمی‌تواند به درستی خوب را از بد تشخیص دهد.

گاهی خاطرات بدی را از دوران کودکی فرزندان برای دیگران تعریف می‌کنیم. برای مثال به مدیرش می‌گوییم، «معلم مهدکودک پسر من همیشه می‌گفت او با هوش نیست». یا به نامزدش می‌گوییم «او تظاهر می‌کند مهربان و آرام است».

البته هدف ما تحقیر فرزندان نیست. اما با این نوع رفتار به دیگران نشان می‌دهیم که دختر یا پسر ۲۲ ساله ما هنوز کودک و کم‌تجربه است.

والدین گاهی موفقیت‌های فرزندان را بیش از حد بزرگ جلوه می‌دهند و مغرورشان می‌کنند. یا برعکس بیش از حد از فرزندان انتقاد می‌کنند و نسبت به پیشرفت‌هایشان بی‌اعتنا هستند. حتی اگر سراسر جهان فرزندش را تحسین کنند از او انتظار بیشتری دارند. در ۳۰ سالگی با اشتیاق فراوان به پدرم اطلاع دادم که مقالاتم در مجلات مهم و معتبر در مجله نیوزویک چاپ می‌شود. اما او با بی‌تفاوتی گفت: کسی دیگر این مجلات را نمی‌خواند، نمی‌توانستی در مجله بهتری مطلب بنویسی؟ به عبارتی منظورش آن بود که هنوز بزرگ نشده‌ای. اما پس از چند لحظه تفکر متوجه شدم که منظور پدرم آن است که تو مورد توجه جهان هستی، مغرور شدی دیگر نیازی به ما نداری، مرا حتی در لحظات غرور و افتخار دوست بدار.

فرزندان در مواردی اصول، روش و عادات متفاوتی را انتخاب می‌کنند. اما احساس می‌کنیم که به ما وفادار نیستند.

یکی از دانشمندان ناسا برای پاسخ به تلفن فوری مادرش با عجله جلسه مهمی را ترک کرد. اما از صحبت‌های مادرش بسیار متعجب شد.

- پسر من، حالا که زنت لجبازی می‌کنه، تو هم قهر کن و با بچه‌ها چند روزی بیا پیش ما تا تنبیه شه.

چرا ما با فرزندانمان که مشاغل مهمی دارند، مدیر سازمانی هستند، کارمندان را هدایت و مدیریت می‌کنند، یا در مشاغل مختلف موفق هستند مانند کودک رفتار می‌کنیم؟

کارولین ۸ سال است که ازدواج کرده و پسر ۵ ساله دارد. مادرش مرتب به او تلفن می‌کند، از نحوه آشپزی گرفته تا تربیت فرزند و طرز رفتار با همسرش را به او یادآوری می‌کند. اما او خسته شده است و می‌خواهد بگوید «مادر من خواهم مستقل باشم و روی پای خود بایستم».

بی‌شک، همه ما فرزندانمان را دوست داریم. اما گاهی ناخودآگاه آنان را ناراحت می‌کنیم گویی هرگز آماده رویارویی با مشکلات نیستند.

روزی را به یاد می‌آورم که در ایستگاه قطار دخترم را که برای ادامه تحصیل به شهر دیگری می‌رفت بدرقه کردم. زمانی که قطار ایستگاه را ترک می‌کرد، یکی از مادران به دنبال آن دوید تا نصیحت ناگفته‌اش را به دخترش بگوید.

ما برای تربیت فرزندانمان اهداف خوبی داریم. اما گاهی ناخواسته اطلاعات نادرستی در اختیارشان قرار می‌دهیم. نسبت به دیگران آنان را بدبین و بی‌اعتماد می‌کنیم. اجازه خطرپذیری به آنان نمی‌دهیم. به خود وابسته می‌کنیم. احساسات‌شان را سرکوب می‌کنیم. بالاخره آنان از نظر سنی بزرگ می‌شوند، اما از نظر ذهنی و فکری

زن جوانی بر سر مسأله جزئی با همسرش اختلاف پیدا کرد. با بی‌توجهی به راهنمایی‌های چندین روان‌درمانگر و مشاور از همسرش که قصد آشتی داشت جدا شد. پدرش که سه بار متارکه کرده بود، با کمک وکیل کارآمدی طلاق او را گرفت و نیمی از سهم منزلش را به او بخشید تا در کنار پدر خوشبخت شود. فروید معتقد است مردی که مورد محبت مادرش است، در زندگی احساس موفقیت می‌کند اما عشق و محبت بیش از حد مادر به فرزند خطرناک است. پسری که مورد محبت فراوان مادرش است هرگز محبت همسرش را کافی نمی‌داند و از او انتظار دارد تا همچون مادرش به او محبت کند.

حتی زمانی که فرزندان مان ازدواج می‌کنند تصور می‌کنیم برای اداره زندگی مستقل بالغ و بزرگ نشده‌اند، پدران و مادرانی را می‌شناسم که فرزندان‌شان را طرد می‌کنند. زیرا آنان می‌خواهند در تربیت فرزندان و سازگاری با همسر مستقل باشند و عاقلانه و منطقی تصمیم بگیرند.

خانم بسیار خشمگینی اصرار داشت تا فرزندش را از ارث محروم کند. زیرا پسرش نام مورد نظر او را روی نوه‌اش نگذاشته بود. من به این مادر دلشکسته توصیه کردم که محبت‌اش را از فرزند و نوه‌اش دریغ نکند و نوه‌اش را به هر نامی که دوست دارد صدا کند تا نوه‌اش بزرگ شود و نظرش را در مورد اسمش بداند.

پدر و مادر در زندگی فرزندان، همسران‌شان و فرزندشان اهمیت زیادی دارند. اما نوه‌ها به فرزندمان که زندگی مستقلی تشکیل داده‌اند تعلق دارند. اجازه دهیم در زندگی مشترک خودشان راهشان را انتخاب کنند و فقط در مواردی که به ما نیاز دارند آنان را راهنمایی و حمایت کنیم. اگر می‌خواهیم فرزندان‌مان به بلوغ ذهنی و روانی برسند و در زندگی موفق باشند بگذاریم مستقل باشند و در جریان زندگی قرار گیرند. با مشکلات دست و پنجه نرم کنند و مقاوم شوند اشتباه کنند و مسئولیت آن را بپذیرند. تنها در موقع لزوم با درایت و دوراندیشی خود به آنان کمک کنیم. ■

منبع

وظیفه هر نسل جدید آن است که عقاید و افکار نسل گذشته را بررسی، امکانات موجود را کشف و ارزش‌های نسل قبل را با نسل جدید مقایسه و ارزیابی کند. گرچه بسیاری از اصول، عقاید و ارزش‌ها همواره ثابت می‌مانند، اما برخی دستخوش تغییر می‌شوند. برای مثال اگر پسرمان شغل مورد نظر ما را انتخاب نمی‌کند، یا عروسمان برخلاف میل ما رفتار می‌کند، نباید تصور کنیم که برای ما ارزش قائل نیستند.

والدین گاهی باقی ماندن در دوران کودکی را برای فرزندان لذت‌بخش جلوه می‌دهند و در نتیجه فرزندان هرگز نمی‌خواهند آن را پشت سر بگذارند.

برخی والدین فرزندان را با زندگی واقعی و رویارویی با مشکلات آشنا نمی‌کنند اگر به فرزندان بیش از نیازشان پول دهیم، هرگز برای کار و امرار معاش در آینده برنامه‌ریزی نمی‌کنند. راحت طلب می‌شوند و در کودکی باقی می‌مانند.

مرد ۴۰ ساله‌ای را می‌شناسم که کار نمی‌کند. مانند جوانان لباس می‌پوشد، زندگی‌اش در درس و ورزش خلاصه می‌شود. همه مسابقات فوتبال را تماشا می‌کند و هنوز بعد از چند سال تحصیل در دانشگاه بسیاری از واحدهای گذرانده را قبول نشده و دوره کارشناسی را به پایان نرسانده است.

پدرش که در نوجوانی ترک تحصیل کرده وارد بازار کار شده بود کلیه مخارج او را تأمین می‌کند تا فرزندش خوشبخت باشد. آیا این خوشبختی ارزش دارد که فرزندش برای همیشه کودک بماند؟

برخی والدین که می‌ترسند بین آنان و فرزندان فاصله ایجاد شود ناخواسته مانع پیشرفت آنان می‌شوند. پدری با ادامه تحصیل پسرش در شهر دیگری مخالفت کرد تا از او دور نباشد و محبتش به او کم نشود.

ما بر روی فرزندان‌مان سرمایه‌گذاری می‌کنیم و از بدو تولد از آنها مراقبت می‌کنیم و برایشان زحمت می‌کشیم. انتظار داریم بهای سنگینی برای آن بپردازند. احساس می‌کنیم اگر ازدواج کنند فقط به همسر و فرزندان‌شان توجه می‌کنند. پس بهتر است مجرد بمانند و عصای پیری ما باشند، اگر ازدواج کنند با عیب‌جویی یا دخالت‌های بی‌مورد همسرشان را از چشم می‌اندازیم.

طنز



صورت من مثل لبو سرخ شده بود

(ممن دلرمیم)

پژوهشگر و مدرس زبان و تعلیمات دین یهود

به هر کی بگی از هوش خارق العاده تو دهنش باز می‌مونه.

بله شستم خبر شد که قتل و متلی در کار هست. کاغذ و قلمی که در نزدیکی‌ام میز بود برداشتم و کلمه‌های رحیم (قاتل) و سیاوش (مقتول) را نوشتم و زیر آن اضافه کردم (قتل با سه گلوله) و منتظر شدم که نام خانوادگی «رحیم» در این گفتگو گفته بشه تا لااقل بتونم قاتل رو به پلیس معرفی کنم که خوشبختانه آنها را به گفتگوهایشان ادامه می‌دادند: راستی رحیم جون تبریک می‌گم چند روز پیش اسم تو رو تو لیست قبولی‌های کنکور تو روزنامه خواندم.

نه بابا!!! من که تو کنکور شرکت نکرده بودم. پس این چیه نوشته بودی رحیم دل‌رحیم که؟! خوب بهزاد جون این چه حرفیه مگه یک دونه رحیم دل‌رحیم تو این کشور هست؟ هزار تا این طور اسم و فامیلی داریم، هر کی ریش داره که بابای من نیست که!....

خوب رحیم جون کاری نداری؟ خداحافظ نه قربون تو خداحافظ شب بخیر. تلفن اونها قطع شد به دنبال اونها من هم گوشی را گذاشتم سرجاش و به فکر فرو رفتم از یک طرف به خاطر این که می‌خواستم جان یک انسان را نجات بدم خوشحال بودم تو فکر بودم که با چه نقشه‌ای دست این رحیم قاتل را بگیرم و تو دست پلیس بذارم که دو مرتبه عیال غرغروی مربوطه داد و فریادکنان گفت: چی شد مرد؟ معلوم می‌شه چه خبره؟ چرا ماتت زده و تو فکری قضیه از اول تا آخر برایش تعریف کردم و گفتم می‌خوام برم اداره پلیس با کمک پلیس قاتل رو دستگیر کنم. زخم با عصبانیت گفت: دیوونه شدی مرد، بشین سرجات، مگه می‌خوای تو رو هم بگیرند هیچی، هیچی

راحل دخترم از خارج با من تماس گرفت که عمو مراد چند روزی نزد ما بوده و دیروز راهی ایران عزیز شده. سارا عیال مربوطه به من گفت پاشو به عمو مراد تلفن بزن ببین امده و اوضاع دختری چطوره؟ من هم تلفن را برداشتم و شماره عمو مراد را گرفتم هر چه الو الو کردم به جز خش خش چیزی نشنیدم فکر کردم یا شماره تلفن اشتباهی گرفتم یا این که تلفن خرابه ولی پس از چند لحظه صدای شخصی را از آن طرف شنیدم که گفت: سلام ... سلام رحیم جون حالت چطوره! ...

شستم خبردار شد که بله تلفن اتصالی کرده خواستم گوشی را سرجایش بگذارم و دوباره به عمو مراد تلفن کنم ولی حیقم آمد ... می‌شنیدم که می‌گفتند: خوب چکار می‌کنی؟ آقا رحیم گفت راستی تکلیف سیاوش را روشن کردم. سیاوش کیه؟ ... آها آهان فهمیدم راستی چطور می‌خوای بکشیش؟! با شنیدن کلمه «کشتن» دقت من زیادتر شد به طوری که اصلاً موضوع تلفن به عمو مراد از یادم رفته بود. از اون طرف هم زخم مرتب نق می‌زد می‌گفت چی شده؟ چرا لال‌مونی گرفتی من با اشاره با انگشت او را به سکوت دعوت کردم تا بالاخره از خر شیطن پایین اومد و ساکت شد. بله آنها پشت تلفن گفتگویشان را ادامه می‌دادند آقا رحیم گفت: اول خواستم با چاقو یا تبر یا دشنه کارشو بسازم ولی دیدم اینها دیگه قدیمی شده خلاصه رفیق جون تصمیم گرفتم با هفت تبر بکشمش.

ببینم آقا رحیم چه جور می‌خوایم سه تا دونه گلوله حرومش کنم.

- افرین راسی راسی که این سیاوش عجب ماجرای جالبی داره!!!

چپ نزن !!!... من خودم صدای تو و آقا بهزاد دوستت را شنیدم که می‌خواهید یک نفر به نام سیاوش را بکشید. کی به دوستم من همچین حرفی زدم؟! آقا چرا تهمت بیخود می‌زنی؟

چه تهمتی دیشب وقتی داشتیم به عموی بچه‌ها که از خارج اومده بود تلفن می‌زدیم که تلفن اتصالی کرد بعد صدای تو و دوستت را شنیدم که با هم صحبت می‌کردید تو گفتی می‌خواهی شخصی به نام سیاوش را با سه گلوله به قتل برسونی حرف من به اینجا که رسید رحیم شروع کرد به قه‌قه خندیدن و ما چند نفر با تعجب به او نگاه می‌کردیم و حرف‌هایش را این طور ادامه داد:

جناب بازپرس من علاوه بر شغل دبیری یک نویسنده هستم اغلب برای بعضی از مجلات از جمله برای مجله بینا ارگان رسمی انجمن کلیمیان تهران، مقالات گوناگون چه مذهبی و چه اجتماعی و چه فکاهی می‌نویسم این دفعه دارم یک داستان پلیسی می‌نویسم که دیشب دوستم آقا بهزاد به من تلفن زد ضمناً او از من پرسید که چه طوری تصمیم داری سیاوش (یکی از قهرمان‌های داستان پلیسی جدیدم) را بکشی؟ من هم به او گفتم با هفت تیر او را می‌کشم. آقای بازپرس اگر باور نمی‌کنید از دوستم آقا بهزاد بپرسید و یا از مدیرمسئول مجله بینا دکتر همایون سامه‌بیج یا از خانم فرانک عراقی سردبیر مجله بینا بپرسید این هم شماره تلفن آنها.

آقا منو می‌گین از شرمندگی و خجالت می‌خواستم یک قطره آب بشم و به زمین فرو برم. جاتون خالی اگر اونجا بودید من رو می‌دیدید حتما هوس لبو می‌کردید. آخه صورت من از خجالت مثل لبو سرخ شده بود !!! . ■

زندانیات کنند !!!... برای این که اخم‌هایش را باز کنه گفتم: چه چیزی از یک کارگاه کم دارم، و چند مثال از شجاعت دوران جوانیم برایش اشاره کردم از جمله با شوخی گفتم: شجاعت از این بیشتر که ۴۰ سال آزرگار با تو زندگی می‌کنم تو این گفتگو بودیم که پسر آقا یورام وارد اتاق شد گفت مامان مگه چه خبره؟ چی شده؟ مادرش جواب داد: هیچی بابات تب شدید داره داره حرف‌های نامربوط می‌زنه. خلاصه دردسرتان ندهم تصمیم خودم را گرفته بودم و به فکر فرو رفتم که با چه نقشه‌ای آدرس قاتل را پیدا کنم. یک مرتبه به فکر اومدم !! رفتم دفترچه تلفن را آوردم و دنبال اسم رحیم دل‌رحیم گشتم تا بالاخره آدرس و شماره تلفن اونو پیدا کردم. فردا صبح آن روز پس از خوردن صبحانه مختصر لباسم را پوشیدم و قبل از رفتن به اداره پلیس (چون معلم بودم) به مدرسه اطلاع دادم که من امروز به علت یک کار ضروری خانوادگی از آمدن معذورم. از آن جایی که انسانیتیم گل کرده بود با خودم گفتم که ارزش جون یک انسان بیشتر از اونه که بچه‌ها دو سه ساعت بدون معلم باشند. بعد یک راست رفتم اداره پلیس و اونها را از جریان باخبر کردم. اونها هم چند مامور مسلح به دنبال من به خیابان گرگان که خانه رحیم قاتل در آن بود فرستادند. وقتی در زدم مردی آمد در را باز کرد حدس زدم که خود قاتله، مامور رو به یارو کرد و گفت منزل آقای رحیم دل‌رحیم همین جاست؟ بله خود من هستم!! و بلافاصله با اشاره مامور قاتل رو دستبند زدند و پنج نفری به اداره بازجویی و بازپرسی رفتیم. در بین راه هر چه رحیم ناله می‌کرد که بابا با من چکار دارید؟ منو کجا می‌برید؟ به حرفش گوش ندادیم موقع بازجویی از او پرسیدند که چه کسی را می‌خواهی بکشی گفت: والله به پیر به پیغمبر من کسی را نمی‌خوام بکشم !!!... چرا تهمت بیخود می‌زنید!!! بعد بازپرس به من اشاره کرد و از رحیم پرسید: پس این آقا چی می‌گن؟ نمی‌دونم چی می‌گن ... بعد رو به من کرد و گفت آقا چی شده؟ من که از کارهای شما سر در نمی‌آرم و من با ژست مخصوصی گفتم: آقا رحیم خودتو به کوچه علی

طنز



زنگ پرورشی ...

تشیوری

- نه موريس جان من گفتم يه نفر به من گفته تو مدرسه همه دزد هستن من تايد و يا تکذيب نکردم ... در ضمن اگه ما بدونيم که يک نفر آدم خوبی نيست می توانيم در موردش حرف بد بزويم...
+ آقا اجازه؟ مگه خودتون به ما هميشه نمی گين که قضاوت کار خداس و هيچ بندهای نمی تونه قضاوت کنه کی واقعاً خوبه و کی واقعاً بد؟
- بشين سهيل ... خوب کی می دونه ديگه از چی بايد پرهيز کنيم...
+ آقا اجازه؟ من از مامانم ياد گرفتيم بايد از گفتن خوشی هامون برای بقيه پرهيز کنيم... در عوض هروقت حال ما رو پرسيدن از مشکلات ناله کنيم که يه وقت چشم نخوريم...
+ آقا دانی راست ميگه مامان منم گفته هر کی ازت تعريف کرد بگو دندونام درد می کنه...!
+ بله آقا. بابای منم هر کی ازش سوال می کنه اوضاع ماليتون چطوره از اينکه راستش رو بگه پرهيز می کنه هميشه می گه ما بدبختيم...!
- تمومش کنيد... خوب آشر نظرتو در مورد پرهيز کردن چيه؟
+ آقا ما کلاً خانواده پرهيز کاری هستيم ... عروسی هم می ريم تو تالار غذا نمی خوريم...
- آفرين آشر... آدم يک شب اگر گرسنه بمونه چيزيش هميشه در عوض صواب زيادی کرده.
+ نه آقا گشنه که نمی مونيم می ريم با خانواده کباب سرای شمرون...!
- ای بابا.. اون ته کلاس چه خبره؟

- خوب بچه های نازنين موضوع بحث امروز کلاس پرورشيتون در مورد «پرهيز کردن» است. کی می دونه پرهيز يعنی چی؟
+ آقا اجازه؟ پرهيز يعنی از هر چيزی که بد هست دوری کنيم!
- آفرين بنيامين می تونی برامون يه مثال بزنی؟
+ بله آقا... مثلاً وقتی که در يک جمعی هستيم بايد از اظهارنظر در موضوعاتی که هيچ اطلاعاتی در موردش نداريم پرهيز کنيم...
- آفرين بنيامين ... ديگه کی می تونه مثال بزنه برامون؟!
+ آقا اجازه... بابای ما گفته از دوستی با آدمهایی که هيچ نفع مالی و مادی برات ندارن پرهيز کن ... در عوض بچسب به پول دار؟
- اين چه حرفيه سيامک... انسانيت و رفاقت که به اين چيزها نيست...
+ آقا اجازه؟ پرهيز کردن يعنی هر کاری که برای ما سود شخصی نداره انجام نديم...
- نه... اصلاً درست نيست پسر اينجوری سنگ روی سنگ بند نمیشه
+ آقا اجازه؟ بايد از کارهای بد پرهيز کنيم... مثلاً پشت سر ديگران حرف نزويم... دروغ نگيم ... اسرار خصوصی کسی رو فاش نکنيم...
- آفرين يوسف ... بچه ها يوسف درست ميگه ما نبايد پشت سر کسی حرف بد بزويم.
+ آقا اجازه؟ پس چرا دفعه قبل شما سر کلاس گفتين مسئولان مدرسه دزدی می کنن... ضد خدا هستن؟

+ آقا اجازه؟ مگه خودتون نگفتین درست نیست آدم مسائل شخصی رو تو محیط کار و خدمت به جامعه بیاره؟ این مگه مصداق حق الناس نیست؟
- آقا ببخشید... به نظرم آدم اول باید از اینکه حرف و عملش دو تا باشه پرهیز کنه...
- بله بچه‌ها تو این موضوع حق با شما است!!
بچه‌های عزیز یک نفر بلده پاشه و نتیجه‌گیریش رو از کلاس امروز برامون بگه...
+ آقا ما بگیم؟
- بگو آقا موشه...!



آقا بچه‌ها کلی اخلاق و رفتارهای بد گفتن به حق که پرهیز کردن از تک‌تک‌شون برای انسان واجبه... دروغ گفتن، شبیه‌سازی، زیرآب‌زنی، غیبت کردن، انگ بی‌خدایی و بی‌دینی زدن به مردم فقط به خاطر اینکه نظرشون با ما مخالف بوده، بردن آبروی مومن، به هم زدن شادی و عروسی دیگران سرپیچی از فرامین خداوند متعال، رباخواری، دزدی و قدرت طلبی و هزاران هزار رفتار ناشایست دیگه که هر یک به تنهایی می‌تونه انسانیت رو کاملاً مخدوش می‌کنه، همه و همه یک دلیل داره...
و اون زیاده‌خواهی و راضی نبودن به سهم و قسمت شخصی هستش اگر ما اول از همه یاد بگیریم که به سهم و قسمتی که داریم راضی و شکرگزار باشیم و از زیاده‌خواهی پرهیز کنیم هرگز به کاری دست نخواهیم زد که ذات پاک انسانیت رو زیر سوال بیره شاعر می‌گه...

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
گفتم یافت می‌ن‌شود، گشته‌ایم ما
گفت آنچه یافت می‌نشود، آنم آرزوست

معلم با چهره مغموم و متفکر در حالی که چشمانش به منظره پنجره کلاس دوخته شده با صدای آرام و لرزان: «بچه‌ها کلاس امروزتون به پایان رسید می‌تونین برین...» ■

+ آقا شایان داره گریه می‌کنه؟
- شایان...! پاشو ببینم چرا گریه می‌کنی؟
+ آقا اجازه... ما بچه که بودیم مامان بابامون همیشه با هم دعوا می‌کردن... الانم ۴ سال که طلاق گرفتن... آقا ما یاد گرفتیم آدم باید از ازدواج به هر قیمتی پرهیز کنه و دیرتر ازدواج کردن رو به زندگی کردن با کسی که باهاش تفاهم نداره و خوب نمی‌شناستش ترجیح بده...
- بچه‌ها حق با شایان هست... سعی کنین تو ازدواج کردن عجله نکنین و شریک زندگیتون رو با دقت انتخاب کنین... بالا رفتن سن و تنها موندن دلیل خوبی برای ازدواج با انتخاب‌های سرسری نیست و خدای نکرده آدم نباید از اینکه هنوز جفت خودش رو پیدا نکرده خجالت بکشه.
+ آقا اجازه؟ پس چرا مامان ما صبح تا شب به خواهر بیست سالمون می‌گه تو ترشیدی بدبخت بی‌عرضه هم سن‌هات همه شوهر کردن جواب مردم رو چی بدیم حالا؟
- نه این درست نیست... این بحث جاش تو کلاس نیست بچه‌ها
+ آقا اجازه؟ به نظر ما آدم باید از قدرت‌طلبی پرهیز کنه...!
- احسنت دیوید اینکه آدم به دنبال قدرت باشه اصلاً چیز خوبی نیست!
+ آقا معلم پس چرا شما و آقای مدیر هم دیگرو سر انتخاب هیئت مدیره مدرسه ریز ریز کردین؟
- نه پسر... اون ربطی به قدرت نداشت اصلاً، یه مسئله و مشکل خانوادگی بود.



چرا غذای کاشر؟



مژده یمینیان

کارشناس تغذیه

در کتاب تورات، در مورد امور مختلف زندگی، قوانینی وجود دارد که رعایت آنها، علاوه بر این که باعث تزکیه نفس می‌شود، بر روی سلامت جسم انسان‌ها هم تأثیرگذار است. از جمله این قوانین می‌توان به قوانین مربوط به تغذیه و بایدها و نبایدهایی که در زمینه تناول مواد غذایی مختلف وجود دارد، اشاره کرد. به عنوان مثال، رعایت کشتروت^۱، از اصول مهم دین یهود می‌باشد.

منظور از کشتروت، قوانینی است که در زمینه مصرف مواد غذایی می‌باشد. قوانین کشتروت شامل انتخاب نوع مواد غذایی، طرز تهیه و نحوه‌ی مصرف آنها است.

غذای کاشر^۲ به غذایی گفته می‌شود که در آیین یهود براساس قوانین کشتروت، آماده شده باشد.

یکی از قوانین کشتروت در رابطه با مصرف گوشت می‌باشد که در این زمینه برای دستیابی به گوشت کاشر، چندین مرحله باید طی شود.

اولین مرحله، انتخاب حیوان حلال گوشت می‌باشد که در این رابطه شروطی وجود دارد.

در جلد سوم تورات در کتاب و یقرا، پاراشای^۳ شمین، فصل یازدهم و همچنین در جلد پنجم در کتاب دواریم، پاراشای رئه در رابطه با انتخاب حیوان حلال گوشت، چنین نوشته شده است: از چارپایان هر سم‌داری که بین سم‌هایش شکاف دارد و نشخوارکننده است، بخورید و از آبیان، فقط آبیانی که باله و فلس دارند، برای مصرف مجاز می‌باشند.

خداوند زمین را آفرید و با خلقت انسان در کنار سایر مخلوقات، آفرینش را تکامل بخشید. خداوند با مزین کردن انسان به نیروی عقل، او را اشرف مخلوقات خود قرار داد و انسان به واسطه‌ی خرد و دانش توانست بر دیگر مخلوقات تسلط یابد و این چنین شد که با دخالت انسان در نظم طبیعت، تحولاتی عظیم بر روی کره‌ی زمین، به وقوع پیوست. اما از آن جا که انسان، موجودی افسار گسیخته می‌باشد و با استفاده از قدرت تفکر، می‌تواند علاوه بر ایجاد تحولات مثبت، باعث پیدایش هرج و مرج و تباهی شود، خداوند برای هدایت انسان‌ها از گمراهی و تاریکی به سوی انوار الهی، کتب آسمانی را در اختیار آنها قرار داد تا بدین‌وسیله بتوانند با پرورش بعد معنوی، به ذات مقدس الهی نزدیک شوند.

یکی از کتاب‌های آسمانی، کتاب مقدس تورات می‌باشد که روش سالم زیستن و دوری جستن از خطاها را به انسان آموزش می‌دهد. یهودیان، نسل اندر نسل از قوانین تورات پیروی می‌کنند و به این دلیل که در تورات مقدس، اسرار و رموزی نهفته است که شاید عقل آدمی هرگز نتواند به تمامی این رموز دسترسی پیدا کند، در این راه، تنها از نیروی ایمان و عشق الهی کمک می‌گیرند.

اما از آن جا که ذهن بشر همواره در تلاطم و پویایی و به دنبال رازگشایی از اسرار طبیعت است، اقدام به مطالعه و تحقیق می‌کند و موفق شده است که در بعضی موارد، علم را به موازات مذهب و دستورات الهی پیش ببرد، به‌طوری که امروزه علم به کمک قوانین مذهبی آمده و توانسته پرده از رموز بعضی از این فرامین بگشاید.

^۱ - Kashrut

^۲ - Kosher

^۳ - منظور از پاراشا، بخش هفتگی تورات می‌باشد که روز شنبه قرائت می‌شود.

از انجام چند فرآیند، محصول نهایی اسید لاکتیک است که منجر به کاهش PH عضله می‌شود.

وجود اسید لاکتیک در عضله به همراه آنزیم‌های داخل سلولی، موجب تردی لاشه می‌شود. اگر دام قبل از ذبح دچار استرس شود، به علت استرس و افزایش ترشح هورمون آدرنالین که در خون حیوان آزاد می‌گردد، ذخایر گلیکوژنی در بدن حیوان، به سرعت به قند ساده تبدیل و مصرف می‌شود و گلیکوژن موجود در عضلات کاهش می‌یابد که در نهایت منجر به کاهش تولید اسید لاکتیک می‌شود و در نتیجه PH گوشت افزایش می‌یابد. اگر دام سالم باشد و خسته و دچار استرس نباشد و ذخایر گلیکوژنی کافی داشته باشد، ترکیب میوگلوبین^۷ با اکسیژن در گوشت، باعث می‌شود که سطح گوشت در مجاورت هوا رنگ قرمز روشن داشته باشد. در لاشه‌ی دام‌های خسته و بیمار و دام‌هایی که به علت استرس، ذخایر گلیکوژنی خود را از دست داده‌اند، به علت افزایش PH، گوشت دارای رنگ تیره و بافت خشک و سفت می‌شود و تردی خود را از دست می‌دهد. از طرفی دیگر، خون‌گیری کامل که هنگام ذبح کاشر انجام می‌شود، منجر به افزایش ماندگاری گوشت و تأخیر در فساد می‌شود و در صورتی که خون‌گیری به صورت کامل انجام نشود به دلیل عدم افت PH خون، فسادپذیری گوشت سریع‌تر اتفاق می‌افتد و توقف جریان خون در عضلات، از ورود اکسیژن و مواد معدنی به عضله و همچنین از خروج مواد زائد از عضله جلوگیری می‌کند. به وجود آوردن شرایطی که حیوان در معرض استرس نباشد و خون‌گیری کامل هنگام ذبح، از خصوصیات مشترک ذبح حلال در دین یهود و اسلام می‌باشد. این نکته بسیار حائز اهمیت است که هنگامی که خداوند این دستورات را به واسطه‌ی کتاب مقدس، در اختیار انسان‌ها قرار داد، هیچ انسانی به چنین علم و دانشی دسترسی پیدا نکرده بود.

همینطور در مورد پرندگان حلال گوشت نیز قوانینی ذکر شده است.

پس از انتخاب حیوان حلال گوشت، باید از سلامت آن اطمینان حاصل شود، که در این مرحله، حیوان از نظر بهداشت و سلامت، مورد معاینه قرار می‌گیرد و اگر بیمار باشد، حرام محسوب می‌شود. مرحله‌ی بعدی، ذبح شرعی می‌باشد که این مرحله، بسیار حائز اهمیت است. چون کاری دقیق و حساس می‌باشد. ذبح در یهودیت بدین صورت است که باید گردن حیوان با یک چاقوی ویژه ذبح و بسیار تیز و بدون مکث بریده شود و خون‌گیری باید به صورت کامل صورت گیرد. ذابح باید طوری ذبح را انجام دهد که حیوان فوری و با کمترین درد بمیرد و یهودیان معتقد هستند که آزار رساندن به حیوان پیش از مرگش، گوشت را ناپاک می‌کند. بنابراین فرد ذابح باید دوره‌ی آموزشی لازم را فرا گرفته باشد و در این زمینه دارای مجوز شرعی باشد. کاربرد چاقوی تیز و با طول مناسب برای ذابح به این علت است که عمل خون‌ریزی به سرعت و ناگهانی اتفاق بیافتد که این عمل باعث افت فشار خون به صورت سریع می‌شود و به علت کاهش خون‌رسانی به مغز، حیوان احساس درد نمی‌کند. در واقع تمام قوانین ذبح شرعی، برای جلوگیری از ایجاد استرس در دام و خون‌گیری کامل از آن می‌باشد که خوشبختانه، امروزه علم ثابت کرده که این قوانین که از چند هزار سال قبل توسط تورات مقدس به یهودیان آموزش داده شده است، چقدر در افزایش کیفیت و ماندگاری گوشت و حفظ بهداشت آن نقش داشته است.

امروزه ما می‌دانیم که معمولاً بعد از ذبح و قطع تنفس هوازی^۴ در عضله، سلول شروع به انجام تنفس بی‌هوازی^۵ و شکستن گلیکوژن^۶ و تبدیل آن به گلوکز می‌نماید که پس

^۴ - تنفس هوازی نوعی تنفس سلولی است که در آن از اکسیژن برای تبدیل گلوکز به ATP استفاده می‌شود.

^۵ - تنفس بی‌هوازی نوعی تنفس سلولی است که نیازی به اکسیژن ندارد.

^۶ - گلیکوژن یکی از گونه‌های پلی ساکارید است که در سلول‌های جانوران برای ذخیره کربوهیدرات به کار می‌رود و در بدن انسان در کبد و ماهیچه وجود دارد.

^۷ - میوگلوبین یک پروتئین تک رشته‌ای است که نقش اصلی ذخیره و آزادسازی اکسیژن را در ماهیچه‌ها برعهده دارد.

از جمله قوانین دیگری که در دین یهود در زمینه مصرف مواد غذایی وجود دارد، قوانین مربوط به رعایت فاصله زمانی بین مصرف لبنیات و گوشت می‌باشد، به طوری که یک فرد یهودی باید فاصله‌ی زمانی را بین مصرف مواد غذایی حاوی گوشت و لبنیات رعایت کند.

در جلد دوم تورات، کتاب شмот، پاراشای میشپاطیم و در جلد پنجم در کتاب دواریم، پاراشای رثه آمده است: بچه‌ی چارپای حلال گوشت را در شیر مادرش نیز، که این جمله به وسیله‌ی علمای یهود بدین صورت تفسیر شده است که گوشت را نمی‌توان با لبنیات پخت و یا خورد و ما امروزه می‌دانیم که جذب آهن در کنار کلسیم مختل می‌شود و چون لبنیات غنی از کلسیم هستند و گوشت هم منبع غنی از آهن می‌باشد، بنابراین بهتر است که از مصرف لبنیات در کنار گوشت، خودداری کنیم.*

از طرف دیگر چون اکثر دسرهای پر کالری که پس از غذا مورد مصرف قرار می‌گیرند، به نوعی حاوی شیر و لبنیات هستند، با رعایت فاصله‌ی زمانی بین مصرف غذاهای حاوی گوشت و این گونه دسرها، می‌توان به صورت غیرمستقیم، تا اندازه‌ای از پیدایش اضافه وزن و چاقی و بسیاری از بیماری‌هایی که در نتیجه چاقی به وجود می‌آیند، پیشگیری کرد. به طور کلی، رعایت دستورات مذهبی ذکر شده در ادیان، علاوه بر کمک به حفظ سلامتی جسم و روان انسان‌ها، می‌تواند در زمینه‌های اجتماعی هم تأثیرات مثبت داشته باشد و در واقع اصول بهداشتی که در ورای این دستورات نهفته است، تنها بخشی ناچیز از اسرار نهفته‌ی فرامین الهی می‌باشد و پیشرفت علم و دانش می‌تواند به کمک افرادی که در انجام بعضی فرامین الهی دچار شک و تردید هستند آمده و هرگونه شبهه را در این زمینه برطرف نماید و با گذشت زمان، بیشتر به این نکته پی می‌بریم که تسلیم شدن در برابر اوامر الهی، حتی بدون دلیل قانع کننده، به نفع همه‌ی انسان‌ها می‌باشد و این امید وجود دارد که در آینده‌ای نزدیک به پاسخ همه‌ی چراهای خود نزدیک شویم. ■

مرحله‌ی بعدی برای تهیه‌ی گوشت کاشر، جدا نمودن رگ و پیه از گوشت می‌باشد که امروزه ثابت شده است که مصرف پیه به دلیل میزان چربی اشباع بالا، زمینه را برای پیدایش بیماری‌های قلبی، عروقی مساعد می‌کند.

بعد از جدا نمودن رگ و پیه از گوشت، باید خون موجود در گوشت به صورت کامل از آن خارج شود که برای انجام این کار، یهودیان گوشت را به مدت نیم ساعت در آب ساده و سپس به مدت یک ساعت در نمک قرار می‌دهند تا خون‌گیری از گوشت به صورت کامل انجام گیرد.

در جلد سوم تورات، کتاب وایقرا، پاراشای قدوشیم، فصل نوزدهم آمده است: چیزی را با خونابه نخورید. همچنین در جلد پنجم تورات، کتاب دواریم، پاراشای رثه گفته شده است: فقط حذر کن خون نخوری، چون خون همان مایه‌ی زندگی است، پس مایه‌ی زندگی را با گوشت نخور، آن خون را نخور و مانند آب بر زمین بپاش.

آن را نخور تا این که به سود تو و بعد از تو به سود فرزندان باشد، چون که با نخوردن آن به نظر خداوند^ا، کار پسندیده‌ای انجام خواهی داد.

ما امروزه می‌دانیم که خون باعث جذب باکتری‌ها و عوامل فساد می‌شود و با قرار دادن گوشت در آب و نمک، در واقع باعث خروج خون از گوشت و جدا نمودن باکتری‌ها می‌شویم. نمک سود کردن یا نمک زدن هم یکی از روش‌های نگهداری از مواد غذایی است که در این روش نمک با تغییر در فشار اسمزی درون گوشت، باعث خارج شدن آب از گوشت می‌شود و بدین طریق باعث از بین رفتن میکرو ارگانیسم‌هایی می‌شود که می‌توانند باعث فساد گوشت شوند. چون گوشتی که خونش را از دست داده، دیگر باکتری زیادی نمی‌تواند رشد کند. قرار دادن گوشت در نمک، علاوه بر نابودی میکرو ارگانیسم‌ها با تغییر فشار اسمزی، باعث تحلیل تارهای عضلانی می‌شود و نهایتاً باعث تردی بیشتر گوشت می‌شود.

*- البته بعضی متخصصین تغذیه اعتقاد دارند که چون ماست، از بین لبنیات، حالت اسیدی دارد، نمی‌تواند بر روی جذب آهن تأثیر منفی داشته باشد.

^ا- منظور از ادونای خداوند متعال است.

ارث و حقوق و تکالیف ناشی از آن

امیرفراز نعیموت

کارشناس ارشد مقوق



قانونی نیست. زیرا او شرطی برخلاف نص صریح تورات نموده است»

همانطور که مشاهده شد طبق قوانین مدنی ایران همچنین شرع مقدس یهود هیچ کس نمی‌تواند به موجب وصیت‌نامه وراثت خود را از سهم ارث خود محروم کند. ولی بدیهی است که در طول حیات می‌تواند به موجب بخشش اموال یا در قالب هر عقد دیگری اموالش را به صورت دلخواه و به هر میزان به هر شخصی که مدنظرش بود منتقل کند.

اما یکی از سوالات همیشگی در تقسیم اموال، نحوه تقسیم حقوق مستمری فوت‌شدگان تامین اجتماعی است. طبق قانون تامین اجتماعی مستمری عبارت از پولی است که طبق شرایط مقرر در قانون و به منظور جبران قطع تمامی یا قسمتی از درآمد به بیمه شده و در صورت فوت او برای تامین معیشت بازماندگان وی به ایشان پرداخت می‌شود. باید توجه داشت که بین مستمری ناشی از فوت و مستمری‌های دیگر از قبیل کارافتادگی، بازنشستگی و ... فرق وجود دارد. اما سوال اینجا است که در مورد مستمری ناشی از فوت تقسیم آن بین ورثه متوفی چگونه است؟ آیا

همان‌طور که در شماره قبل به آن اشاره شد یکی از منابع مالکیت، اموال جامانده از فوت فرد است که ماترک یا ارث لقب دارد و با انحصار وراثت توسط وراثت تملک می‌شود بعضاً گاهی ممکن است که به جهت ناآشنایی و نیز شرایط روحی و روانی وراثت دچار مشکلاتی شوند که با شناخت و آشنایی از حقوق و تکالیف خود می‌توانند آن را مدیریت کنند. ضمن اینکه همواره به همه مراجعین خود و افرادی که در پروسه انتقال دارایی‌های شخص متوفی قرار دارند توصیه نموده‌ام که حتماً راه‌حل‌های قانونی را در پیش بگیرند و در چنگال سودجویان و به اصطلاح کار راه‌اندازها گرفتار نشوند.

هرگاه شخصی فوت می‌کند در صورتی که اموالی داشته باشد، وراثت او می‌تواند بعد از گرفتن گواهی انحصار وراثت آن را بین خود تقسیم کنند که طبق قانون و اصول شرعی سهم هر یک از وراثت از آن مشخص است.

یکی از اصول بسیار مهم حقوقی که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که **هیچ فردی نمی‌تواند وراثت خود را از رسیدن به ارث محروم کند** همان‌طور که قانون‌گذار در ماده ۸۳۷ قانون مدنی مقرر کرده است: اگر کسی به موجب وصیت یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند وصیت مذکور نافذ نیست.

این قاعده که مستنبط از قواعد فقه شیعه می‌باشد در اصول فقهی دین یهود عیناً موجود می‌باشد همان‌طور که متون دینی یهود آمده است: «اگر کسی در وصیت نامه خود اعلام دارد. فلانی که نخست زاده من است نباید از میراث سهم مضاعف ببرد یا آنکه، فلان پسر من نباید مانند سایر فرزندانم از میراث من بهره‌مند شود، اظهارات او دارای قوت

دریافت می‌نمایند. بدیهی است مجموع مستمری‌ها نباید از میزان مستمری متوفی تجاوز نماید و چنانچه تجاوز کند سهم هر کدام به نسبت دریافت تقلیل می‌یابد. از دیگر مسائل و سوالات همیشگی نحوه تقسیم حقوق بازماندگان مسئولین صندوق بازنشستگی کشوری می‌باشد که به شرح ذیل بررسی می‌گردد.

هرگاه کارمند دولت در زمان اشتغال یا بازنشستگی فوت نماید وراثت قانونی وی شامل افراد ذیل استحقاق دریافت حقوق وظیفه دارند:

همسر فرزندان ذکور تا سن بیست سال و در صورت اشتغال به تحصیلات عالی تا سن ۲۵ سالگی فرزندان و نوادگان اناث به شرط نداشتن شغل و شوهر.

پدر و مادری که در زمان حیات متوفی تحت تکفل وی بوده باشند شوهر در صورتی که در از کار افتاده بوده و در زمان حیات عیال خود تحت تکفل او بوده باشد فرزندان و نوادگانی که علیل و یا ناقص‌العضو بوده و مادام‌العمر قادر به انجام کار نباشند. هرگاه بازنشسته‌ای فوت شود از تاریخ یک روز بعد از فوت برای وراثت واجد شرایط وی حقوق وظیفه برقرار خواهد شد.

لازم به ذکر است که همین حقوق برای بازماندگان قانون تامین اجتماعی که واجد شرایط هستند در نظر گرفته شده است. مضافاً اینکه، حمایت‌های قانونی سازمان تامین اجتماعی برای بازماندگان محدود به مستمری ماهیانه نیست، بلکه برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی، دریافت کالابریک، کمک هزینه مسکن، عیدی و ... از دیگر خدماتی است که به بازماندگان بیمه شدگان و مستمری بگیران متوفی ارائه می‌شود.

در مقابل حقوق‌ها که قانون برای ورثه در نظر گرفته است و تکالیفی هم طبق قانون برای وراثت در نظر گرفته شده است در قانون هر جا حقوقی برای افراد در نظر گرفته شده است، اصولاً وظایفی نیز بر صاحب حق وضع گردیده که وراثت نیز از این قاعده استثناء نیستند.

ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی مقرر می‌دارد: ورثه ملزم نیستند غیر از ترکه چیزی به طلبکاران بدهند و اگر ترکه

برابر قواعد و مربوط به ارث بین آنان تقسیم می‌شود؟ می‌دانیم که ماترک متوفی اموالی است که از بعد از فوت از مالکیتش خارج می‌شود و طبق قوانین ارث بین وراثت تقسیم می‌شود، اما مستمری فوق‌الذکر بعد از فوت شخص در حق ورثه استقرار پیدا می‌کند و به منظور کمک به معیشت اشخاص تحت تکفل متوفی برای زمان بعد از فوت اوست در واقع این حق در زمان حیات متوفی وجود نداشته تا آن را براساس قواعد ارث تقسیم کنیم. به همین دلیل پرداخت مستمری به بازماندگان به نحو تساوی صورت می‌گیرد و چه بسا برخی از بازماندگان حق دریافت آن را نداشته باشند هر چند از اموال متوفی ارث می‌برند. از این رو باید توجه داشته باشیم که برای دریافت حقوق مستمری شرط اول تحت تکفل بودن می‌باشد.

براساس ماده ۸۱ قانون تامین اجتماعی بازماندگان متوفی که واجد شرایط دریافت مستمری و یا غرامت مقطوع می‌باشند عبارتند از:

الف) همسر دائمی بیمه شده، که حق دریافت مستمری را دارد و با ازدواج مجدد این حق ذائل می‌شود.

ب) فرزند ذکور متوفی تا بیست سالگی و پس از آن در صورت اشتغال به تحصیل در مقاطع دانشگاهی تعیین شده و یا اینکه معلول شناخته شود.

ج) پدر و مادر متوفی در صورتی که تحت تکفل متوفی بوده و سن پدر از ۶۰ سال و سن مادر از ۵۵ سال تجاوز کرده باشد و یا اینکه از کار افتاده باشد و در صورت مستمری از سازمان دریافت ننمایند.

د) فرزند اناث متوفی در صورتی که فاقد شغل و شوهر باشد. لازم به ذکر است در اجرای قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست مصوب ۹۲/۷/۱۰ و آیین‌نامه هیات وزیران مصوب ۹۴/۴/۱۴ فرزند خوانده در حکم فرزند حقیقی بوده و از تمام حقوق و مزایای قانونی بهره‌مند خواهند گردید در خصوص میزان سهم مستمری هر یک از بازماندگان باید گفت: همسر یا همسران بیمه شده ۵۰ درصد مستمری، هر فرزند ۲۵ درصد مستمری و پدر و مادر نیز ۲۰ درصد مستمری استحقاقی بیمه شده را

در خصوص تکالیف مالیاتی قابل توجه است از آنجا که سهم الارث نیز یک نوع مال یا حقوق مالی وراث محسوب می‌شود، طبق قانون مالیات‌های مستقیم، براساس تعرفه‌های مشخص که تا میزان خاصی نیز معاف از مالیات است مشمول مالیات می‌شود. البته میزان این مالیات چون بر مبنای ارزش منطقه‌ای محاسبه می‌شود و معافیت‌های مالیاتی نیز در آن اعمال می‌شود مبلغ قابل توجهی نخواهد بود این در حالی است که این مالیات فقط برای اموال دارای سند که سابقه ثبتی دارند اعمال می‌شود به طوری که اسناد غیررسمی و اموال منقول و هرگونه مالی که سابقه ثبتی نداشته و نقل و انتقال رسمی نیز درباره آن صورت نمی‌گیرد مشمول مالیات نمی‌شود.

در پایان باید به این نکته توجه کرد، چنانچه فرد متوفی بدهکار باشد، برای مثال قبل از فوت محکوم به پرداخت دیه شده باشد، برداشت این مبلغ از حقوق مستمری فاقد وجاهت قانونی بوده و امکان‌پذیر نمی‌باشد زیرا مستمری جزو ترکه نیست، بلکه حقی است که قانونی با هدف حمایت مالی از بازماندگان شخص فوت شده در نظر گرفته است. اما در مورد بیمه عمر این سرمایه جزو ماترک محسوب نمی‌شود و اگر بیمه‌گذار شرایط خاصی در مورد نحوه تقسیم آن در قرارداد بیمه آورده باشد، مطابق همان رفتار و عمل می‌شود و سرمایه مزبور بین وراث تقسیم می‌شود. اگر در بیمه نامه سهام وراث تعیین نشده باشد، این سرمایه بر مبنای قاعده ارث بین وراث تقسیم خواهد شد.

با تشکر از راهنمایی جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار و جناب حاخام صیون تهرانی. ■

برای اداء دین متوفی دیدن کافی نباشد ترکه و دین تمام بستانکاران به نسبت طلب آنها تقسیم می‌شود، مگر اینکه آن را بدون شرط قبول کرده باشند. پس اگر از میت مالی باقی مانده باشد و ورثه آن را قبول کنند مسئولیت تصفیه ترکه به عهده آنها خواهد بود و اگر ترکه را رد کنند تصفیه آن با دادگاه خواهد بود و از آنجا که هر کس مسئول ایفای تعهدات خود در برابر دیگران است ورثه مسئولیتی در قبال تعهدات و دیون متوفی ندارند.

در هر صورت قبل از تقسیم ترکه بین وراث باید دیون و حقوقی که به ترکه میت تعلق می‌گیرد پرداخت شود، و پس چنانچه سهمی باقی ماند مابین ایشان به نسبت سهم الارث تقسیم می‌گردد. این حقوق و تعهدات طبق قانون به شرح ذیل می‌باشد ابتدا به ساکن باید هزینه کفن و دفن و دیگر هزینه‌های ضروری از قبیل هزینه حفظ و اداره ترکه از ماترک داده شود. در برداشتن وجه نقد یا فروش قسمتی از ترکه که برای هزینه کفن و دفن متوفی لازم است، اجازه تمام ورثه و اشخاص ذینفع در ترکه لازم نیست.

پس چنانکه اشاره شد دیون و واجبات مالی متوفی (طلب طلبکاران و سایر بدهی‌های مالی) باید پرداخت شود. و همچنین وصیت میت در حد و حدود قوانین شرعی و قانونی در اولویت بعدی امور مربوط به ترکه قرار دارد و سپس نوبت به تقسیم ماترک به نسبت سهم قانونی فرا خواهد رسید. در این بین برای پرداخت طلب‌های طلبکاران شخصی فوت شده عده‌ای طبق قانون در اولویت قرار دارند که عبارتند از:

الف) حقوق خدمه منزل برای مدت سال آخر قبل از فوت

ب) حقوق خدمتگزاران محل کار متوفی برای سه ماه قبل از فوت.

ج) دستمزد کارگران روز مرد یا هفتگی، برای مدت سه ماه قبل از فوت

د) نفقه و جهیزیه زن

منابع

۱. قانون مدنی ایران
۲. قانون امور حسبی ایران
۳. مجلات قوه قضائیه
۴. گنجینه تلمود

گزارش کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران

مهندس بهادر میکائیل

فعال اجتماعی و عضو کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران



در شش ماهه اول سال ۱۳۹۷ کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران همچون گذشته به منظور حفظ سلامت و ایجاد شادی و نشاط در بین جوانان، بانوان و خانواده‌های عزیز همکیش اقدامات زیر را انجام داد:

۱. کلاس‌های زومبا و

پيلاتس بانوان به مدیریت خانم آیلین تشخیصی و مربی‌گری مهسا اسکویی در سالن مرحومه ژانت کهن‌صدق در ساختمان سرابندی.

۲. کلاس‌های ایروبیک آقایان در مجموعه ورزشی پارسپان.

۳. کلاس‌های Fit Dance ویژه کودکان،

نوجوانان و جوانان در سالن کهن‌صدق.

۴. با همکاری و مساعدت آموزش و پرورش منطقه

۶ و تلاش‌های بی‌وقفه رزیتا رحیمیان اقدام به تشکیل کلاس‌های زیر گردید:

- آموزش شنا

- آموزش شطرنج

- آموزش دفاع شخصی

- آموزش تنیس روی میز

- آموزش والیبال

- آموزش هندبال

- آموزش صخره‌نوردی

۵. کلاس‌های فوتبال ویژه دانش‌آموزان روزهای

دوشنبه و چهارشنبه در مجتمع آموزش روحی شاد.

در این زمینه شایسته است از زحمات اعضای انجمن

اولیاء و مربیان این مدرسه به ویژه ایلن ریحانیان تشکر و

قدردانی کنیم.

۶. برگزاری سه مسابقه فوتبال در زمین چمن مصنوعی شهید شیروودی به شرح زیر:

- بزرگسالان گیبور کلیمیان، پیشکسوتان استقلال تهران

- جوانان گیبور کلیمیان، مدرسه فوتبال پایتخت

وابسته به باشگاه استقلال تهران

- منتخب دانش‌آموزان مدرسه روحی شاد و منتخب

دانش‌آموزان مدرسه موسی بن عمران

شایان ذکر است برنامه فوق مورد استقبال بی‌نظیر و باشکوه

همکیشان عزیز به ویژه بانوان و خانواده‌ها و جوانان جامعه

کلیمی قرار گرفت، همچنین نمایندگانی از انجمن کلیمیان

تهران، برخی کمیته‌ها، پیشکسوتان باشگاه استقلال و

ورزش‌دوستان نیز در این مسابقات حاضر بودند.

۷. سفر تیم والیبال گیبور کلیمیان به شهرستان

ارومیه و انجام مسابقه با تیم والیبال آشوریان ارومیه.

شایان ذکر است در این مسابقه تیم والیبال گیبور با نتیجه ۳

بر ۱ پیروز شد. همچنین هزینه‌های این سفر توسط اعضای

تیم و همراهان تأمین گردید.

۸. کلاس‌های فوتبال و والیبال ویژه نوجوانان و جوانان،

روزهای فرد در مدرسه موسی بن عمران. ■



اخبار

مهندس امید ممبئی مقدم مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران

برگزاری جشن تقدیر و سایر فعالیت‌های مجتمع آموزشی روحی شاد



مجتمع آموزشی روحی شاد در اردیبهشت ماه، شاهد برگزاری جشن تقدیر از دبیران زحمت‌کش و نمونه بود.

در این برنامه که با اجرای برنامه‌های دکلمه، سرود و تقدیم دل‌نوشته توسط دانش‌آموزان همراه بود، مهندس روبرت خالدار (مسئول معلمین دینی و عبری)، بهادر میکائیل و امید شایان‌مهر (از اعضای کمیته فرهنگی) به همراه حمزه زرینی (والیبالیست) حضور داشتند.

خاطر نشان می‌سازد اخیراً دانش‌آموزان کلاس

سوم دبستان مجتمع آموزشی روحی شاد موفق به کسب مقام اول در پروژه جابرابن‌حیان در منطقه ۱۲ تهران شدند. ضمن آنکه به مناسبت هفته سلامت، مسابقات پدران و پسران در این مجتمع برگزار گردید که با استقبال شایان توجه والدین و دانش‌آموزان مواجه شد.

نمایش مستند «شهسوار»

روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷، مستند «شهسوار» با حضور تهیه‌کننده آن، هارون یشایایی، در ساختمان خانه جوانان بهبود تهران به نمایش گذاشته شد.

فیلم مستند «شهسوار» به جنبه‌های ورزشی، اجتماعی، سیاسی و خانوادگی زندگی غلامرضا تختی پرداخته است. در این مستند که با صدای پرویز پرستویی و بازی مجید خدایی، قهرمان کشتی جهان (در نقش غلامرضا تختی) همراه است، برش‌هایی از زندگی غلامرضا تختی در بخش‌های ورزشی، اجتماعی و سیاسی بازسازی شده است. در این برنامه که جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران، هیات مدیره خانه جوانان، اعضای نشریه افق بینا و فعالان اجتماعی در آن حضور داشتند، هارون یشایایی توضیحاتی در خصوص فیلم ارائه داد.

شایان ذکر است پیش از این و همزمان با پنجاهمین سالگرد درگذشت جهان پهلوان تختی، از فیلم مستند «شهسوار» به کارگردانی علی شاه محمدی و تهیه‌کنندگی هارون یشایایی با حضور جمعی از کشتی‌گیران و قهرمانان ملی و جهانی کشتی رونمایی شده بود. این مراسم همراه با برگزاری بزرگداشتی برای تهیه‌کننده فیلم، هارون (پرویز) یشایایی به پاس یک عمر فعالیت ارزشمند در عرصه فیلم سینمایی و مستند بود.

دیدار نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی و رییس انجمن کلیمیان با وزیر آموزش و پرورش

روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت دکتر سیامک مره‌صدق و دکتر همایون سامه‌یح با محمد بطحایی (وزیر آموزش و پرورش) دیدار و گفتگو کردند.

در این دیدار دکتر مره‌صدق خواستار حل مشکل ثبت نام دانش‌آموزان کلیمی در مدارس برتر در شهرهای مختلف شد. علاوه بر این، نماینده ایرانیان کلیمی به موضوع لزوم ارتقای کیفی کتاب‌های تعلیمات ادیان الهی و اخلاق ویژه اقلیت‌های دینی اشاره کرد.

دکتر همایون سامه‌یح، موضوع تغییر مدیریت در برخی مدارس خاص کلیمی و همچنین بار مالی بسیار زیاد اداره این مدارس توسط انجمن کلیمیان را مطرح کرد و خواستار همکاری هر چه بیشتر وزارت آموزش و پرورش در این خصوص شد که این خواسته، مورد تأکید دکتر مره‌صدق نیز قرار گرفت.

نمایندگان جامعه کلیمی در این دیدار از دولت و وزارت آموزش و پرورش به جهت مساعدت‌های صورت گرفته در خصوص مدارس خاص کلیمیان و همچنین تعطیلی روز مقدس شبات (شنبه)، تشکر و قدردانی نمودند.

جشن بیست سالگی نشریه افق بینا

روز چهارشنبه ۲ خرداد، جشن بیست سالگی نشریه افق بینا با حضور دکتر همایون سامه‌یح (رییس انجمن کلیمیان و مدیرمسئول نشریه)، فرانک عراقی (سردبیر) و اعضای هیات تحریریه در محل انجمن کلیمیان تهران برگزار شد.

تحلیل و بررسی کیفیت نشریه، موضوع محوری مورد بحث این جلسه را تشکیل می‌داد. هارون یشایایی (اولین مدیر مسئول مجله) نیز به عنوان مهمان ویژه در این برنامه حضور داشت.

شایان ذکر است اطلاع‌رسانی در جامعه کلیمیان ایران در سده اخیر، با فراز و نشیب‌های فراوان جریان داشته است. نشریه افق بینا ادامه دهنده این روند مطبوعاتی در حال حاضر است که با تلاش علاقمندان و حمایت‌های هیات مدیره وقت انجمن کلیمیان تهران به ریاست هارون یشایایی، اولین شماره خود را در فروردین ۱۳۷۸ منتشر نمود.

برگزاری برنامه‌های مختلف در مدرسه فخر دانش



به همت مدیریت و انجمن اولیا و مربیان مدرسه فخر دانش برنامه‌های مختلف و گوناگونی در این مدرسه برگزار شده که با استقبال قابل توجهی نیز همراه بوده است.

برگزاری گردش علمی - تفریحی (۲۲ فروردین)، برگزاری اردوی شهید باهنر (۱۱ اردیبهشت)، مراسم جشن آلف بت (۱۶ اردیبهشت)، قدردانی از معلمان

(۱۷ اردیبهشت)، برنامه آخرسال، تشویق دانش‌آموزان برتر (۲۰ اردیبهشت)، برگزاری جشن الفبا در کلاس اول ابتدایی (۲۷ اردیبهشت)، صبحانه‌های دوره‌می در طول سال و آزمون هماهنگ عبری و دینی (اول خرداد) بخشی از فعالیت‌های صورت گرفته در مدرسه فخردانش است که نشان از سعی و اهتمام جدی مسئولین و انجمن اولیا و مربیان این مدرسه در جهت افزایش سطح کمی و کیفی آموزشی و پرورش کودکان و نوجوانان شاغل به تحصیل دارد.

برگزاری امتحانات هماهنگ عبری و دینی



به همت کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران، مدارس خاص کلیمیان در تاریخ اول خرداد، شاهد برگزاری امتحانات عبری و دینی به صورت هماهنگ در مقاطع دوم ابتدایی الی یازده متوسطه بود.

این آزمون هماهنگ، با تعامل صورت گرفته مابین اعضای کمیته فرهنگی، همکاران کمیته، طراحان سوال، مصححین، ناظرین اجرایی و مسئولین مدارس از جمله جناب حاخام صیون تهرانی، مهندس روبرت خالدار، فرید یاشار، بهادر

میکائیل، امید شایان مهر، نیما رنگار، شهاب شهامی فر، بهزاد نصیرزاده، مهندس پیام خاکشور و فهیم لاله‌زاری برگزار شد.

برگزاری مراسم بیست و نهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)



به مناسبت بیست و نهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، مراسم دعا و نیایش مطابق روال هرساله با حضور جمعی از کلیمیان و مسئولین ستاد بزرگداشت ارتحال امام خمینی (ره) در تاریخ سه‌شنبه ۸ خرداد در کنیسه‌ی یوسف‌آباد تهران برگزار شد.

جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، برخی از اعضای

هیات مدیره و بازرسین انجمن کلیمیان تهران، هارون یشایایی، منوچهر سرافراز، ابراهیم سعیدیان و تعداد دیگری از اқشار مختلف و فعالان اجتماعی کلیمیان در این برنامه حضور داشتند.

در این مراسم که با حضور سردار محمد رضا موحدی (دبیر کمیته نیروهای مسلح ستاد مرکزی بزرگداشت امام) و دکتر سعید زارع (معاون مشاور رئیس جمهور در امور اقلیت‌های مذهبی) همراه بود از طرف جامعه کلیمیان، حاخام دکتر حمای لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران) دکتر همایون سامه‌یح (رئیس انجمن کلیمیان)، هارون یشایایی (چهره ماندگار جامعه کلیمی) و ابراهیم سعیدیان (رئیس کانون فرهنگی هنری و شاعر برجسته جامعه کلیمی) به ایراد سخنرانی پرداختند. هنرمندی نوجوان جامعه کلیمیان، یوئود گیدانیان نیز بخش دیگری از این مراسم بود.

خاطر نشان می‌سازد روز یکشنبه ۶ خرداد نیز حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح و بیژن آصف (عضو هیات مدیره انجمن کلیمیان) ضمن حضور در سخنرانی سید حسن خمینی، مراتب تسلیت جامعه کلیمیان را بابت سالگرد درگذشت امام راحل به یادگار ایشان اعلام نمودند.

شرکت جامعه کلیمیان در مراسم نثار تاج گل در مرقد امام راحل و دیدار با یادگار ایشان

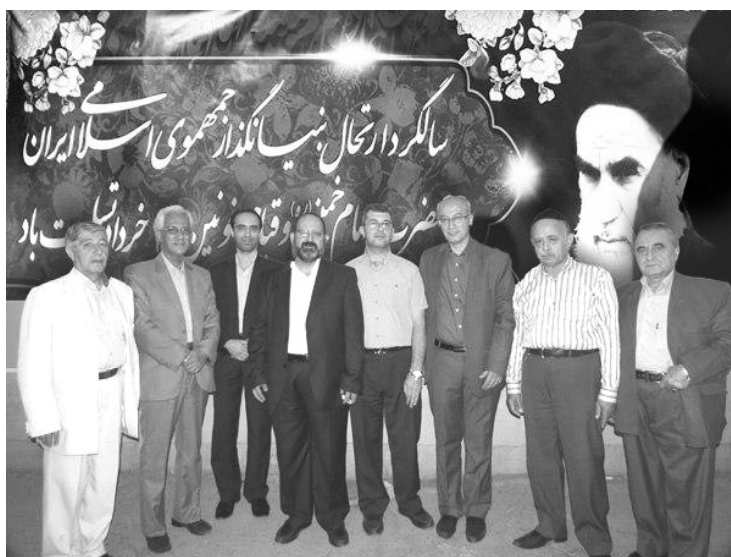
مطابق برنامه هر ساله، اقشار مختلف جامعه کلیمیان روز چهارشنبه ۹ خرداد، با حضور در مرقد مطهر امام راحل و نثار تاج گل، ضمن ادای احترام به روح پرفتوح ایشان، با آرمان‌های الهی-انسانی معمار کبیر انقلاب اسلامی تجدید میثاق نمودند.

علاوه بر این در همان روز، نمایندگان جامعه کلیمیان همراه با سایر نمایندگان ادیان توحیدی، با یادگار امام راحل، حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی دیدار کردند.



شرکت نمایندگان جامعه کلیمیان در مراسم بزرگداشت بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی

نمایندگان جامعه کلیمیان روز دوشنبه مورخ ۱۴ خرداد ماه، مطابق روال هر ساله در مراسم بزرگداشت امام خمینی (ره) که در حرم مطهر بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی برگزار شد، شرکت نموده و با آرمان‌های ایشان تجدید میثاق نمودند. از طرف جامعه کلیمیان ایران، جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح، برخی دیگر از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان (بیژن آصف، مهندس شاهین آشوری و مهندس امید محبتی مقدم) و ابراهیم سعیدیان (رییس کانون فرهنگی هنری کلیمیان) به همراه تعدادی از فعالان اجتماعی در این مراسم حضور داشتند. خاطر نشان می‌سازد رهبر معظم انقلاب اسلامی در این اجتماع مردمی به ایراد سخنرانی پرداختند.



حضور کلیمیان در راهپیمایی روز جهانی قدس



جامعه کلیمیان ایران همچون سالیان گذشته، جمعه ۱۸ خرداد در راه پیمایی روز جهانی قدس شرکت نمودند.

جمعی از اعضای هیات مدیره و بازرسین انجمن کلیمیان تهران، اعضای کمیته‌ها و پرسنل انجمن کلیمیان و فعالان اجتماعی، در این راه پیمایی حضور داشتند.

در حاشیه این راهپیمایی، دکتر همایون سامه‌یح، به نمایندگی از جامعه کلیمیان با رسانه‌های خبری گفتگو کرد.

تقدیر ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام از هنرمند نوجوان کلیمی

روز یکشنبه ۲۷ خرداد، مسئولان ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام (ره) از هنرمند نوجوان کلیمی، یوئود گیدانیان قدردانی به عمل آوردند.

جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران (دکتر سلیمان کهن‌صدق، بیژن آصف، ادموند معلمی) و فعالین اجتماعی به همراه خانواده این هنرمند توانا در این مراسم حضور داشتند.

سردار محمد رضا موحدی (دبیر کمیته نیروهای مسلح ستاد مرکزی بزرگداشت امام) و مسئول امور اجرایی این ستاد از جمله مسئولین حاضر در این برنامه بودند.

شایان ذکر است هنرنامه‌ها و دکلمه‌گویی‌های یوئود گیدانیان، تاکنون با استقبال قابل توجه جامعه کلیمی و مسئولین کشوری همراه بوده است.

جشن پایان دوره نونهالان مهدکودک یلدا ۲ (فاطمی)



جشن پایان دوره نونهالان مهدکودک یلدا ۲، با حضور مسئولین مهد، کودکان و اولیای آنها ۳۰ خرداد در محل ساختمان سرابندی برگزار شد. اجرای سرود، نمایش، ژیمناستیک و برخی هنرمندی‌های دیگر که توسط نونهالان انجام شد، از جمله آیتم‌های مختلف این جشن بود که مورد استقبال حضار قرار گرفت.

دکتر سلیمان کهن‌صدق، فریده پوراتیان، شهاب شهمی‌فر و همچنین برخی دیگر از اعضای هیات مدیره انجمن بانوان کلیمی و فعالان اجتماعی نیز در این برنامه حضور داشتند.

کسب مقام برتر توسط دانش آموز کلیمی در مسابقه نویسندگی

الینور مسیح اسرایلیان، دانش‌آموز پایه چهارم ابتدایی مجتمع آموزشی اتفاق، موفق به کسب مقام برتر در مسابقه نویسندگی تحت عنوان «نویسنده کوچک و اندیشمند فردا» شد.

مدیر آموزش و پرورش منطقه ۶ با اهدای لوح تقدیر از داستان این دانش‌آموز موفق کلیمی به نام «نقشه ناتمام» قدردانی به عمل آورد.

طرح «نویسنده کوچک، اندیشمند فردا»، با تاکید بر چهار مهارت گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن، به همت روابط عمومی آموزش و پرورش شهر تهران در بهار ۹۷ برگزار شد.

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران کسب این موفقیت را به دانش‌آموز افتخارآفرین کلیمی، تبریک می‌گوید.

جشن پایان دوره نونهالان مهدکودک یلدا شماره ۱ (گرگان)



جشن پایان دوره نونهالان مهدکودک یلدا ۱، با حضور برخی از اعضای هیات مدیره انجمن بانوان کلیمی و مسئولان مهد، خرداد ماه در محل مهدکودک برگزار شد. اجرای سرود و نمایش های متنوع که توسط نونهالان انجام شد، از جمله آیتم های مختلف این جشن بود.

برگزاری جشنواره غذاهای غیرگوشتی توسط انجمن بانوان کلیمی

روز ۱۹ تیرماه، ساختمان سرابندی شاهد برگزاری جشنواره غذاهای غیرگوشتی توسط انجمن بانوان کلیمی بود. بدین ترتیب انجمن بانوان کلیمی، برای سومین سال متوالی، موفق به برگزاری این جشنواره شد که با استقبال بی نظیر بانوان هنرمند جامعه نیز روبرو شده است.

شرکت کنندگان در این جشنواره با نحوه پخت غذاهایی آشنا شدند که بدون گوشت و مرغ تهیه می شود. با توجه به پرهیز کلیمیان از خوردن غذاهای گوشتی در چند روز ابتدایی ماه عبری آو، اطلاعات ارائه شده در این برنامه برای حضار مفید و سازنده بود. در پایان این مراسم به کلیه شرکت کنندگانی که غذا تهیه کرده بودند، جوایزی اهدا شد.

بازدید جمعی از همکیشان عزیز از آرامستان گیلارد

روز ۲۵ تیرماه، جمعی از همکیشان به همت گروه یاران، از آرامستان کلیمیان واقع در منطقه گیلارد دماوند بازدید کردند.

بازدید از آرامستان گیلارد، سالانه همزمان با آغاز ماه عبری آو، انجام می شود و کلیه هزینه های این بازدید، بر عهده گروه یاران و جمعی از خیرین جامعه می باشد.



شایان ذکر است آرامستان گیلارد، یکی از آرامستان های قدیمی جامعه کلیمیان است که بسیاری از افراد جامعه کلیمی، در آن مدفون هستند. با وجود این، متأسفانه تعداد قابل توجهی از قبور، توسط اشخاص ناشناس تخریب شده است. کمیته بهشتیه انجمن کلیمیان تهران همواره توجه خاصی به این آرامستان مبذول داشته و اخیراً نیز فعالیت های خود را برای بهبود هر چه بیشتر شرایط آن، شدت بخشیده است.

این آرامستان، در سازمان میراث فرهنگی به ثبت رسیده است.

برگزاری مجمع عمومی سالانه انجمن کلیمیان تهران

مجمع عمومی عادی نوبت دوم انجمن کلیمیان تهران در تاریخ ۱۲ مرداد ماه ۱۳۹۷ در کنیسای یوسف‌آباد و با حضور مسئولان نهادهای جامعه، همکیشان و نماینده‌ی وزارت کشور برگزار شد. جلسه با ریاست سنی منوچهر سرافراز آغاز و مطابق رای‌گیری به‌عمل آمده در این مجمع، مهندس ناتان نامدار، مهندس آزاده بن‌زکریا، الیزا مسعودی‌پناه (مصری)، دکتر پژمان پورفخر و بهنام ریحانیان به عنوان اعضای هیئت ریسه مجمع عمومی انجمن کلیمیان تهران انتخاب شدند. در این جلسه دکتر سامه‌یح، رئیس انجمن به قرائت گزارش کامل هیئت مدیره و کمیته‌های انجمن پرداخت و سپس فریدون طوبی گزارش بازرسی انجمن را قرائت نمود. در ادامه‌ی جلسه، پرسش و پاسخ انجام شد و در پایان هیئت ریسه اعلام کرد تاریخ انتخابات هیئت مدیره و بازرسان انجمن برای دوره‌ی جدید متعاقباً اعلام خواهد گردید.

برگزاری جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز کلیمی

طبق روال هر ساله، به همت خانه جوانان یهود تهران، حمایت‌های انجمن کلیمیان تهران و همچنین پیگیری‌های کمیته جوانان، جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز کلیمی در کلیه مقاطع تحصیلی، به مدت سه شب در ۴، ۵ و ۶ شهریورماه در تالار اجتماعات محبان برگزار شد. در این مراسم هدایایی از طرف مسئولین جامعه و دبیران تعلیمات دینی به دانش‌آموزان ممتاز تقدیم شد. ■



مناسبت‌های تقویمی سال ۵۷۷۹ عبری

مهندس آرش آبائی

مناسبت	تاریخ عبری	تاریخ فارسی	
آدینه‌ی رُوش هَشانا - هَتارت نِداریم	۲۹ الול ۵۷۷۸	۱۸ شهریور ۱۳۹۷	یکشنبه
اول رُوش هَشانا - آغاز سال ۵۷۷۹ عبری - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۱ تیشری ۵۷۷۹	۱۹ شهریور	دوشنبه
دوم رُوش هَشانا - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۲ تیشری	۲۰ شهریور	سه‌شنبه
تَعْنِیت (روزه) گِذَلِیا	۳ تیشری	۲۱ شهریور	چهارشنبه
آدینه‌ی یوم کیپور - هَتارت نِداریم - کِپَر	۹ تیشری	۲۷ شهریور	سه‌شنبه
تَعْنِیت (روزه) یوم کیپور - (تعطیل مذهبی)	۱۰ تیشری	۲۸ شهریور	چهارشنبه
آدینه‌ی موعِد سوکُوت	۱۴ تیشری	۱ مهر	یکشنبه
اول موعِد سوکُوت (عید سایه‌بان‌ها) - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۱۵ تیشری	۲ مهر	دوشنبه
دوم موعِد سوکُوت - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۱۶ تیشری	۳ مهر	سه‌شنبه
هفتم موعِد سوکُوت - هوشَعنارِبا	۲۱ تیشری	۸ مهر	یکشنبه
موعِد شِمینِی عَصِرِت - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۲۲ تیشری	۹ مهر	دوشنبه
موعِد سِیمِحا تورا - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۲۳ تیشری	۱۰ مهر	سه‌شنبه
اول حَنوکا (جشن روشنایی‌ها) - به مدت ۸ روز تا دوشنبه ۱۹ آذر	۲۵ کیسلو	۱۲ آذر	دوشنبه
تَعْنِیت (روزه) دهم طوت	۱۰ طوت	۲۷ آذر	سه‌شنبه
ایلائُوت (جشن درختان)	۱۵ شیواط	۱ بهمن	دوشنبه
تَعْنِیت (روزه) اِسْتِر	۱۳ ادار دوم	۲۹ اسفند	چهارشنبه
پوریم	۱۴ ادار دوم	۱ فروردین ۱۳۹۸	پنجشنبه
آدینه‌ی موعِد پَسَح - تَعْنِیت (روزه) نخست‌زادگان ذکور	۱۴ نیسان	۳۰ فروردین	جمعه
اول موعِد پَسَح (عید فطیر) - (تعطیل مذهبی)	۱۵ نیسان	۳۱ فروردین	شنبه
دوم موعِد پَسَح - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۱۶ نیسان	۱ اردیبهشت	یکشنبه
هفتم موعِد پَسَح - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۲۱ نیسان	۶ اردیبهشت	جمعه
هشتم موعِد پَسَح - (تعطیل مذهبی)	۲۲ نیسان	۷ اردیبهشت	شنبه
پسح سنی - هیلولا ربی مئیر بَعْل هَئِیت	۱۴ ایار	۲۹ اردیبهشت	یکشنبه
لَگ باعُومِر - هیلولا ربی شِیمِعون بریوحای	۱۸ ایار	۲ خرداد	پنجشنبه
اول موعِد شاووعُوت (عید هفته‌ها) - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۶ سیوان	۱۹ خرداد	یکشنبه
دوم موعِد شاووعُوت - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۷ سیوان	۲۰ خرداد	دوشنبه
تَعْنِیت (روزه) هفدهم تموز	۱۸ تموز	۳۰ تیر	یکشنبه
تَعْنِیت (روزه) نهم او	۱۰ او	۲۰ مرداد	یکشنبه
آدینه‌ی رُوش هَشانا	۲۹ الول ۵۷۷۹	۷ مهر	یکشنبه
اول رُوش هَشانا - آغاز سال ۵۷۸۰ عبری - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۱ تیشری ۵۷۸۰	۸ مهر ۱۳۹۸	دوشنبه
دوم رُوش هَشانا - یوم طوو (تعطیل مذهبی)	۲ تیشری	۹ مهر	سه‌شنبه



جامعه کلیمیان در مراسم نثار تاج گل در مرقد امام راحل و دیدار با حجت الاسلام سید حسن خمینی - ۹ خرداد ۱۳۹۷



تقدیر ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام از «یو خود گیدانیان»، هنرمند نوجوان کلیمی - ۲۷ خرداد ۱۳۹۷



جشن بیست سالگی افق بینا با حضور دکتر سامه بیج مدیر مسئول و هارون بیشایبی موسس نشریه - ۲ خرداد ۱۳۹۷



ואַפֿה תַּחֲזֶה מְכַל-הָעַם אַנְשֵׁי-חַיִל יִרְאֵי אֱלֹהִים , אַנְשֵׁי אִמֶּת--שְׁנֵאֵי בְּצַע וְשִׁמְתָּ
עֲלֵהֶם, שְׂרֵי אֱלֹפִים שְׂרֵי מֵאוֹת, שְׂרֵי חֲמֻשִׁים, וְשְׂרֵי עֲשָׂרֹת. -שְׁמוֹת יח-כא

و تو از تمام آن قوم، مردانی کاردان و درستکار که از خدا ترسیده و دشمن سود نامشروع
باشند پیش بینی کن و آنان را (به عنوان رئیسه‌های هزاره و سده و پنجاهه و دهه) بر آن قوم
منصوب کن (کتاب خروج ۱۸/۲۱)

**انتخابات انجمن کلیمیان تهران
۱۳۹۷**